

هو المحبوب

فارغ از سود و زیان در بار نشستن

«بهار» در «بهار»، «بهار طبیعت»، «بهار قرآن»، «بهار کلام رهبر» در دیدار با قرآنی‌های «سمپاد». زیبائی‌های نهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم سمپاد را دو چندان نمود. امسال راه یافنگان به مرحله نهایی این مسابقات، شادمانه‌تر از هر بار رقابت‌ها را شروع، و سرشار از شادابی به پایان رساندند.

در این شماره نیز بحث «مهاجرت نخبگان» منعکس شده در مطبوعات را برایتان آورده‌ایم. بحثی قدیمی، بحثی تازه یا بحثی تکراری و بعد... ادامه امور و احوالات سرمدار قبلی و دیگر هیچ.

اما ما وقتی هر سال به آخرین روز فصل بهار می‌رسیم، در تقویم، شهادت عزیزی در مقابل چشمانمان خودنمایی می‌کنند که در «برکلی» امریکا همه چیز داشت، هم توان علمی و هم جایگاه، علمی ولی جنوب «لبنان» را ترجیح داد با محرومان شیعه و فرزندان یتیمش. و بعد که انقلاب پیروز شد، به ایران آمد، وقتی که جنگ را برا متحمل کردند «خوزستان» خونین و غرب مورد تهاجم را انتخاب کرد و در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در «دهلاویه» به دیدار معشوق شتافت. یادش گرامی و

راهش الگویی برای آنانکه «باور» دارند، «توان علمی» دارند، «ایران» عزیز را عاشقند و راه سرداری چون شهید دکتر «مصطفی چمران» را در خدمت به میهن یک «انتخاب»، یک «نیاز» و یک «ضرورت» بنیادین می‌دانند.

○ ○ ○

وقتی نه سال قبل، شماره نخست «مجله استعدادهای درخشان» را به زیر چاپ می‌فرستادم باورم نمی‌شد که روزی مقدمه‌سی و سومین شماره‌اش را بنگارم. آنروزها همانند هر سال-برای سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان صبحت از «بودن» یا «نبودن» چند مرکز آموزشی بود و امروز شاهد آغاز کار دوره‌های دکترای پیوسته هستیم، سال قبل «بیوتکنولوژی» و امسال «فیزیک» و «ریاضی» و هر سه در چندگراییش، پاسخی اوایله برای رفع نیازهای علمی نخبگان میهن اسلامی‌مان خواهد بود.

«شورای هدایت استعدادهای درخشان در آموزش عالی کشور» می‌تواند در صورت فعالیت بیشتر، به بار نشستن مقدماتی گامی راکه در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۶ برای تشکیل «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» برداشته، تکامل بخشد.

مدیر مسؤول

گل واژه‌های نور

سخنان رهبر انقلاب در جمع راه یافتنگان به مرحله نهائی مسابقات
سراسری حفظ، قرائت و مفاہیم قرآن کریم سمپاد
(تهران - ۱۳ اردیبهشت، ۱۳۷۹)

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوش آمدید جوانان عزیز، محیط کار و زندگی ما را نورانی کردید، هم با صفاتی
دلهای پاک و متّور خودتان، هم به برکت قرآنی که در سینه و ذهن و دل شماها - بحمد الله - جای
گرفته است.

عزیزان من - چه پسرها و چه دخترها - قدر این نعمت بزرگی آشنایی و انس با قرآن را بدانید.
قدر دانستنش هم به این است که اولاً هر مقداری از قرآن که «حفظ» هستید با تکرار، آن را
برای خودتان نگذارید، نگذارید که از لوح ضمیر پاک و نورانی شما زدوده شود. با تکرار، با
خواندن، مکرر خواندن قرآن، همان مقداری که در حفظید، اگر همه قرآن یا بعض قرآن.
ثانیاً با «تدبر» در آیات قرآنی، وقتی انسان قرآن را با خودش همراه دارد و معنای قرآن را
هم می‌فهمد - که باید سعی کنید این را هم انشاء الله حتماً داشته باشد. امروز ترجمه‌های خوبی
هست قرآن را ترجمه‌های خوب فارسی کرده‌اند وقتی این عامل را همراه خود دارید - یعنی
هم قرآن را حفظید، هم معنی آن را می‌دانید - با تکرار آیات فرصتی پیدا می‌شود برای اینکه
ذهن شما به نکات قرآن، التفات و توجه بکند، هر چه طرز فکر انسان بالاتر و معرفت انسان

بیشتر

بشود،

فهم

او از قرآن عالیتر و راقی تر و روشن تر خواهد شد. و متقابلاً هر چه با قرآن بیشتر انس بگیرید و از قرآن استفاده کنید، «معرفت» شما و «فکر» شما بالاتر خواهد رفت، این دو تا روی هم اثر متقابل دارند. قرآن به شما کمک می‌کند که معرفتتان نسبت به مفاهیم عالی آفرینش، مفاهیم اسلامی و الهی، بالا برود و روشن بینی پیدا کنید نسبت به همه کائنات، نسبت به همه آفرینش، نسبت به همه مفاهیمی که در زندگی، سر راه انسان قرار می‌گیرد. به هر اندازه هم که این حالت در شما پیدا بشود و روشن بینی شما بیشتر بشود، از قرآن استفاده بیشتری خواهید بردا، همینطور رو به تراوید است. بنابر این قدر دانستن قرآن به این است که عرض کردم. ممکن است بعضی بگویند «عمل»، البته بدون عمل که فایده‌ای ندارد، اما شما بدانید اگر آن «معرفت» قرآنی که من عرض می‌کنم، در شما به وجود بیاید، «عمل» از آن انفکاک ناپذیر است. وقتی شما به چیزی «معرفت» پیدا کردید، به سمت او، به طور قهری و طبیعی حرکت می‌کنید. «عمل» انفکاک‌پذیر نیست. اینکه می‌بینیم عده‌ای از مردم دچار بی‌عملی، دچار رکود، دچار جمود، دچار پستی‌های اخلاقی، پستی‌های روحی، دچار کارهای خلاف اخلاق و معنویت و خلاف انصاف و خلاف عدالت شده‌اند و مثل حیوانها عمل می‌کنند، در درجه اول ناشی از این است که آن نور «معرفت» در دل اینها نیست. ممکن است معلومات داشته باشند، کتاب خوانده باشند، حرفهای نویی یادگرفته باشند، لکن «معرفت» یک مقوله دیگر است، یک عنصر دیگری است آن را ندارند.

شما به برکت قرآن و تدبیر در قرآن، همینطور که گفتم مقوله معرفت را، مقوله نورانیت را پیدا می‌کنید و بدانید عزیزان من، برای اینکه ما یک جامعه‌ای به وجود بیاوریم که این جامعه، هم از لحاظ مادی، علمی و صنعتی دچار عقب ماندگی نباشد و در دنیا پیشرو باشد، بر روی زندگی دنیا اثرگذار باشد، و در عین حال، با اینکه پیشرفت علمی دارد، از لحاظ «معنویت» دچار آفت‌های معنوی، که امروز غرب دچار آن هست، نباشد. ایده‌آل این است، ما می‌خواهیم دنیایی داشته باشیم که هم از علم و معرفت و دانش و تکنولوژی و پیشرفت‌های علمی و اکتشافات و کشف کردن دنیاهای جدیدی در دل این طبیعت، برخوردار باشد، که امروز متأسفانه کشور ما از این جهت عقب است، در اثر بد عمل کردن حکومت‌ها در طول ۲۰۰ سال گذشته، تا دوران انقلاب، دچار عقب ماندگی هستیم، بعد این عقب ماندگیها که بر طرف شد - مثلاً شدیم مثل کشورهای پیشرفته علمی امروز دنیا - آن مقوله دیگر، آن کمبود دیگر،

اهمیتش و خسارتش از این کمتر نیست، ما اگر جامعه‌ای داشته باشیم از نظر علمی پیشرفته، اما دچار تبعیض، دچار فساد اخلاق، دچار غیبت، دچار فقر اخلاقی شدید، دچار فراموشی معنویت و چسبیدن به شهوت زندگی - همین حالاتی که امروز غرب دچار آن است - این خیلی خسارت بزرگی است. این خیلی ضرر عمدہ‌ای است. به ساختمان و در و دیوار که فقط نمی‌شود نگاه کرد، زندگی که این نیست، زندگی در درون انسانهاست، شادی و احساس سعادت و بهجهت، در دل انسانهاست، در درون انسانهاست که در دنیای غرب این نیست. به خاطر فقر معنوی، به خاطر فقر اخلاقی، ما می‌خواهیم این را هم نداشته باشیم. پس با دو بال - «بال مادی» و «بال معنوی» - می‌خواهیم حرکت کنیم به سمت اوج انسانی و تکامل انسانی. برای این چه کار باید کرد، آیا این هدف نزدیکی است؟ آیا این هدف آسانی است؟ من می‌توانم بگویم این هدفی است دست یافتنی، اما به هیچوجه «نزدیک» و «آسان» نیست. به سمت این هدف چه طور می‌توان حرکت کرد؟ به سمت این هدف جز بانیروی شما جوانها و همت شما جوانها و نشاط شما جوانها نمی‌شود جلو رفت.

نقش «جوانها» اینجا معلوم می‌شود، شمایید که باید با نشاط و همت و تلاش و امید و قوای جوانی خودتان، این راه طولانی، اما دست یافتنی را طی کنید و کشورتان و ملتتان را به آنجا برسانید. این در چند سال بدست می‌آید؟ نمی‌شود گفت. ممکن است خیلی کوتاه، ممکن است خیلی طولانی، اما به هر حال حرکت این راه، محتاج «جوانها» است، جوانها هم اگر بخواهند در این راه خوب حرکت کنند، این قرآنی که شما دارید، می‌شود «مشعل».

اینچاست که نقش قرآنی بودن را می‌شود فهمید. شما «تیزهوشها»، شما «باستعدادها»، شما جوانهای پیشرفته، این «مشعل» را باید در دستان نگهدارید، «مشعل قرآن» را، در دلتان در واقع نگهدارید. آنوقت درس بخوانید، فکر کنید، کار کنید، به فکر راههای جدید باشید، به فکر گشودن سرزمنهای ناگشوده باشید. گشودن سرزمنهای ناگشوده در علم، در معرفت، در پیشرفت، در صنعت، در همه چیز. «فقر علمی» کشور را با تلاش خودتان برطرف کنید، فقر «تحقيقات» را بر طرف کنید و همه اینها را همراه با «قرآن» طی کنید. این می‌شود آن ایده‌آل. این است که من به جوانان خیلی امیدوارم و به جوانانی که با قرآن و معارف اسلامی آشنا هستند به مراتب امیدوارم.

- پروردگارا این جوانهای عزیز ما را در صراط مستقیم خودت ثابت قدم بدار
- دلهای پاک و نورانی آنها را به سمت هدفهای عالی خود رهبری و هدایت بفرما

- پروردگار، ارواح مطهر و طیب و طاهر شهدای عزیزمان و روح مبارک امام بزرگوار را،
دعاگوی تلاش این جوانان قرار بده.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته - انشاء الله موفق باشد.

ایران ما پر از استعدادهای درخشان است

مشروع سخنان ریاست محترم جمهوری حجت الاسلام والملمین
سید محمد خاتمی در جمع المپیادیها و خانواده‌های آنان (۱۰ اسفند ۱۳۷۸)

معمولًاً وقتی از «نخبه» و «نخبه گرایی» صحبت می‌شود - با توجه به آنچه که در تاریخ رخداده است - احساس خوشایندی به انسان دست نمی‌دهد. زیرا وجود جامعه‌ای که در آن «نخبگان» باشند و امتیازات اجتماعی براساس نخبگی تقسیم‌شود، یک جامعه نامتعادل و طبقاتی و دارای شکافهای رنج‌دهنده است. شما همه‌تان کم‌ویش اصطلاح «اریستوکراسی» را شنیده‌اید که همان نظام «اشرافیت» و «نخبه گرایی» است که البته انواع و اقسام مختلفی هم دارد که بعضی بدتر و بعضی‌ها در بدنه و در تاریخ هم بوده است. گرچه به نظر بعضی از فیلسوفان سیاسی قدیم، اریستوکراسی یا نوعی از اریستوکراسی، نظام مطلوب به حساب می‌آمده است. اینکه در جامعه یک عددی از دارای امتیازات ویژه‌ای باشند، و خود در کسب این امتیازات تلاش نکرده باشند. یعنی اموری باشد یا خارج از اختیارات آنها، بخاطر اینکه در فلان خانواده به دنیا آمده‌اند، چون ما خودمان انتخاب نمی‌کنیم که در کدام خانواده و با کدام خصوصیات بدنیاییم. و از این جهت، یکی که در این خانواده به دنیا آمد است قاعده‌ای از نظر خلقت و خصوصیات امتیازی برآن کسی که در خانه دیگر به دنیا آمده است ندارد - اما حرف اتصال نسبی و خونی با یک طایفه و تیره، در

جامعه سبب امتیاز می‌شود. و در همین روال و رده بوده است که شاهنشاهی و پادشاهی‌ها شکل می‌گرفته و به صورت خودکار و اتوماتیک، پسری که زاده این خانواده بوده است، بزرگترین قدرت زمان، بعد از پدرش می‌شده است.

یا امتیازاتی که بیرون از وجود انسان است مثل «ثروت». ثروت که چیزی به انسان نمی‌بخشد، یعنی از نظر هویت انسانی بود یابودا، کم یا زیاد او هیچ‌گونه تأثیری در وزن و ظرفیت انسانی انسان ندارد ولی خود ثروت‌دارایی از اموری بوده است که سبب می‌شده است که آنها یکی که آن را دارند جزو اشراف باشند، و نظام فئodalی که در دوران قرون وسطایی غرب رایج بود. حالا شاید در شرق هم به نحوی بوده است. این بوده که ملاک مالکیت زمین - کسی که زمین دار هست، بزرگ زمین دار هست، اقطاعی هست او باید قدرت داشته باشد و قدرت پیدا بکند. این نوع «نخبه گرایی» و اشرافیت، وجود اشرافیت و اشرافیت‌گرایی در جامعه. این چیز مطلوبی نیست و به این صورت احساس خوبی را در انسان ایجاد نمی‌کند. اما یک نوع «اشرافیت» و «نخبه گرایی» هست که کاملاً اگر مورد اهتمام باشد یک جامعه پیشرفت پیدامی کند و سعادتمند می‌شود و آن اینست که جامعه در گرایش اهتمام و احترام به کسانی که برخوردار از ظرفیت انسانی بیشتری هستند؛ هم به جهت اخلاقی و هم علمی، در آیه معروفی که در قرآن هست که واقعاً دیدگاه انسان‌شناسی اسلام را نشان می‌دهد، «انا خلقنا کم من ذکر و انشی و جعلنا کم شعوباً و قبائل لتعارفاً» (حجرات، ۱۳) این اختلافات ملت بودن، قبیله قبیله بودن، زن بودن، مرد بودن، اینها یک امور طبیعی است که برای این‌تیام جامعه، برای انسجام جامعه، و اینکه هر کدام اجزایی از یک‌کل باشند و روی هم رفته، جامعه انسانی را بشناسند و سبب تعارف و آشنایی انسانها با هم‌دیگر باشند، این نقش دارد و الّا زن بودن یا مرد بودن یا قبیله فلان بودن یا شعب فلان بودن اینها هیچ‌کدام امتیازاتی نیست، یک روند طبیعی است که برای جوامع وجود داشته و وجود دارد. ... ان اکرم کم عَنِ اللَّهِ اَنْقَاصُكُمْ، کسانی که خویشتن دارترند، کسانی که بر خود مسلط‌ترند. کسانی که ارباب خود هستند، کسانی که خردشان به اصطلاح راهنمای راهبر هوس و هوای آنهاست. آنها یکی که خویشتن را ساخته‌اند، آنها گرامی‌ترند نزد خدا و از امتیازی بیشتری برخوردارند یا اینکه نقل شده است که پیامبر (ص) فرمود: اشرف امّت‌من عالمان و آگاهان هستند، یک نوع «اشرافیت» ناشی از یک خصوصیتی که اگر باشد، جامعه بشری پیشرفت می‌کند، به همین دلیل هم رقابت در علم در

اخلاق و منافسه در علم و اخلاق، تنافس، پیشی جستن، مورد عنایت و تمجید هست. مسابقه در مال بیشتر داشتن مذموم است. ولی مسابقه در علم بیشتر داشتن، اخلاق بهتر داشتن، ممدوح است، عقل عرفی و عقل طبیعی بشر هم این حکم را می‌کند دین اسلام هم براین امر اهتمام کرده است. شما اگر هرچه بیشتر علم پیدا بکنید جارا بر دیگران تنگ نمی‌کنید، بلکه جا را بر دیگران گشاد می‌کنید. در حالیکه اگر شما هرچه بیشتر بخواهید دارایی داشته باشید ملک داشته باشید جا را تنگ می‌کنید. به هر حال وقتی که یک سبب در میان باشد، هر کسی که آن سبب را تصاحب بکند، دیگری را محروم کرده از برخورداری از سبب. اما شما هرچه بیشتر علم پیدا بکنید، جا را برای هیچ کس تنگ نمی‌کنید. شما اگر در فیزیک سرآمد همه فیزیکدانهای عالم بشوید، اینظور نیست که دیگری محروم شده باشد که فیزیکدان بشود. بلکه شما هرچه آگاهیتان بیشتر بشود، سبب می‌شود که این آگاهی به دیگران هم منتقل بشود آنها هم آگاهتر بشوند، یعنی بر عکس امور مادی؛ امور معنوی تلاش برای بیشتر پیدا کردن و به دست آوردنش نه تنها جا را برای دیگران تنگ نمی‌کند، تراحمی درونی است بلکه سبب سعهٔ حیات انسانی می‌شود. بنابراین «نخبه گرایی» از جمله جاهايی که ممدوح است و اگر به آن اهتمام شود، کل جامعهٔ بشری برخوردار می‌شود و جامعه پیشرفت می‌کند، در عرصهٔ علم و آگاهی است. هرچه جامعه آگاهتر بشود، هرچه در جامعه آگاهان و عالمان قدر بیشند و در صدر بنشینند، آن جامعه روی سعادت را بیشتر خواهد دید و من خوش آمد می‌گویم به شما «نخبگان» جامعه پویا و پر تلاشمان و امیدهای آینده و امروز؛ اصلاً شما سرمایه‌های امروز کشورید و تبعاً در آینده هم نقش آفرینان بزرگ جامعهٔ ما خواهید بود خوش آمدید و خوشحالیم که این امکان را فراهم آوردید که من از نزدیک، عرض سلام خدمت دختر خانها و آقا پسرهای شایسته و برجستهٔ کشورمان بکنم همینظور خانواده‌های محترم اشان و بستگانشان و نیز اعضای محترمی که هیأت امنا و مسؤولان باشگاه و کسانی که تلاش می‌کنند این نخبگان ما روزبه روز انشاء الله رشد بیشتری پیدا بکنند و جناب آقای مظفر وزیر محترم آموزش و پرورش که این امکان را فراهم آوردند.

«المپیادها»، مظہریک امریست. حالا خود اینکه یک عده‌ای از دانش آموزان عزیزما، تلاش بکنند و از میان آنها [اعده‌ای] انتخاب بشوند بروند در یک کشوری و در یک مسابقاتی شرکت بکنند، یک حادثه گذرايی است که می‌گذرد، خود او اهمیت دارد ولی اهمیتش بیشتر از این

جهت است که مظہر یک امری است و آن اینکه «علم»، «دانش» و تلاش برای ارتقاء سطح دانش آموزان مورد توجه باشد و اینکه المپیادها باید به ما این را بگویید که ما زمینه آگاهی، تحقیق و پیشرفت در عرصه های مختلف را برای فرزندان این کشور فراهم بیاوریم. و ما می دانیم که ایران ما پر از استعداد است و فقط استعدادهای برجسته کسانی نیستند که احیاناً این توفیق را پیدا کرده اند که در المپیادها شرکت بکنند یا در این المپیادها یک مقام و موقعیتی بدست بیاورند. ایران ما پر از استعدادهای شایسته است و اصولاً اگر ملتی استعداد نداشته باشد، فرهنگ ساز و تمدن سازنامی شود و ملت ایران «تمدن آفرین» است. یعنی در چهار- پنج - شش تا ملت بزرگی که در دنیا هستند و تمدن ایجاد کرده اند، یکی از برجسته ترین و سرآمدان آنها، ملت ایران است که هم قبل از اسلام تمدن داشته، هم نقش ممتاز در تأسیس و بسط «تمدن اسلامی» داشته است و دانشمندان و عالمان ایرانی، حتی غیر مسلمان های ایرانی، در آفرینش و بسط تمدنی که هنوز هم چون ستاره ای در خشان بر پیشانی تاریخ و سرنوشت بشریت می درخشد، نقش ممتاز داشته اند. این نشانه استعداد ظرفیت ذاتی یک ملت هست که شما نمایندگان این ملت و پر از استعداد هستید و گوش و کنار این مملکت پر از استعداد است و متأسفانه در بخش های قابل توجهی از کشور ما هنوز امکانات حداقل برای پرورش و رشد این استعدادها وجود ندارد. هنوز در کشور ما با همه تحولات عظیمی که پیش آمده است یعنی شماره رقم با سوادی را قبل از انقلاب سال ۵۷، که حدود ۴۷ درصد بوده و الان متوجه از ۹۰ درصد است یعنی صد در صد با سوادهای ما بیشتر شده اند ولی به هر حال همان ۱۵-۱۶ درصدی هم که بیسواده هستند اینها هم انسانهای برجسته ای بوده اند و از درون اینها می توانست انسانهای خیلی خیلی ممتازی در بیايد و هنوز هم متأسفانه شاید البته در صد کمی - از این بیسوادها کسانی باشند که در سنین اولیه آموزش باید باشند و یا مثلآ آیا این امکاناتی که امروز در اصفهان یا در تهران فراهم است، در فلان روستا هم فراهم است؟ نه نیست. این درد ماست و تا آنروز که ما این مشکلات را داریم، هیچ نباید خواب راحت و آرامش داشته باشیم و یک مسئول کشور فقط این نیست که یک نوع آرامشی در کشور باشد و چرخهای زندگی به هر قیمتی بچرخد بلکه باید احساس کند تا روزی که یک استعدادی که خداوند به او داده است، و حقوقی که خداوند مقرر کرده است، همه انسانها حق دارند از یک زندگی خوب و آبرومندانه ای برخوردار باشند، اینکه عده ای برخوردارند، عده ای برخوردار

نیستند، این نشانه ستمی است که بر انسانیت رفته است و ما که مسئول هستیم باید بکوشیم زمینه‌های این ستم را ازین‌بیریم. امروز آیا برای دخترخانمهای ما مثل آقاضرها می‌توان امکانات فراهم است؟ انصاف باید بدھیم که این کمتر هست و خوبشخانه دخترخانمهای هم نشان داده‌اند که با وجود کمبود امکاناتی که هست، باتلاش خودشان جبران می‌کنند و به اصطلاح زحمتی که می‌کشنند، که الحق هم، هر جایی که این امکانات مساوی بوده هیچ دستکمی از آقا پسرها نداشته‌اند بعضی وقتها هم جلوافتاده‌اند که حالا ما باید فکر بکنیم خیلی جلو نزوند. برای اینکه به هر حال جامعه متعادل پیش برود و امسال وقتی می‌شنویم که ۵۸ درصد قبول شدگان کنکور ما دخترخانمهای هستند، این روال اگر پیش برود آن وقت باید بگوییم که پسرها میان مظلوم می‌شوند گرچه هنوز فاصله میان تحصیل کردگان مرد ماء با تحصیل کردگان زن مازیاد هست و ما باید این را پر بکنیم.

به هر حال این استعداد فراوان است و المپیادها یک قله است، به اصطلاح جایی است که از آنجا چشم اندازی ایجاد می‌کند به کل جامعه و باید گذر و معبری باشد برای اینکه ما این زمینه را فراهم بیاوریم که استعدادها همه بتوانند به صورت شایسته‌ای رشد پیدا بکنند و «علم» را ماباید با آن توجه بکنیم. اهتمام به کسانی که در مسیر کسب علم هستند، عالم هستند، می‌خواهند عالم بشوند، این نیست که حالا به هر حال یک احترامی به یک فرد یا یک خانواده می‌گذاریم، یا عطش درونی یک فرد - که بالاخره نیازدار بداندو دلش می‌خواهد پیشرفت بکند - فرونشانده بشود، بلکه این یک ضرورت است برای جامعه ماء، امروز علم و دانش پایه قدرت و پایه اقتدار در دنیاست. شما شاید برایتان مشکل باشد که در دنیابی که این همه تکنولوژی هست، این همه ثروتها، این همه منابع، این همه معادن، این همه تولیدات وجود دارد وقتی می‌روید توی کشورهای بسیار پیشرفته، شاید مثلاً گاهی یک چهارم یعنی ۲۵ درصد درآمد ناخالص داخلی آنها، از ناحیه علم و تولید اطلاعات است. امروز ارزش افزوده‌ای که اطلاعات و آگاهی دارد با هیچ تولیدی و با هیچ کاری قابل مقایسه نیست و ما اگر به دانش آموزانمان، دانشجویانمان، دانش پژوهانمان احترام می‌گذاریم، برای این است که واقعاً هم در «اسلام»، هم منطق بشری ایجاب می‌کند که علم را توسعه بدهیم و پیش برویم و تبعاً وقتی شماها در این مسابقه به هر حال بروز پیدا می‌کنید - مغرور هم نشوید - شاید کسان دیگری هم باشند خیلی هم کسان دیگری

هستند که مثل شماها، مثل شما عزیزان صاحب استعدادهای فراوان هستند حالا یا در مسابقه با دو سه درصد اختلاف امتیاز از شما عقب مانده‌اند یا اصلاً این امکان را پیدا نکرده‌اند که در چنین مسابقه‌ای شرکت بکنند و شما باید شکر خدا بکنید که این امکان را پیدا کردید و آرزو و تلاش هم بکنید که همتایان شما در این عرصه باز بروز و ظهور داشته باشند - ولی به هر حال شما یک برجستگی دارید، نمود در جامعه دارید، لذا وظیفه تان سنگین می‌شود. یعنی بخواهیم و نخواهیم، شما «الگو» می‌شوید یعنی مورد توجه هستید. به همین دلیل هم، «ایمان شما»، «علم شما»، «اخلاق شما» و «رفتار شما» اثر می‌گذارد، فقط این نیست که شما فرمولها را بهتر بلدید، آگاهی‌ها و اطلاعات شما بیشتر است، این یک مزیت است، امامت‌وجه باشید که نگاه، به شماها هست و دیگر خیلی مالِ خودتان نیستید، یعنی باید احساس بکنید که بیشتر تعلق به جامعه دارید و مسئولیت بیشتری در مقابل جامعه دارید، و باید در خصلت‌های دیگر انسانی، که علم یکی از آنهاست، در آن قسمتها هم سرآمد بشوید؛ تا خدای ناخواسته عالمی که ممکن است صفت خوب دیگری هم نداشته باشد، اینجور تلقی بشود که در همه جهات باید الگو قرار بگیرد و مورد پیروی قرار بگیرد و ای چه بسا که، این الگو شدنها مشکلاتی هم برای جامعه ما ایجاد بکند. بنابراین وظیفه خیلی خیلی سنگینی هم شما دارید که در دین و علم و اخلاق و عمل و رفتار هم نخبگانی باشید که انشاء الله الگو باشید برای دیگران. از جمله کارهای خوبی که انجام گرفته است همین تشکیل «باشگاه» است ما این را به صورت یک حادثه گذرا نگاه نکنیم، احساس بکنیم که امروز جامعه ما جوان است. بخش عظیمی از جوانان ما، یعنی اکثریت قریب به اتفاقشان دانش آموزند، بخش قابل توجهی شان دانشجویند، روز به روز هم زیادتر می‌شوند. البته در بخش‌های دیگر کارگری و کار و تولید و اینها هم جوانان ما حضور دارند، همه‌شان عزیز و محترمند، و نیز بعد از فراغت تحصیل از دانشگاه هم تا چند سال، مثلاً به سن و سال ما که می‌رسید، هنوز جوانید یعنی جوانی خیلی طولانیست. تا ۵۰ - ۶۰ سالگی و اینها هم طول می‌کشد. لیک وقتی، به حضور تان عرض کنم که به ما می‌گفتند فلانی ۴۰ سالشه می‌گفتیم او هم چقدر عمر کرده است. حالا می‌گن فلانی پیره، می‌گیم چند سالشه؟ می‌گن ۷۰ سال؛ ما به خود می‌لرزیم، می‌بینیم نزدیک ۷۰ سالیم می‌گیم ۷۰ سال که پیر نیست. حالا شما جوانید، خیال می‌کنید که مها پیر شده‌ایم ما هنوز خودمان خیال می‌کنیم جوانیم. به هر حال بعد از دانشگاه هم،

هنوز جوانان توی جامعه ما فراوان هستند، جامعه ما جامعه جوانی است و تشکّلها و به اصطلاح تأسیسات مدنی که ما داریم، یکی از آنها تشکّلی است که براساس علم و دانش و پیشرفت و اینها دور همدیگر جمع بشوند، این باشگاه یک نهاد مدنی، به معنی خوب کلمه‌اش است و یک پاتوق و پایگاهی است که براساس علم و آگاهی و انتقال اطلاعات می‌توانند دور هم جمع بشوند و نقشی هم در سلامت و ارتقاء وجهه اجتماعی جامعه داشته باشد.

سپاسگزارم از مسئولان عزیز، که حالا چون به هر حال جنبه‌های مشترک علمی، فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر تودنیا بالاخره المپیاد دارد، برای «ادبیات فارسی» هم و فرهنگ و ادب فارسی هم فکر کردن که مسابقاتی گذاشته بشود چون رمزهاییست. به هر حال، ما با زبانمان به هم پیوسته‌ایم؛ با زبانمان به گذشته تعلق داریم، در درون زبانمان است که به اصطلاح خاطرۀ جمعی ما نهفته است و ما را به عنوان یک ملت در کنار هم دیگر قرار می‌دهد، البته تنها زبان نیست، «زبان» از مهمترین و از عوامل عمدۀ است و اهتمام به فرهنگ و ادب فارسی هم بسیار بسیار مهم است. اولاً سفارش بکنم شما در هر رشتۀ علمی، فنی که کار می‌کنید، حتماً یک وظیفه خودتان بدانید که آگاهی ادبی و علمی خود را بالا ببرید این لطفات می‌بخشد به علم شما، فیزیک شما وقتی با ادب و هنر و فرهنگ توأم شد، بسیار لطیفانه تر است، و نیز بدانید که در مقام کسب اطلاعات همه می‌توانند اطلاعات کسب بکنند و ذهنشان انبانی از اطلاعات بشود. اما آفرینندگی و خلاقیت که «هنر» است، علم نیست. و هر چه، جنبه هنری شخصیت‌تان را، جنبه فرهنگی شخصیت‌تان را، جنبه ادبی شخصیت‌تان را بالاتر ببرید، مطمئن باشید که در رشتۀ‌های علمی هم «خلاقیت» بیشتری خواهید داشت به علاوه اینکه آن به اصطلاح، رشتۀ‌ای که شما را، جان شما را پیوندمی‌دهد به جامعه تان، همین فرهنگ و ادب است و کسانی هم که به طور خاص در رشتۀ‌های ادبیات و اینها کار می‌کنند برگزاری مسابقات برای آنها در خور توجه و اهتمام است. و امیدواریم ما یک روزی - یک روزی می‌دانیم زبان فارسی، بر بخش عظیمی از دنیا حکومت می‌کرده است، الان هم حالا بعضی کشورها زبان فارسی، زبان رسمی شان هست، ولی مثلاً شما نمی‌دانم می‌دانید یا نه؟ قبل از این که ترکان بیانند به آسیای صغیر - که امروز ترکیه نام دارد، زبان رسمی و فاخر آنجا، زبان فارسی بوده است یا لااقل زبان فارسی از رایج‌ترین زبانهای آنچه بوده است و شما می‌دانید که ملای روم مولانا جلال الدین بلخی، مولوی، که از بلخ

این طرف، شرق ایران است، رفته است و در «قونیه» و مدفون است، مدتها در ترکیه بوده و زبان فارسی در آنجاها رواج فراوان داشته است. یا در شبه قاره هند، در دوران گورکانیان و حتی قطب شاهیان، زبان رسمی شبه قاره، زبان فارسی بوده است. و بعد از این که استعمار انگلیس آمد زبان رفت. در بخش وسیعی از دنیا، این زبان و ادب هست، دارد زنده می‌شود و شاید در روزگاری نه چندان دور، بتوانیم المپیاد زبان و ادب فارسی را در سطح بین‌المللی داشته باشیم. این باشگاه (دانش پژوهان جوان) باشگاه تازه تأسیسی است که قطعاً امکانات کمی دارد و باید تقویت بشود و من تقاضا می‌کنم یک گزارشی از وضع باشگاه و نیازهای آن و مسائلی که هست به من منتقل بکنند و من علاقه‌مندم، در حدی که می‌توانم، برای تقویت بنیه این پایگاه و جایگاه مهم و ارزنده، اگر می‌توانم کمکی بکنم، کمکی بکنم.

و همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم، برایتان آرزوی موفقیت می‌کنم و از او می‌خواهم که روز به روز موقیت‌های بیشتری را نصیب شما عزیزان و امیدهای ارزنده این کشور، بفرماید و شما هم با همت خودتان از این موقعیت استفاده بکنید که از این استعداد خداوند، بهتر و بیشتر استفاده بکنید، خدا یار و نگهدار شما باد.



نحوه مقابله با تندیگی در بین دانشآموزان تیزهوش و عادی*

چکیده:

این پژوهش به بررسی و مقایسه نحوه مقابله با «تندیگی»، در بین ۱۱۶ دانشآموزان تیزهوش و عادی دختر و پسر مدارس شهرستان کرج که در پایه سوم دبیرستان تحصیل می‌نمودند و دامنه سنی آنها بین ۱۶-۱۸ سال است، پرداخته است. در این تحقیق از «پرسشنامه مقابله نوجوانان» که توسط «فریدنبرگ» و «لویس» تدوین گردیده است و مجموعاً ۱۷ راهبرد مقابله را مورد سنجش قرار می‌دهد، استفاده شده است. همچنین «هوش» به عنوان متغیر مستقل، نحوه مقابله با تندیگی، متغیر وابسته، «جنسیت» متغیر تعدیل‌گر و «پایه تحصیلی» به عنوان متغیر کنترل درنظر گرفته شده است. به منظور سنجش قابلیت اعتماد مقیاس مورد استفاده، از روش آزمون مجدد و همچنین روش دونیمه کردن تست و آلفای کرونباخ استفاده گردیده که نتایج حاصله در تمام موارد نشان‌دهنده قابلیت اعتماد قابل ملاحظه و مطلوب آزمون می‌باشد. در راستای بررسی میزان ارتباط متغیرهای تحقیق از آزمون آماری تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اثر «هوش» به عنوان یک متغیر در نحوه مقابله با «تندیگی» معنی دار است و آزمودنی‌ها در بکارگیری راهبردهای مقابله‌ای نظری «نگرانی»، «فعالیت اجتماعی»، «جستجوی حمایت معنوی»، «جستجوی کمکهای تخصصی»، «تمرکز بر جنبه‌های مثبت» و راهبرد «عدم مقابله»، تفاوت معنی داری را نشان دادند. به عبارت دیگر دانشآموزان تیزهوش در کلیه موارد فوق میزان استفاده بیشتری را گزارش نمودند. همچنین نتایج حاصله، حاکی از این است که اثر «جنسیت» در انتخاب و به کارگیری راهبرد مقابله، معنی دار نبوده و تفاوت زیادی در این زمینه بین دختران و پسران به چشم نمی‌خورد.

کلید واژه‌ها: تندیگی، سن، هوش، تیزهوش، جنسیت، دبیرستان، کرج.

* این مقاله بر اساس رساله کارشناسی ارشد اعظم قهقایی که زیر عنوان: «بررسی نحوه مقابله با فشار روانی در بین دانشآموزان تیزهوش و عادی دبیرستانهای شهرستان کرج» با راهنمایی دکتر محسن شکوهی بکتا در تاریخ ۱۴۷۸/۱۲/۱۱ در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران دفاع گردیده، شکل گرفته است.

مقدمه

صرف نظر از اینکه در کنار آمدن با مشکلات تا چه اندازه توانا باشیم باز هم در زندگی موقوعی پیش می‌آید که ناچار احساس «تبیکی»^۱ می‌کنیم. انگیزه‌های ما همواره به آسانی ارضا نمی‌شوند، باید موانعی را از سر راه برداشت. دست به انتخاب زد و در برابر دیریابی‌ها، صبر و شکیابی نشان داد. براثر برخورد آدمیان با موانعی که راه بر کامیابی‌های آنان می‌بندند، در هر یک از آنان شیوه‌های پاسخدهی ویژه‌ای رشد می‌کند. شیوه پاسخدهی هر فرد به موقعیت‌های ناکام‌کننده، تا حدودی نشان می‌دهد که سازگاری وی با زندگی بسنده است یا خیر؟

در هر انسانی در طول زندگی روش‌های گوناگونی برای کنار آمدن با موقعیت‌های «تبیکی‌زا»^۲ تکوین می‌یابد. برای مقابله با «تبیکی» دو خط مشی اصلی وجود دارد. در یکی از آنها خود مشکل و مسأله در مدار توجه قرار می‌گیرد، شخص موقعیت «تبیکی‌زا» را ارزیابی می‌کند و سپس دست به کار می‌زند تا آن موقعیت را تغییر دهد و یا از آن دوری نماید.

در خط مشی دیگر «هیجان» در مدار توجه قرار می‌گیرد و فرد به جای درگیری مستقیم با مسأله می‌کوشد از راه‌های گوناگون احساس اضطراب و نگرانی خود را بکاهد. هر فردی برای رویارویی با موقعیت‌های «تبیکی‌زا» راه و روشی خاص خود دارد، که در هر حال آمیزه‌ای است از دو خط مشی «هیجان‌مدار»^۳ و «مسأله مدار»^۴. در غالب موارد خط مشی «مسأله مدار» گراش سالمتری است (اتکینسن^۵ و همکاران^۶). (۱۳۷۱)

بسیاری از مردم با توجه به جنبه‌های شخصیتی نسبت به فشارهای روانی کاملاً مستعد و ضعیف هستند. بدین معنی که اگر با عوامل تنفس زا مواجه شوند، قادر نیستند با آنها مقابله نموده و از عهده حل مشکل برآیند. در به وجود آمدن این تفاوت‌ها عوامل بسیاری دخالت دارند که از میان آنها می‌توان به شخصیت، انگیزه، توانمند بودن..... اشاره نمود (کوپر^۷، ۱۳۷۳). در پژوهش حاضر جایگاه «هوش»^۸ و «جنسیت»^۹ به عنوان دو ویژگی خاص، در پذید آمدن تفاوت نحوه مقابله با فشار روانی در افراد تیز هوش و عادی مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع انسانی میهن ما به هیچوجه محدودتر از منابع غنی طبیعی آن نیست، در عین حال همانطور که منابع طبیعی اندازه معینی دارد و باید به خوبی و با برنامه ریزی‌های دقیق علمی مورد بهره‌برداری قرار گیرند، منابع انسانی نیز، نامحدود نیست و در بهره‌گیری از آنها باید کمال مراقبت به عمل آید. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که برای رسیدن به استقلال و پیشرفت همه

جانبه در زمینه‌های فردی و اجتماعی، اقتصادی و صنعتی، علمی و فرهنگی به شخصیت‌هایی رشد یافته و به دلایی بیدار و مغزهایی اندیشمند و دست‌های ماهر و توانا نیازمند است. چنین شخصیت‌ها و مغزها و دل‌ها و دست‌ها باید تربیت شوند. برای چنین منظوری، ضرورت دارد که متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان و سایر دست‌اندرکاران آموزش و پرورش آنچه در توان دارند به کارگیرند و لزوم تعلیم و تربیت منابع انسانی کشورمان و به ویژه کودکان تیزهوش و با استعداد را تبیین کنند و اشاعه دهنند. یکی از مواردی که در تعیین سلامت یا بیماری انسان مهمترین نقش و جایگاه را به الگوی رفتاری شخص نسبت می‌دهد. «تبیکی» است. ویژگی خاص زندگی پیچیده امروز در جوامع صنعتی، وجود یا فقدان بعضی ارتباطات شخصی در محیط‌های شغلی، تحصیلی، گسترش ارتباطات اجتماعی، تعامل با طیف وسیعی از خویشان، دوستان و همکاران و نقش‌های متعدد و چندگانه اجتماعی زنان و مردان، ترس از آینده و سایر مشکلات همه و همه ما را به نوعی تحت سیطره خود قرار می‌دهد و سطحی از «تبیکی» را بر ما تحمیل می‌نمایند. اما آنچه که در این بین می‌تواند مایه خوش‌بینی و امیدواری باشد شناسایی عامل مهم شیوه‌های مقابله با تبیکی‌ها است که به عنوان یک متغیر میانجی می‌تواند پیامدهای آن را تحت تأثیر قرار داده و مهار کند و یا دامن بزند.

«فولکمن» و «لازاروس» (۱۹۸۰) همینطور «کامپاز» و دیگران (۱۹۹۱)، «فوریست» و دیگران (۱۹۸۷)، معتقدند که سطحی از تبیکی که هر شخص تجربه می‌کند به مقدار زیاد بستگی به توانایی مقابله شخص و نحوه ادراک و قضاوت وی نسبت به این عوامل دارد. «کوباسا» (۱۹۸۲)، معتقد است که رویدادهای تبیکی‌زا در ظهور بیماری‌های جسمی و ذهنی مؤثر هستند. فردی که در یک جامعه مدرن زندگی می‌کند با پرهیز از بسیاری از تغییرات زندگی که تبیکی‌زا هستند ممکن است فرصت داشتن یک زندگی بارورتر را از دست بدهد. بنابراین توصیه صرف به اجتناب از «تبیکی» در بسیاری از موقعیت‌ها ممکن است به رکود زندگی فرد منجر شود. افرادی وجوددارند که در عین حال که در شرایط تبیکی قراردارند، بیمار نمی‌شوند؟ حال سوال اینجاست که چه متغیرهایی در این ارتباط نقش تعديل‌کننده دارند؟ آیا از افرادی که در شرایط پرتبیکی، سالم می‌مانند ساختارزنتیکی و جسمانی قوی تری دارند؟ آیا از حمایت‌های اجتماعی بیشتری بهره‌مند هستند؟ آیا شخصیت متمایزی دارند که درک، تفسیر و مقابله آنها را با تبیکی تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ تحقیقات نشان داده است که ویژگی‌های فردی و

بینش شخصی در مقابله با تنفس و فشار روانی حائز اهمیت به شمار می‌رود. متغیرهای مربوط به این قبیل ویژگی‌ها عبارتند از، «سن»، «جنسیت»، «عوامل ژنتیکی»، «هوش»، «زمینه خانوادگی» و دیگر مهارت‌های حل مسئله (کامینگر، ۱۹۸۸؛ فریدنبرگ و لویس، ۱۹۹۱؛ فویراشتاين ۱۹۸۷). از آنجاکه تحقیقات مختلف نشان داده است که تیز هوشان در مقایسه با افراد عادی به طور معنی‌داری در مؤلفه‌های متفاوت از قبیل «ارزیابی شناختی»، «کنجدکاوی»، «حس مبارزه‌جویی»، «حرمت خود»، «مسئولیت‌پذیری»، «واقع‌نگری»، «خلافیت»، «تفکر انتزاعی»، «توانایی حل مسئله» و... در سطح بالاتری قرار دارند (بروان، ۱۹۹۳؛ گالاگر، ۱۳۶۹؛ هالاهان و کافمن، ۱۳۷۱، نمکی ۱۳۷۵). حال باید دید که آیا تأثیر عامل هوش بر نحوه مقابله با تنبیکی نیز مؤثر است و از این جهت تفاوتی بین دو گروه تیز هوش و افراد عادی وجود دارد یا خیر؟

هدف‌های پژوهش، سوالات، متغیرها

شناخت تفاوت‌های فردی و بررسی روشنی که افراد در موقعیت‌های گوناگون به پدیده‌های محیطی پاسخ می‌دهند در اتخاذ هر نوع تصمیم ضروری است. برای مشاوران، مدیران و معلمان مدرسه لازم است تأثیر تفاوت‌های فردی بین دانش‌آموزان را در نظر بگیرند و به نیازهای شخصی و تحصیلی آنان توجه کنند. بررسی دانش‌آموزان به لحاظ اهمیت آن از نظر بنیادی و کاربردی مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان، مشاوران و علمای تعلیم و تربیت و متخصصان بهداشت روانی و سایر افرادی که به نحوی با دانش‌آموزان سر و کار دارند قرار گرفته است. کوشش در دستیابی به یافته‌هایی در این راه می‌تواند راهبردهای مهمی برای مراکز آموزشی، پژوهشی، بهداشتی و درمانی به همراه داشته باشد و اطلاعات مهمی در اختیار همه کسانی که به نوعی با آموزش و پرورش ارتباط دارند، قرار دهد. از طرف دیگر می‌توان در زمینه بهداشت روانی جامعه اطلاعات ذی قیمتی فراهم آورد، با توجه به اینکه جمعیت کشور ما یکی از جوانترین کشورهای جهان محسوب می‌شود و در صدد قابل توجهی از افراد را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، اولاً لزوم توجه به این قشر را دو چندان می‌کند، ثانیاً می‌توان براساس یافته‌ها، پیشنهادهای عملی در ارتباط با این گروه ارائه داد تا شرایطی ایجاد شود که امکان تجرب موفقیت‌آمیز برای افراد تیز هوش و عادی فراهم گردد.

○ پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:

- آیا بین نحوه «مقابله»^{۱۱} با تنبیکی دانش‌آموزان تیز هوش و عادی تفاوت وجود دارد؟

- آیا بین نحوه مقابله با تنبیکی دانشآموزان «دختر» و «پسر» تفاوت وجود دارد؟
متغیر مستقل: در این تحقیق «هوش» به عنوان متغیر مستقل درنظر گرفته شده است.
متغیر تعدیل‌گر: عامل «جنسیت» (دختروپسر) نقش متغیر تعدیل‌گر را در پژوهش به عهده دارد.
متغیر وابسته: نحوه مقابله با تنبیکی بیانگر متغیر وابسته تحقیق می‌باشد.
متغیر کنترل: مقطع تحصیلی (سوم دبیرستان) به عنوان متغیر کنترل مورد توجه قرار گرفته است.
«وکسلر»^{۱۲} (۱۹۸۵)، به نقل از اتکینسون و همکاران، (۱۳۷۱)، معتقد است که «هوش» عبارت است از مجموعه یا کل قابلیت یک فرد برای فعالیت هدفمند، تفکر منطقی و برخوردار آمد با محیط.

«گالاگر» (۱۳۶۹)، معتقد است که «کودکان تیزهوش» و با استعداد کسانی هستند که به دلیل توانائی‌های برجسته خوبیش در مقایسه با کودکان عادی قادر به انجام امور پیچیده‌تر و مهمتری هستند و برای تحقق این توانائی‌ها به آموزش و پرورش متفاوت و عالیتری نیاز دارند.
«براؤن» (۱۹۹۳)، معتقد است «تیزهوشی»^{۱۳} به جنبه‌های مختلف دلالت دارد. کودکان تیزهوش دارای ویژگی‌هایی از جمله «سن عقلی» بالاتر نسبت به «سن تقویمی»، دارابودن توانائی‌ها و استعدادهای ویژه، پیشرفت‌های علمی، یادگیری آسان می‌باشند. ادراک آنان عمیق و کلی است. دارای شخصیتی معنوی، پر جنب و جوش، عاطفی و توأم با ظرفیت‌های شناختی خاص می‌باشد. در پژوهش فوق منظور از «تیزهوشان» دانشآموزانی هستند که در مدارس تیزهوشان وابسته به سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد) تحصیل می‌نمایند.

○ ○ ○

از «تبیکی» و شیوه‌های مقابله با آن تعاریف گوناگونی شده است. بعضی «تبیکی» را به عنوان محرک درنظر گرفته‌اند که منجر به احساسات مربوط به تنفس می‌شود. عده‌ای آن را به عنوان پاسخ بدنی یا روان‌شناختی در برابر منابع فشار می‌دانند و گروهی نیز آن را یک فرآیند تعاملی بین فرد و محیط تلقی می‌کنند.

«سلیه» (۱۹۹۳)، «تبیکی» را اکنش نامشخص بدن نسبت به انتظارات و خواسته‌ایی که از یک شخص صادر می‌گردد تعریف نموده است. به عبارت دیگر «تبیکی» مجموعه تغییرات انطباقی است، که بدن برای کمک به فرد جهت تطبیق خود با انواع موقعیت‌های اجتماعی و محیطی ارائه می‌دهد. افراد در برخورد با منابع «تبیکی‌زا» از مهارت‌های مقابله‌ای استفاده

می‌کنند و اصولاً مهارت‌های مقابله‌ای طرف منحصر به فرد برخورد با موقعیت‌ها است و فنونی است که برای هر اقدامی در دسترس فرد قرار دارد.

در پژوهش حاضر منظور از «شیوه‌های مقابله» عبارت است از هفده شیوه رویارویی با نگرانی‌ها و دلمشغولیهای نوجوانان است. «شیوه‌های مقابله» روش‌های اختصاصی افراد در مواجهه با موقعیت‌ها هستند. مقابله‌کنندگان موفق، افرون بر آنکه می‌دانند که چگونه باید کارهای معمول را انجام دهنند، روش نزدیک شدن به موقعیت‌های خاص و جدید که پاسخ آمده‌ای جهت مواجهه با آن، در اختیار ندارند را نیز تشخیص می‌دهند. رفتار ایشان در واقع به گونه‌ای است که از عهده مبارزه‌طلبی و هماورددجویی‌های محیط بر می‌آیند. شیوه‌های غیرمؤثر مقابله نیز به اشکال مختلفی بروز پیدا می‌کند. «واتز» و «کوپر» (۱۹۹۲)، انواع مختلف مقابله سازش نایافته را به این نحو طبقه‌بندی کرده‌اند:

- «انکار»^{۱۴}: شامل «گریز»^{۱۵} (از واقعیت)، «خيالبافی»^{۱۶} (فرار ذهنی) و «اجتناب»^{۱۷}.
- «راهکارهای انحرافی»: شامل «هراسها»، «خودبیمارپنداری»^{۱۸}، «فرافکنی»^{۱۹}، «جابجایی»^{۲۰} و «دلیل تراشی»^{۲۱}.

- «چرخه معیوب»^{۲۲}: شامل «رقابت جوئی»، «كمال طلبی» و «رفتار وسوسی» - «بی اختیاری».
- «بن‌بست افکار»^{۲۳}: شامل «حسرت خوردن»، «واپس روی»، «احساس قربانی شدن»، «سرکوبی»، «رفتار خودتخرب گرانه»، «اعتماد به کار»، استعمال سیگار، مصرف الکل، اختلال‌های خوردن، وابستگی به داروها.

باتوجه به نقش مهم مهارت‌های مقابله با تنبیکی در سلامت بشر و کنش آن به عنوان شرط کافی در تأمین بهداشت روانی، محققان مختلف بر لزوم گسترش مطالعات مربوط به مقابله، تأکید ورزیده‌اند.

در سالهای اخیر تلاش‌هایی برای ساخت ابزارهای دقیق جهت سنجش رفتارهای مقابله‌ای نوجوانان صورت گرفته است. (کامپاز، مالکارن، فانداکارو، ۱۹۸۸؛ اسپریتو، استارک^{۲۵}، ویلیامز^{۲۶}، ۱۹۸۹، به نقل از فریدنبرگ و لویس، ۱۹۹۳).

جامعه آماری، نمونه‌گیری، ابزار تحقیق

در این تحقیق جامعه مورد مطالعه عبارتست از کلیه دانش‌آموزان عادی و تیزهوش که در

مدارس وابسته به آموزش و پرورش و سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد) در شهرستان کرج در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸ مشغول به تحصیل بوده‌اند. پژوهشگر به منظور انجام تحقیق با روش نمونه‌گیری خوش‌ای تصادفی نمونه‌ای با حجم ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان، مدارس عادی و تیزهوشان شهرستان کرج را به همکاری دعوت نمود. نمونه مورد پژوهش به تفکیک عبارت از ۶۰ دانش‌آموز تیزهوش ۳۰ دختر (فرزانگان) و ۳۰ پسر (شهید سلطانی) و ۶۰ دانش‌آموز عادی ۳۰ دختر (شهید پناهی) و ۳۰ پسر (نیکان) با دامنه سنی ۱۶-۱۸ سال می‌باشد.

در این تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات، «مقیاس نحوه مقابله نوجوانان»^{۲۷} که توسط «فریدنبرگ» و «لویس» در سال ۱۹۹۳ تهیه و تدوین گردیده است، می‌باشد.

این ابزار در راستای کارهای بالینی و همچنین طرح‌های پژوهشی کاربرد دارد و در واقع رفتارهای مقابله‌ای نوجوانان را مورد شناسایی قرار می‌دهد. مقیاس مذکور جهت سنجش روش‌های مقابله‌ای نوجوانان ۱۲-۱۸ سال تهیه گردیده. اگر چه تجربه نشان داده است که برای افراد سینین بالاتر نیز قابل استفاده می‌باشد این مقیاس یک پرسشنامه خودسنجی است و فرم اصلی آن متشکل از هشتاد عبارت می‌باشد که هفتاد و نه عبارت «بسته - پاسخ» پنج گزینه‌ای داشته و در واقع هر گزینه نشان دهنده میزان استفاده و بسامد رفتار موردنظر می‌باشد و با عبارات «هیچگاه استفاده نمی‌کنم»، «بسیار کم استفاده می‌کنم»، «بعضی اوقات استفاده می‌کنم»، «اغلب اوقات استفاده می‌کنم» و «بسیار زیاد استفاده می‌کنم» مشخص گردیده‌اند، و نمره گذاری گزینه‌ها نیز به ترتیب و براساس انتخاب، بین نمره یک تا پنج متغیر است. یک پرسش «باز - پاسخ» نیز در پرسشنامه لحاظ گردیده است که آزمودنی بنا به میل خود می‌تواند به آن پاسخ گوید و اگر راهبرد خاصی جهت مقابله با مشکلات خود استفاده می‌کند و آن روش در پرسشنامه قید نشده، می‌تواند آن را به طور مختصر توضیح دهد.

لازم به ذکر است که مقیاس مذکور دارای دو فرم بلند و کوتاه می‌باشد و هر یک از این فرم‌ها به دو نوع «فرم خاص»^{۲۸} و «فرم عمومی»^{۲۹} تقسیم می‌شوند. تفاوت فرم بلند و فرم کوتاه مقیاس، در تعداد عبارات تشکیل دهنده آن است. فرم کوتاه شامل هجدۀ عبارت پنج گزینه‌ای است که هر عبارت معرف یکی از راهبردهای هجدۀ گانه مقیاس می‌باشد.

ولی فرم بلند مشتمل بر هفتادونه عبارت «بسته - پاسخ» و یک عبارت «باز - پاسخ» می‌باشد.

وجه تمایز فرم عمومی در نحوه اجرای دستورالعمل آن می‌باشد. در فرم خاص آزمودنی مشکل مشخص و ویژه‌ای که در حال حاضر موجب نگرانی و دلمشغولی وی گردیده است را در جای خالی که ابتدای پرسشنامه در نظر گرفته شده، می‌نویسد و با در نظر گرفتن آن نگرانی خاص، عبارات پرسشنامه را مطالعه نموده، نحوه برخورد خود را با آن تعیین می‌نماید. ولی در فرم عمومی مشکل خاصی درنظر گرفته نمی‌شود و «نحوه مقابله» به طور کلی در برخورد با هر نوع نگرانی مدنظر بوده و ضرورتی ندارد آزمودنی با توجه به مسئله‌ای خاص که موجب نگرانی گردیده، عبارات را پاسخ گوید.

در پژوهش حاضر از فرم خاص و بلند این مقیاس بهره گرفته شده است. مقیاس مذکور پس از ترجمه از مجموع هفتاد و نه عبارت پرسشنامه دو عبارت به علت مغایرت با فرهنگ جامعه و مدارس ایران حذف گردید و چون هر دو عبارت حذف شده مربوط به یک راهبرد مقابله‌ای به نام «کاهش تنش»^{۳۰} بود و در واقع از مجموع پنج عبارت متعلق به این راهبرد دو مورد آن حذف گردیده بود، لذا به منظور جلوگیری از راهیابی هرگونه خطأ در امر تحقیق، پس از اجرا و به هنگام تجزیه و تحلیل‌های آماری کل عبارات مربوط به این راهبرد مقابله‌ای از مجموع راهبردهای مطرح شده، حذف گردید و پرسشنامه از هجدۀ مقیاس روش‌های مقابله به هفده مقیاس تقلیل یافت که عبارتند از: «جستجوی حمایت اجتماعی»، «تمرکز بر حل مسئله»^{۳۱}، «تلاش کردن و موفق شدن»^{۳۲}، «نگرانی»^{۳۳}، «سرمایه گذاری بر روی دوستان نزدیک و صمیمی»^{۳۴}، «احساس تعلق یا پذیرش»^{۳۵}، «تفکر آرزومندانه»^{۳۶}، «تسلیم یا عدم مقابله»^{۳۷}، «فعالیت اجتماعی»^{۳۸}، «نادیده گرفتن مسئله»^{۳۹}، «سرزنش خود»^{۴۰}، «خوددار بودن»^{۴۱}، «جستجوی حمایت معنوی»^{۴۲}، «تمرکز بر جنبه‌های مثبت»^{۴۳}، «جستجوی کمک‌های تخصصی»^{۴۴}، «جستجوی راههای تخلیه هیجانی»^{۴۵}، «تفریحات فیزیکی»^{۴۶}.

در تحقیق حاضر برای تعیین ضریب اعتماد ابزار از روش اجرای آزمون مجدد استفاده گردید. بدین ترتیب به یک نمونه سی نفری از دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان که به طور تصادفی انتخاب شدند، پرسشنامه مورد نظر جهت پاسخگویی ارائه گردید و به فاصله چهارده روز مجدد آزمون اجرا شد. ضریب همبستگی بین دوبار اجرای آزمون برای هفده مقیاس مقابله محاسبه گردید. بالاترین میزان همبستگی با ضریب ۸۵٪ برای مقیاس «جستجوی حمایت اجتماعی» و باعین ترین همبستگی با ضریب ۵۰٪ برای مقیاس «جستجوی راههای کاهش هیجان» به دست آمد.

مقایسه میانگین‌های گروه تیزهوش و عادی

به منظور بررسی و مقایسه نحوه مقابله با «تنیدگی» دانش آموزان عادی و تیزهوش دختر و پسر در محدوده سنی ۱۶-۱۸ سال، پایه سوم دبیرستان، در پی انتخاب نمونه و انجام آزمون و جمع آوری اطلاعات، یافته‌ها با استفاده از روش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات دانش آموزان تیزهوش و عادی دختر و پسر

مقياس	متغیرها	گروهها			
		عادی	تیزهوشان	پسران	دختران
		پسران	دختران	پسران	دختران
۱	جستجوی حمایت اجتماعی	۱۶/۳۸ (۴/۷۵)	۱۴/۰۳ (۴/۳۹)	۱۳/۷۲ (۴/۷۵)	۱۴/۸۶ (۴/۴۴)
۲	تمرکز بر حل مسأله	۲۰/۵۲ (۷/۹۶)	۱۹/۱۷ (۲/۷۱)	۱۸/۴۵ (۲/۴۶)	۱۹/۵۲ (۳)
۳	تلاش کردن و موفق شدن	۱۸/۴۸ (۷/۹۱)	۱۹/۳۴ (۲/۷۲)	۱۸/۴۱ (۲/۶۶)	۱۸/۹۷ (۲/۵۰)
۴	نگرانی	۱۹/۱۰ (۴/۴۴)	۲۱/۲۴ (۳/۳۴)	۱۸/۵۹ (۳/۹۸)	۱۷/۷۲ (۳/۹۸)
۵	برقراری روابط صمیمانه	۱۶/۲۱ (۳/۱۵)	۱۴/۶۹ (۳/۹)	۱۴/۶۹ (۳/۰۸)	۱۵/۹۰ (۴/۶۶)
۶	احساس تعلق یا پذیرش	۱۶/۱۴ (۳/۱۰)	۱۶/۸۶ (۳/۲۰)	۱۶/۳۴ (۲/۸۹)	۱۵/۷۶ (۳/۴۱)
۷	تفکر آرزومندانه	۱۶/۰۳ (۴/۰۲)	۱۷/۲۸ (۳/۷۳)	۱۶/۵۵ (۳/۸۷)	۱۵/۹۰ (۳/۷۳)
۸	عدم مقابله	۱۱/۶۵ (۳/۲۹)	۱۲/۱۷ (۳/۲۹)	۱۰/۵۵ (۲/۲۸)	۱۰/۴۵ (۲/۸۹)
۹	فعالیت اجتماعی	۱۱/۳۱ (۹/۳۱)	۹/۰۳ (۳/۲۱)	۹/۳۱ (۲/۵۱)	۸/۵۲ (۲/۴۳)
۱۰	نادیده گرفتن	۹/۶۵ (۲/۹۸)	۹/۷۹ (۳/۰۶)	۱۰/۰۷ (۲/۶۰)	۹/۰۳ (۳/۰۴)
۱۱	سرزنش خود	۱۱/۴۴ (۲/۶۹)	۱۱/۹۷ (۳/۳۱)	۱۱/۵۲ (۲/۸۱)	۱۱/۳۸ (۳/۶۵)
۱۲	خوددار بودن	۱۱/۹۳ (۳/۴۲)	۱۲/۹۳ (۳/۲۹)	۱۲/۲۸ (۲/۲۲)	۱۱/۵۹ (۳/۴۴)
۱۳	جستجوی حمایت معنوی	۱۶/۹۳ (۲/۳۰)	۱۵/۶۲ (۳/۴۸)	۱۴/۴۸ (۳/۶۰)	۱۴/۷۶ (۴/۱۶)
۱۴	تمرکز بر جنبه‌های مثبت	۱۲/۳۸ (۳/۱۴)	۱۲/۵۲ (۳/۲۴)	۱۱/۳۸ (۲/۰۶)	۱۰/۸۳ (۳/۰۵)
۱۵	جستجوی کمکهای تخصصی	۱۱/۴۵ (۳/۹۶)	۹/۲۸ (۳/۹۹)	۸/۰۵ (۲/۹۷)	۸/۶۲ (۳/۷۸)
۱۶	جستجوی راههای کاهش هیجان	۱۰/۴۵ (۲/۱۶)	۹/۰ (۲/۶۵)	۹/۹۰ (۲/۶۵)	۱۰/۳۱ (۱/۸۳)
۱۷	تغیرات فیزیکی	۹/۶۶ (۳/۷۱)	۷/۸۶ (۱/۹۲)	۸/۸۶ (۲/۵۰)	۸/۰۳ (۲/۰۴)

اطلاعات مندرج در جدول ۱ نشان‌دهنده میانگین و اعداد داخل پرانتز، انحراف معیار پاسخ‌های دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دختر و پسر به هفده راهبرد مقابله با تنبیکی می‌باشد. همانطور که در جدول ۱ مشخص شده است. در گروه دختران عادی از مجموع راهبردهای هفده گانه «مقیاس مقابله نوجوانان» راهبرد «نگرانی» (میانگین ۲۱/۲۴) بیشترین و راهبرد مقابله‌ای «تفریحات فیزیکی» (میانگین ۷/۸) کمترین ارزش میانگین را به خود اختصاص داده است و برای گروه «دختران تیزهوش» راهبرد «تمرکز بر حل مسأله» (میانگین ۱۹/۵۲) در مقایسه با سایر راهبردهای مقابله‌ای دارای بالاترین ارزش میانگین و راهبرد «تفریحات فیزیکی» (میانگین ۳/۰۸) دارای پایین‌ترین ارزش می‌باشد. مقایسه میانگین‌های دو گروه «دختران تیزهوش» و «دختران عادی» نشان می‌دهد که به جز مواردی چون «تمرکز بر حل مسأله»، «برقراری روابط صمیمانه»، «جستجوی حمایت‌های اجتماعی»، «جستجوی راههای کاهش هیجان» و «تفریحات فیزیکی»، در سایر موارد میانگین نمرات گروه دختران عادی نسبت به گروه دختران تیزهوش در سطح بالاتری قرار دارد. با توجه به جدول ۱ که میانگین استفاده از راهبردهای مقابله‌ای برای پسران عادی و تیزهوش را نیز نشان می‌دهد، می‌توان چنین گفت که در «پسران عادی»، راهبرد «تمرکز بر حل مسأله» (میانگین ۲۰/۵۲) دارای بیشترین استفاده و راهبرد «تفریحات فیزیکی» (میانگین ۹/۶۶) دارای کمترین استفاده می‌باشد و همچنین در گروه «پسران تیزهوش»، از مجموع راهبردهای هفده گانه «مقابله با فشار روانی»، راهبرد «نگرانی» (میانگین ۱۸/۵۹) و راهبرد «جستجوی کمک‌های تخصصی» (میانگین ۸/۵۵) به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان استفاده می‌باشد. مقایسه میانگین‌های دو گروه پسران «عادی» و «تیزهوش» میین این است که به استثناء مواردی چون «احساس تعقیل»، «تفکر آرزومندانه»، «نادیده گرفتن مسأله»، «سرزنیش خود و خوددار بودن»، در سایر موارد میانگین پاسخ‌های گروه پسران عادی بیش از پسران تیزهوش می‌باشد جدول ۲ نیز نشان‌دهنده میانگین نمرات دختران و پسران و همچنین میانگین نمرات گروه عادی و تیزهوش به طور کلی می‌باشد.

در تحقیق حاضر با توجه به سطوح متغیرها و تعداد گروههای از طرح آماری «مانوا» استفاده شده است قبل از اجرای طرح آماری مفروضه همگونی ماتریس‌های واریانس، کواریانس درون خانه‌های مورد مطالعه قرار گرفت. برای انجام این منظور از «آزمون ام - باکس» استفاده گردید. با توجه به اینکه «ام - باکس» معنی دار نبود ($p < 0.05$) نتیجه گرفته شد که فرض همگنی

واریانس‌ها برقرار بوده و استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری بلامانع است.

جدول ۲- میانگین‌های کل دانش آموزان «دختر»، «پسر»، «تیزهوش» و «عادی»

مقیاس	متغیرها	گروهها	میانگین کل دختران	میانگین کل پسران	میانگین کل تیزهوش	میانگین کل عادی
۱	جستجوی حمایت اجتماعی		۱۴/۴۴	۱۵/۰۵	۱۴/۲۹	۱۵/۲۱
۲	تمرکز بر حل مسئله		۱۹/۳۴	۱۹/۴۸	۱۸/۹۹	۱۹/۸۶
۳	تلاش کردن و موفق شدن		۲۸/۶۴	۱۸/۴۴	۱۸/۹۶	۱۸/۹۱
۴	نگرانی		۱۹/۶۸	۱۸/۸۴	۱۸/۱۶	۲۰/۱۷
۵	برقراری روابط صمیمانه		۱۵/۲۹	۱۵/۴۵	۱۵/۲۹	۱۵/۴۵
۶	احساس تعلق یا پذیرش		۱۶/۳۱	۱۶/۲۴	۱۶/۰۱	۱۶/۵
۷	تفکر آرزومندانه		۱۶/۵۹	۱۶/۲۹	۱۶/۲۳	۱۶/۶۶
۸	عدم مقابله		۱۱/۳۱	۱۱/۱	۱۰/۵	۱۱/۹۱
۹	فعالیت اجتماعی		۸/۷۷	۱۰/۳۱	۸/۹۲	۱۰/۱۷
۱۰	نادیده گرفتن		۹/۴۱	۹/۸۶	۹/۰۵	۹/۷۲
۱۱	سرزنش خود		۱۱/۶۷	۱۱/۴۳	۱۱/۴۵	۱۱/۵۷
۱۲	خوددار بودن		۱۸/۰۵	۱۲/۶	۱۲/۴۴	۱۲/۴۳
۱۳	جستجوی حمایت معنوی		۱۵/۱۹	۱۵/۷	۱۴/۶۲	۱۶/۲۸
۱۴	تمرکز بر جنبه‌های مثبت		۱۱/۶۷	۱۱/۸۸	۱۱/۱۱	۱۲/۴۵
۱۵	جستجوی کمکهای تخصصی		۸/۹۵	۱۰	۸/۰۹	۱۰/۳۷
۱۶	جستجوی راههای کاهش هیجان		۹/۶۵	۱۰/۱۷	۱۰/۱۱	۱۲/۲۳
۱۷	تغیرات فیزیکی		۷/۹۴	۹/۲۶	۸/۴۵	۸/۷۶

● به منظور بررسی اثر متقابل «هوش» و «جنسيت» از آزمون‌های «مانوا» مندرج در جدول ۳ استفاده گردید. نتایج آزمون‌های سه گانه برای اثر متقابل «هوش» و «جنسيت» معنی‌دار به دست نیامد، لذا بررسی این اثر در همین مرحله خاتمه می‌یابد و پی‌گیری آن با استفاده از آزمون F تک متغیری ضرورتی ندارد.

جدول ۳- نتایج مانوا برای اثر متقابل «جنسيت X هوش»

نام آزمون	ارزش آزمون	F مقدار	df	سطح معنی‌داری
پلاس	۰/۲۰۹	۱/۴۹	۱۷	۰/۱۱
هاتلینگز	۰/۲۶۵	۱/۴۹	۱۷	۰/۱۱
ویلکس	۰/۷۹۰	۱/۴۹	۱۷	۰/۱۱

● به منظور بررسی اثر اصلی «جنسیت» بر نحوه مقابله با «تبنیدگی» در بین گروههای مورد پژوهش از آزمون‌های مانوا که در جدول ۴ منعکس است، استفاده گردید. نتایج آزمون‌های انجام شده معنی دار گزارش نگردید. بنابراین نیازی به استفاده از تحلیل واریانس تک متغیری نمی‌باشد. در واقع این امر بیانگر آن است که «جنسیت» تأثیر قابل توجهی بر روی استفاده از راهبردهای مقابله با تنبیکی ندارد و به کارگیری راهبردهای هفده‌گانه مقابله با تنبیکی از سوی پسران و دختران تقریباً یکسان است.

جدول ۴- نتایج مانوا برای اثر اصلی «جنسیت»

نام آزمون	ارزش آزمون	F مقدار	df	سطح معنی‌داری
پلاس	۰/۱۸۶	۱/۲۹	۱۷	۰/۲۱۵
هاتلینگز	۰/۲۲۸	۱/۲۹	۱۷	۰/۲۱۵
ویلکس	۰/۱۸۳	۱/۲۹	۱۷	۰/۲۱۵

● برای بررسی اثر اصلی «هوش» در نحوه مقابله با «تبنیدگی» نیز از آزمون‌های «مانوا» استفاده گردید. نتایج آزمون‌ها در جدول ۵ منعکس گردیده است. همانطور که جدول ۵ نشان می‌دهد، اثر اصلی هوش در سطح ($p < 0.05$) معنی‌دار است با توجه به معنی‌دار بودن نتایج مانوا به منظور پی بردن به این که منشاء تفاوت‌ها از کدام متغیری است. از آزمون F تک متغیری استفاده گردیده و نتایج در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۵- نتایج مانوا برای اثر اصلی «هوش»

نام آزمون	ارزش آزمون	F مقدار	df	سطح معنی‌داری
پلاس	۰/۲۵۶	۱/۹۵	۱۷	* ۰/۲۲
هاتلینگز	۰/۳۴۵	۱/۹۵	۱۷	* ۰/۲۲
ویلکس	۰/۷۴۳	۱/۹۵	۱۷	* ۰/۲۲

* $p < 0.05$

بنابر نتایج حاصله از جدول ۶ مجموع متغیرهای هفده‌گانه، کاربرد راهبرد «مقابله نگرانی»،

«عدم مقابله»، «فعالیت اجتماعی»، «جستجوی حمایت‌های معنوی»، «تمرکز بر جنبه‌های مثبت» و «جستجوی کمک‌های تخصصی» در بین دو گروه «تیزهوشان» و دانش‌آموزان «عادی» در سطح ($p < 0.005$) معنی دار می‌باشد. بدین ترتیب که راهبردهای ذکر شده در بین تیزهوشان در مقایسه با دانش‌آموزان عادی دارای استفاده‌کمتری است و این راهبردها از سوی گروه عادی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این جهت بین دو گروه تفاوت اساسی وجود دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون F تک متغیری برای گروههای دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در متغیرهای هفده گانه

ردیف	متغیرها	آماره					
		دانش آموزان تیزهوش	دانش آموزان عادی	میانگین کل دانش آموزان	میانگین کل میانگین مجموع مجذورات MS	میانگین کل میانگین مجموع مجذورات	خطای میانگین
۱	جستجوی حمایت اجتماعی	۱۴/۲۹	۱۵/۲۱	۲۴/۲۱	۱۷/۸۱	۱/۳۶	F
۲	تمرکز بر حل مسأله	۱۸/۹۹	۱۹/۸۶	۲۱/۵۵	۷/۸۰	۲/۷۶	
۳	تلاش کردن و موفق شدن	۱۸/۶۹	۱۸/۹۱	۱/۴۶	۶/۱۸	۰/۲۳	
۴	نگرانی	۱۸/۱۶	۲۰/۱۷	۱۱۸/۰۱	۱۵/۴۳	* ۷/۶۴	
۵	برقراری روابط صمیمانه	۱۵/۲۹	۱۵/۴۵	۰/۶۹	۱۳/۸۴	۰/۰۵	
۶	احساس تعلق یا پذیرش	۱۶/۰۱	۱۶/۰	۰/۸۳	۹/۹۷	۰/۰۸	
۷	تفکر آرزومندانه	۱۶/۲۳	۱۶/۶۶	۵/۳۹	۱۴/۷۴	۰/۳۶	
۸	عدم مقابله	۱۰/۵	۱۱/۹۱	۰/۷۹	۸/۷۹	* ۶/۵۹	
۹	فعالیت اجتماعی	۸/۹۲	۱۰/۱۷	۴۵/۹۴	۸/۹۷	* ۵/۱۲	
۱۰	نادیده گرفتن	۹/۵۵	۹/۷۲	۰/۸۶	۸/۰۷	۰/۱۰	
۱۱	سرزنش خود	۱۱/۴۵	۱۱/۵۷	۱/۲۴	۹/۸۵	۰/۱۲	
۱۲	خوددار بودن	۱۲/۴۴	۱۲/۴۳	۰۰۰	۹/۸۳	۰۰۰	
۱۳	جستجوی حمایت معنوی	۱۴/۶۲	۱۶/۲۸	۷۹/۴۵	۱۱/۹۰	* ۶/۶۷	
۱۴	تمرکز بر جنبه‌های مثبت	۱۱/۱۱	۱۲/۴۵	۵۲/۴۵	۸/۶۳	* ۶/۰۷	
۱۵	جستجوی کمک‌های تخصصی	۸/۰۹	۱۰/۳۷	۹۱/۴۶	۱۳/۶۹	* ۶/۶۸	
۱۶	جستجوی راههای کاهش هیجان	۱۰/۱۱	۱۴/۲۳	۴/۱۷	۶/۲۵	۰/۶۷	
۱۷	تفربیحات فیزیکی	۸/۴۵	۸/۷۶	۶/۲۸	۶/۹۷	۰/۹۰	

* $p < 0.005$

همان طور که در بخش معرفی ابزار تحقیق آمده است. پرسشنامه مورد استفاده علاوه بر هفتاد و هشت عبارت «بسته-پاسخ» یک عبارت «باز-پاسخ» نیز دارد، که آزمودنی بنایه میل خود به آن پاسخ می‌گوید. در این عبارت از آزمودنی خواسته شده دیگر راههایی را که برای مقابله با مشکلات خود به کار می‌گیرد و در متن پرسشنامه به آن اشاره نشده است، به اختصار بنویسد. از مجموع یکصد و شانزده آزمودنی، پنجاه نفر از آنها که به تفکیک عبارت بودند از نه دختر

عادی، دوازده پسر عادی، پانزده دختر تیزهوش، چهارده پسر تیزهوش، به این قسمت پاسخ گفتند. از آنجا که کلیه پاسخ‌های داده شده توسط ۴۳٪ آزمودنی‌ها، به نوعی تکرار مطالب مطرح شده در پرسشنامه بود و تنها یک آزمودنی، گفتن «دروغ مصلحتی» و «خودکشی» را نیز به عنوان راهبرد مقابله با مشکلات خود ذکر نموده بود، و این از جمله مواردی بود که در پرسشنامه قید نشده بود لذا در تجزیه و تحلیل داده‌ها این قسمت پرسشنامه، مورد توجه قرار نگرفت و از حوزه بررسی حذف گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی بروی نحوه مقابله با «تندیگی» در دانش آموزان تیزهوش و عادی دبیرستانی، مؤید این مطلب است که هوش به عنوان یک ویژگی فردی در انتخاب و به کارگیری شیوه‌های مقابله با تندیگی دارای اثر معنی دار می‌باشد همان طور که پژوهش‌های مختلف روان‌شناسی و علوم تربیتی حاکی از آن است که افراد تیزهوش در مقایسه با افراد عادی از جهات مختلف تفاوت دارند، در استفاده از مقیاس مقابله نوجوانان نیز این اختلاف مشاهده گردید از مجموع هفده مقیاس آزمون، که هر یک به نوعی از راهبردهای مقابله با فشار روانی دلالت دارد. شش مقوله «نگرانی»، «عدم مقابله»، «فعالیت اجتماعی»، «جستجوی حمایت‌های معنوی»، «تمرکز بر جنبه‌های مثبت» و «جستجوی کمک‌های تخصصی» در امر مقایسه بین دانش آموزان «تیزهوش» و دانش آموزان «عادی» تفاوت معنی دار را نشان می‌دهد. بنابر این سؤال اول پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنی دار در نحوه مقابله با تندیگی، دانش آموزان تیزهوش و عادی تأیید گردید. در این زمینه تحقیقاتی صورت پذیرفته که با نتیجه حاصله همخوان و همسو می‌باشد.

- رابطه راهبرد مقابله «نگرانی» با «هوش»: تحقیقات نشان داده است که تیزهوشان در مقایسه با افراد عادی هنگام مواجهه با موقعیت‌های تندیگی زاکمتر دچار اضطراب و نگرانی می‌کرندند (کالاگر ۱۳۶۹). «کامپاز» و همکاران (۱۹۹۸ و ۱۹۹۱) معتقد‌هستند، «نگرانی» که هنگام مواجهه با رویدادهای زندگی بر فرد غالب می‌گردد به چندین عامل بستگی دارد. این عوامل عبارتند از: «قابلیت پیش‌بینی»، «ارزیابی شناختی»، «احساس کارآیی نسبت به کنترل خوب و مؤثر یک موقعیت تندیگی زا» و همچنین «حمایت اجتماعی». بنابراین با توجه به نتایج یافته‌های موجود مبنی بر قابلیت پیش‌بینی رویدادها در تیزهوشان (گالاگر، ۱۹۹۰) و همچنین برتری برخورداری از حرمت خود

خودکارآمدی و احساس کفایت و ادراک شایستگی و لیاقت در دانش آموزان تیزهوش نسبت به افراد عادی (نمکی، ۱۳۷۵، موس و شافر، ۱۹۹۳، اسماعیلی، ۱۳۷۴، هالاهان و کافمن، ۱۳۷۱)، می‌توان چنین استدلال نمود که تیزهوشان به دلیل برتری در خصایص یاد شده نسبت به افراد عادی مهار بیشتری بر امور ادراک می‌نمایند و سبک روی آوری مؤثرتری برای حل مسایل به کار می‌برند و به میزان کمتر دچار نگرانی و اضطراب در مورد رخدادهای موجود در زندگی می‌گردند.

● رابطه راهبرد مقابله «عدم مقابله» با هوش: راهبرد «عدم مقابله» از جمله مواردی است که در بررسی و مقایسه تیزهوشان و افراد عادی در زمینه نحوه مقابله با تنیدگی از سوی افراد عادی بیش از افراد تیزهوش مورد استفاده قرار گرفته و نتایج گویای تفاوت معنی داری در میزان استفاده از این راهبرد می‌باشد. «لازاروس» و «لانیر» (۱۹۷۸)، «مقابله» را کوشش‌هایی می‌دانند که به طور کلی شامل چیره شدن، تحمل کردن، کاهش دادن و به حداقل رساندن نیازهای درونی و بیرونی و تعارض میان آنها است. تحقیقات نشان داده است که برخی از افراد با توجه به جنبه‌های شخصیتی نسبت به فشار روانی کاملاً مستعد و ناتوانند، بدین معنی که اگر با عوامل (تنیدگی) مواجه شوند قادر نیستند با آنها مقابله نموده و از عهده مشکل برآیند. عوامل بسیاری در به وجود آمدن این تفاوت‌ها دخالت دارد که از آن میان می‌توان به «شخصیت»، «انگیزه»، «توانمند بودن» اشاره نمود (کوپر، ۱۳۷۳؛ موس و شافر، ۱۹۹۳) یافته‌ها نشان داده‌اند. زمانی که افراد باور کنند که منابع شان اعم از پول، وقت و انرژی برای مواجهه با تهدید و آسیب کافی نیست، دچار یأس، نالمیدی و به نوعی تسلیم در مقابل فشار می‌گردند (تیلور ۱۹۹۱). بنابر این نحوه برخورد شخصی با مشکلات بیش از خود مشکلات اهمیت دارد. افراد به لحاظ رویدادهایی که در زندگی تجربه می‌کنند و نیز میزان آسیب پذیری در مقابله با آن رویدادها هم متفاوت‌اند.

مطالعات «پارکر»، ۱۹۹۶^{۴۷} «کایز»^{۴۸} و «برندت»^{۴۹}، ۱۹۸۵ (به نقل از بیکر، ۱۹۹۵)، «ترمن»^{۵۰} (۱۹۲۵)^{۵۱} «گیر» (۱۹۴۴)، «گالاگر»^{۵۲} و «کرودر»^{۵۳} (۱۹۷۵) «هیلدرت»^{۵۴} (۱۹۸۳) و «لایت فوت»^{۵۵} (۱۹۵۱) به نقل از گالاگر، ۱۳۶۹، نشان دهنده میزان کمتری از آسیب پذیری، اختلالات روانی و بیماری‌های عصبی، خودکشی، مسایل شخصیتی در بین تیزهوشان در مقایسه با افراد عادی می‌باشد بنابراین می‌توان استدلال نمود که با توجه به شواهد موجود، در رابطه با پایین بودن سطح بیماری‌های روان تنی و اختلالات عصبی در «تیزهوشان»، خود نشان دهنده رویارویی مؤثر و

مفید در مقابل تنش‌ها بوده و حاکی از «عدم تسلیم» و «عدم بی کفایتی» در مقابل تنبیکی‌های موجود می‌باشد. طبق نظر «ملود»^{۵۳} و «کسلر»^{۵۴} (۱۹۹۰ به نقل از گروئن ۱۹۸۶)، تأثیر تنبیکی روانی در افراد بیشتر به صورت افسردگی و واکنش‌های روانی - فیزیولوژیکی نمود پیدا می‌کند. این محققان ضمن بررسی دقیق وضع ۴۲۴ بیمار افسرده شدید به این نتیجه رسیدند که همبستگی مثبت و معنی داری بین رویدادهای منفی زندگی و فشارهای مزمن با نشانه‌های افسردگی وجود دارد.

● رابطه راهبرد مقابله «فعالیت اجتماعی» باهوش: راهبرد مقابله‌ای «فعالیت اجتماعی» بر سازمان دادن و تشکیل گروه‌های مختلف جهت مطرح نمودن مسایل تأکید دارد. استفاده از این راهبرد، قدرت رهبری، سازماندهی، برنامه‌ریزی افراد را می‌طلبد. در تعاریف گوناگونی که از تیزهوش مطرح گردیده است یکی از ویژگیهای خاص تیزهوشان، «توان رهبری»، ذکر گردیده است (مارلند^{۵۵} ، ۱۹۷۲ به نقل از بابائی ۱۳۷۵، میلانی فر ۱۳۶۹). البته این ویژگی مانند سایر تفاوت‌های فردی در افراد تیزهوش نیز دارای شدت و ضعف می‌باشد. نتیجه حاصله از تحقیق فوق مبین این امر است که تیزهوشان به میزان کمتری از این راهبرد سود می‌جویند و از این جهت با دانش آموزان عادی به طور معنی داری متفاوت هستند. می‌توان چنین استدلال نمود که به دلیل رفتار اجتماعی مستقلی که دارند، نه از توده مردم پیروی می‌کنند و نه تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند (گالاگر ۱۳۶۹). شاید بتوان علت تفاوت دانش آموزان تیزهوش و عادی در استفاده از راهبرد «فعالیت اجتماعی» برای رویارویی با مشکلات را به عدم شکوفائی توان بالقوه رهبری و قدرت اجرائی، با توجه به شرایط حاکم بر فضای آموزش و جو رقابت آمیز مدارس نسبت داد. چرا که متأسفانه هنوز بسیاری از معلمان و مریان معتقدند که اصلاح و سازگار کردن برنامه برای تیزهوشان صرفاً طولانی تر کردن و مفصل تر نمودن تکالیف دانش آموزان عادی و ارائه نمودن آن به تیزهوشان می‌باشد.

بدین دلیل که آموزش بیشتر مختص دروس آموزشگاهی و حول محور تحصیلی و ارتقاء به مدارج بالاتر و دستیابی به رتبه‌های علمی بهتر می‌چرخد و فقط زمان و اوقاتی که صرف این گونه فعالیت‌ها می‌گردد از نظر «خانواده» و مریان ارزشمند و مفید تلقی شده و سایر فعالیت‌ها، جنبه حاشیه‌ای داشته و از اهمیت کمتری برخوردار هستند و از مظاهر هوشمندی به شمار نمی‌آیند. بنابر این دانش آموزان تیزهوش نه تنها به انجام آنها تشویق و ترغیب نمی‌شوند. بلکه

حتی الامکان از پرداختن به آنها امتناع می‌گردد همچنین مدارک و شواهد حاکی از آن است که در دانش آموzan تیزهوش نیاز برای برقراری روابط دوستانه و صمیمی با یک انگیزه رقابت و پیشرفت تأم می‌گردد و در بسیاری موقع این دو زمینه با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرد (کروس،^{۵۶} ۱۹۸۹، به نقل از اسوایتک، ۱۹۹۵)، و بدین شکل امکان ایجاد ارتباط تا حدی مختل می‌شود.

بنابر این در عین حال که تیزهوشان به توانمندی خود اعتقاد دارند، نمی‌خواهند که از سایرین برجسته‌تر و متفاوت تر به نظر برسند و نسبت به عدم پذیرش اجتماعی از سوی دیگران آگاهند،^{۵۷} بنابر این تمایل دارند توانمندی‌های خود را از سایرین مخفی نگه دارند (براون، اشتربنبرگ،^{۵۸} ۱۹۹۰، کولمن، ۱۹۸۵، به نقل از اسوایتک، ۱۹۹۵) بنابر این تلاش می‌کنند چندان متفاوت از سایرین رفتار نکنند.

● رابطه راهبرد مقابله «جستجوی حمایت‌های معنوی» با هوش: راهبرد دیگری که میان تفاوت آشکار و معنی دار دانش آموzan عادی و تیزهوش می‌باشد، جستجوی «حمایت‌های معنوی» است، نتیجه به دست آمده نشان دهنده آن است که دانش آموzan تیزهوش در این مقیاس نمره پایین‌تری به دست آورده‌اند و این بدین معناست که آنها کمتر در پی جستجوی حمایت‌های معنوی می‌باشند تحقیقات نشان داده که تیزهوشان از یک خود پنداشت مثبت نسبت به توانمندی خود برخوردار هستند (کر،^{۵۹} و دیگران ۱۹۸۸، به نقل از اسوایتک، ۱۹۹۵). بنابراین می‌توان چنین استدلال نمود که تیزهوشان با اعتماد و اتکاء به توانایی‌های خود، کفایت و شایستگی لازم برای حل مشکلات را در خود می‌بینند.

● رابطه راهبرد مقابله «تمرکز بر جنبه‌های مثبت» با هوش: راهبرد دیگری که نتایج حاصله، تفاوت معنی‌داری را در میزان استفاده دوگروه تیزهوش و عادی آشکار ساخت راهبرد مقابله‌ای «تمرکز بر جنبه‌های مثبت مسائل» است. در این زمینه نیز، دانش آموzan عادی در مقایسه با دانش آموzan تیزهوش بر جنبه‌های مثبت مسائل و رخدادها تمرکز می‌نمایند و یا به عبارت دیگر، خوش بینانه‌تر با رویدادها برخورد می‌کنند گرچه تحقیقات چندی نشان داده است که تیزهوشان، افرادی خوش بین و مثبت‌گرا هستند (کولمن و دیگران، ۱۹۸۵، به نقل از هالاهان و کافمن، ۱۳۷۱؛ شافر، ۱۹۸۴، به نقل از موس و شافر، ۱۹۹۳، ولی در کنار آنها یافته‌هایی نیز وجود دارد که لازم است ویژگی طرز تفکر خوش بینانه تیزهوشان با در نظر گرفتن آن مورد بحث و

بررسی قرارگیرد به عنوان نمونه «گتلز»^{۵۹} و «جکسن»^{۶۰} (۱۹۶۲، به نقل از گالاگر، ۱۳۶۹) در تحقیقی که بر روی نگرش‌ها و ارزش‌های تیزهوشان انجام داده‌اند، بدین نتیجه رسیدند که تیزهوشان دارای طرز فکری محافظه‌کارانه و محتاطانه هستند و این امر در داستان‌پردازی‌های آنها به وضوح قابل مشاهده بود. آنها در داستان‌پردازی‌ها خود روشی محافظه‌کارانه را در پیش می‌گیرند و با این روش امکان ورود هر نوع خسارت یا انتقاد را نسبت به خود به حداقل می‌رسانند.

● رابطه راهبرد مقابله «جستجوی کمک‌های تخصصی» با «هوش»: راهبرد مقابله‌ای «جستجوی کمک‌های تخصصی» نیز از شیوه‌های مقابله‌ای بود که دانش‌آموzan عادی با به دست آوردن نمرات بالاتر نسبت به دانش‌آموzan تیزهوش، تفاوت آشکاری را در این زمینه نشان دادند. نتیجه به دست آمده با تحقیقی که توسط «ربانی» و «فرید» (۱۳۷۱)، در این زمینه صورت گرفته و به بررسی این که دانش‌آموzan تیزهوش مشکلاتشان را چگونه و با چه کسی مطرح می‌کنند؛ همسو و همخوان است. براساس یافته‌های این محققان درصد های آماری قابل توجهی به دست آمده است. بالاترین درصد به دوستان و همکلاسی‌های آنان تعلق دارد و اولیاء مدرسه و مشاوران از آن دسته مواردی هستند که درصد بالینی را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که تیزهوشان مشکلاتشان را به ترتیب اولویت بدین اشخاص گفته و مراجع مشورتی خود را اینگونه انتخاب می‌کنند. بالاترین درصد (۴۸/۹) دوستان و همکلاسی‌ها، ۲۶/۱٪ والدین و بستگان (اکثراً ترجیح می‌دهند بستگان جوانتر خانواده باشند) ۹/۹٪ موارد مشکل خود را خودشان تجزیه و تحلیل می‌کنند و آن را ابراز نمایند و ۸/۱٪ مشکلات خود را با مریبان و مشاوران مطرح می‌سازند.... .

مشاور باید سعی کند و نشان دهد که می‌تواند به دنیای تیزهوشان وارد شود. بنابر این در اولین برخورد مشاور با دانش‌آموzan تیزهوش، کشش‌های متقابل آنها باید به سوی جوی هدایت شود که احساس امنیت، پذیرش، ارزش و آزادی را در وی تقویت نماید.

○ ○ ○

□ در پاسخ به سؤال دوم تحقیق مبنی بر اینکه «آیا تفاوت معنی داری در نحوه مقابله با تنیدگی بین پسران و دختران وجود دارد» نتایج حاصله نشان داد که «تفاوت جنسیت» در استفاده از راهبردهای مقابله تأثیر چندان نیرومندی ندارد و اختلاف پسران و دختران در این زمینه معنی دار نیست نتیجه به دست آمده با یافته‌های «کامیاز» و همکاران (۱۹۸۸)، همخوانی دارد. آنها نشان دادند که

نحوه استفاده از راهبردها و تکنیک‌های مقابله در بین دختران و پسران متفاوت است ولی این تفاوت به اندازه‌ای نیست که اثر «جنسیت» را معنی دار گزارش نماید. البته تحقیقات دیگری نیز وجود دارد که به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند از جمله «پیترسن» و همکاران (۱۹۹۱)، نشان داده‌اند که در دوره نوجوانی روش‌های رویارویی پسران با فشارهای روانی با ثبات‌تر و پایدارتر از شیوه‌های مقابله‌ای دختران است و دختران در مقایسه با پسران به تعارض‌ها و مشکلات خود به روش‌های مختلفی پاسخ می‌دهند و عمدتاً هیجان را در مرکز توجه خود قرار داده و افزایش افسردگی و اضطراب در دختران نیز مربوط به همین موضوع است و نیز «تویلت» (۱۹۹۵، به نقل از پهلوانی، ۱۳۷۵) بیان می‌دارد که «مردان» با صبر و بردازی بیشتری با رویدادهای تنبیکی‌زا برخورد می‌کنند و مردان گزارش می‌نمایند که بیشتر بر هیجان‌های خویش مسلط هستند. مشکل را قبول می‌کنند و درباره آن زیاد نگران نمی‌شوند و شیوه‌های مبتنی بر حل مسأله را به کار می‌برند در عوض «زنان» بیشتر در جستجوی حمایت عاطفی و اجتماعی هستند و تمرکز خودشان را از سوی موقعیت تنبیکی‌زا منحرف ساخته و به عبارتی حواس پرتی بیشتری از خود نشان میدهند و هیجان‌های خود را بیشتر آشکار می‌سازند.



یادداشت‌ها:

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| 1- Stress | 2- Stressor |
| 3- Emotion-focused | 4- Problem-focused |
| 5- Atkinson, R. | 6- Cooper, C. L. |
| 7- Intelligence | 8- Sex |
| 9- Holahan, D. P. | 10- Kaullman, J. |
| 11- Coping | 12- Wechsler |
| 13- Giftedness | 14- Denial |
| 15- Escapism | 16- Fantasy |
| 17- Fantasy | 18- Hypochondria |
| 19- Projection | 20- Displacement |
| 21- Rationalization | 22- Vieious circles |
| 23- Dead-ends of thoughts | 24- Spirito |
| 25- Stark | 26- Williams |
| 27- Adolescent Coping Scale (ACS) | 28- Specific form |
| 29- General form | 30- Tension reduction |
| 31- Focus on solving the problem | 32- Work hard and achieve |
| 33- Worry | 34- Invest in close friends |

35- Seek to belong	36- Wishful thinking
37- Not coping	38- Social action
39- Ignore the problem	40- Self-blame
41- Kepp to self	42- Seek spiritual support
43- Focus on the positive problem	44- Seek professional help
45- Seek relaxing diversions	46- Physical recreation
47- Kaise	48- Brndt
49- Geer	50- Crowder
51- Hildreth	52- Light foot
53- Melod	54- Kessler
55- Marland	56- Cross
57- Sternberg	58- Kerr
59- Getzels	60- Jackson

○ ○ ○

منابع :

- اسماعیلی، حسین. (۱۳۷۴)، مقایسه ادراک دانش آموزان مدارس تیزهوش و عادی در دو مقطع اول راهنمایی و اول دبیرستان در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- انکینسن، ریتال. انکینسن، ریچارد س. و هیلگارد، ارنست. (۱۹۸۳)، زمینه روانشناسی، ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران، ۱۳۷۱. تهران. رشد.
- بابائی، رحمت الله. (۱۳۷۵)، میزان عزیت نفس در کودکان عقب مانده ذهنی، عادی و تیزهوش، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- پهلوانی، هاجر. (۱۳۷۵)، بررسی عوامل استرس زا، راهبردهای مقابله و رابطه آن با سلامت روانی در افراد نابارور، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه روان شناسی دانشگاه ایران.
- ریانی، الهه. فریدی، اختر. (۱۳۷۱)، مشاوره و غنی سازی، معلم، مجله استعدادهای درخشان، سال اول، شماره ۳.
- کاظمی حقیقی، ناصر الدین. (۱۳۷۱)، عوامل مؤثر بر باز خود تیزهوش، مجله استعدادهای درخشان، سال اول، شماره ۴.
- کوپر، کارل ال. (۱۳۷۳)، فشار روانی: راههای شناسایی و مقابله با آن، ترجمه مهدی قرچداغی و ناهید شریعت زاده. تهران، رشد.
- گالاگر، جیمز. (۱۳۶۹)، آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه مجید مهدی زاده، احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- میلانی فر، بهروز. (۱۳۶۹)، روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنائی، تهران، فومن.
- نمکی، زهرا. (۱۳۷۵)، مقایسه ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر عادی و تیزهوش، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- هالاهان، دانیل بی. و کافمن، جیمز. (۱۳۷۱)، کودکان استثنائی مقدمه ای بر آموزش های ویژه، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد، آستان قدس رضوی.

- Brown, L. L. (1993). Special considerations in counseling gifted students.* School-Counselor, 40,3. 184-190.
- Clark, B. (1983). Growing up Gifted (2nd ed).* Columbus, Ohio: Merrill Publishing Company.
- Compas, B. E. , Banez, G. , Malcarne, V. & Worsham, N. (1991). Perceived control and coping with stress a developmental perspective,* Journal of Social Issues. 47,4. 23-34.
- Compas, B. E. , Malcarne, V. & Fondacaro, K. (1988). Coping with stressful events in older children and young adolescents.* Journal of Consulting and Clinical Psychology. 56,3. 405-411.
- Cummings, E. M. & Cummings, J. L. (1988). A process oriented approach to childrens coping with adults, angry behavior.* Development Review. 8,3. 290-321.
- Fuerstein, M. L. E. & Kuezmierzyk, A. R. (1987). Health psychology.* Plenum Press: NewYork.
- Folkman, S. & Lazarus, R. S. (1980). An analysis of coping in a middle aged community sample.* Journal of Health and Social Behavior, 21. 219-239.
- Forsythe, C. J. & Compas, B. E. (1987). Interaction of cognitive appraisals of stressful events and coping: testing the goodness of fit hypothesis.* Cognitive Therapy and Research. 11. 473-485.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1981). Adolescent coping: the different ways in which boys and girls cope.* Journal of Adolescence. 14. 119-133.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1993). Adolescent coping scale. Administrators' Manual.* Victoria: Allanby Press Printers pty Ltd.
- Gallagher, J. I. (1990). The public and professional perception of the emotional status of gifted children.* Journal for the Education of the Gifted. 13,3. 202-211.
- Gruen, R. J. (1986). Dynamics of a stressful encounter: cognitive appraisal coping and encounter outcomes.* Journal of Personality and Social Psychology. 50. 992-1003.
- Kobasa, S. C. , Maddi, S. R. & Kahn, S. (1982). Hardiness and health: A prospective study.* Journal of Personality and Social Psychology. 42,1. 68-77.
- Lazarus, R. S. & Launier, R. (1978). Stress-related transactions between person and environment.* In A. Pervin and M. Lewis (Eds.). *Pespectives in International Psychology*, 287-327. NewYork: Plenum.
- Moos, R. H. & Schafer, J. A. (1993). Coping resources and processes: current concept and measures:* In L. Goldberger and S. Breznitz (Eds.). *Handbook of Stress* (2nd ed.) NewYork: Free Press.
- Rogers, B. T. (1985). Cognitive evaluation theory: the effects of external rewards on intrinsic motivation of gifted students.* Roeper Review, 7,4. 257-260.
- Swiatek, M. A. (1995). An empirical investigation of the social coping strategies used by gifted adolescents.* Gifted Quarterly 39,3. 154-160.
- Taylor, S. E. (1991). Health Psychology (2nd ed.). McGraw Hill Inc.*
- Watts, M. & Cooper, C. L. (1992). Relax, Dealing with Stress.* London: BBC Books.



پژوهشگران جوان

تنظیم کنندگان / فاطمه اژه‌ای، زهرا اژه‌ای

پژوهشها و مقالات خود را فقط به آدرس :

تهران - صندوق پستی ۶۱۹ - ۱۳۱۸۵، مربوط به پژوهشگران جوان،
محله استعدادهای درخشان

ارسال کنید. در ضمن فراموش نکنید بر روی مقاله ارسالی نام «مرکز»، «پایه تحصیلی» و «سال تدوین» حتماً نوشته شود. و همانگونه که مطلعید، مقالاتی که قادر جنبه پژوهشی یا با تکرار محظوظ همراه باشند فقط اسامی ارسال کننده در اعلام وصول‌ها خواهد آمد.

با تشکر «سمپاد»

○ ○ ○

محیط‌زیست، آموزش و پرورش، مسکن و...
در جمعیت توصیحاتی داده شده
است.

ارتباطات پیشرفته
نازیلا بهشتیان، فاطمه رزاقی، سارا شهیدی-

افزایش جمعیت و اثرات آن
سیاوش راستکار - دبیرستان شهید بهشتی
زنجان.

در این تحقیق ابتدا به بررسی وضع
جمعیت جهان و ایران پرداخته شده و سپس
درباره نقش عواملی مثل تغذیه، بهداشت،

بهشتی بیرجند.

در این تحقیق دانش آموز با ساختن مدلی برای گاز ایده آل قوانین شارل - گیلوساک، بویل - ماریوت و قانون سوم گازهای ایده ال را بررسی کرده است. لازم به ذکر است که این تحقیق به عنوان پژوهش برگزیده جهت شرکت در هشتمین دوره مسابقات اولین گام به سوی جایزه نوبل فیزیک به کشور لهستان ارسال گردیده است.

بیماری سل

غزال محمدیان، آرینا آصف - مرکز فرزانگان ستدج.
در این تحقیق ابتدا درباره بیماری سل، عوامل مؤثر بر شیوع این بیماری، نحوه انتقال بیماری در انسان، راههای تشخیص و درمان و کنترل سل توپیحاتی داده شده و سپس دلایل رقم بالای ابتلا به سل در استان با مطالعه بر روی ۳۰ نفر از بیماران یکی از بیمارستانهای ستدج مورد بررسی قرار گرفته است.

پرخاشگری بین نوجوانان

الهه عبدالهی، بهاره محقق - سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین.
در این مقاله، درباره پرخاشگری و

سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین.

در این تحقیق سیر تکاملی تکنولوژی ارتباطات و پیشرفت‌های بشری در زمینه ارتباطات و اطلاع رسانی و میزان تأثیر این پیشرفت‌ها در زندگی انسان مورد بررسی قرار گرفته است.

اسکلت بندی بدن انسان

دنا خائف پناه - سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین.

این پژوهش شامل عناوین زیر است:
تکامل سیستم استخوانی و عضلانی،
انواع غضروف، روش‌های تشکیل استخوان،
انواع استخوان، ساختمان میکروسکوپی
استخوان، استخوانهای بدن انسان و خدمات
و بیماریهای استخوانها.

انرژی درمانی

وحید رباطی - سال دوم دبیرستان شهد بهشتی خرم‌آباد.

این تحقیق به نقش و تأثیر هیپنو تیزم در معالجه بیماریهای روانی - عصبی و جسمی می‌پردازد.

بررسی تجربی نظریه جنبشی گازها
حامد فرهادی - سال سوم دبیرستان شهد

تعریف تهاجم فرهنگی، تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی، تاریخچه تهاجم فرهنگی در ایران، عوامل بوجود آمدن تهاجم فرهنگی، و ظایف مردم و مسئولین در مقابله با تهاجم فرهنگی، از مهمترین عناوین این پژوهش هستند.

اختلالات رفتاری، نظریه‌های پرخاشگری، عوامل پرخاشگری و راههای اصلاح پرخاشگری، مطالبی ارائه شده است.

پرندهان

امیر صرافزاده- سال دوم راهنمایی مرکز شهید مدنی تبریز.

در این مقاله ویژگیهای پرندهان مانند تخمگذاری، لانه‌سازی، شکل بال و پر و نوک و پای پرندهان، چگونگی پرواز آنها، جفت‌یابی، مهاجرت، انواع پرندهان و... بیان شده است.

دوره نوجوانی

مژگان فرزانگان، مریم صدوقی - سال اول دبیرستان فرزانگان دزفول.
این تحقیق درباره رشد در دوران بلوغ، ویژگیهای روحی این دوره، نیازهای نوجوان، اختلالات شخصیتی دوره بلوغ، واکنش‌های دفاعی و عزت نفس در نوجوانان، مطالبی را در بر می‌گیرد.

راز بسم الله

زهره غلامیان، فاطمه کرباسی - سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین.
پژوهشگران، با استفاده از منابع گوناگون، به بررسی عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» و معنای قسمتهای مختلف آن پرداخته‌اند. عناوین دیگر این تحقیق عبارتند از:

تفسیر بسم الله، ترجمه الله، فرق رحمان و رحیم و رابطه استعاده با تسمیه.

توحید صفاتی

مرضیه درخشش، لیلا دهباشی، سرور مکاری‌پور، شبمن معروف - مرکز راهنمایی فرزانگان بوشهر.

نقش اندیشه در کمال‌شناسایی فطری، کمالات تکوینی و اکتسابی موجودات، صفات خدا، توحید صفاتی، کمال مطلق، مواظبت بر توحید صفاتی و شرک صفاتی از عناوین این تحقیق می‌باشند.

تهاجم فرهنگی

منصوره دانشگر نژاد، مریم وهابی، فاطمه فغانخانی - سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین.

روشهای چاپ و نشر

محمد مهدی پناهی - دبیرستان شهید بهشتی زنجان.

عنوانین مطرح شده در این پژوهش عبارتند از: تاریخچه کتاب، چاپ و چاپخانه، حروفچینی، وسایل حروفچینی، چاپ و انواع ماشینهای چاپ.

روشهای دفع آفات

آناییتا شرفی - سال دوم راهنمایی فرzanگان خرم آباد.

این تحقیق شامل عنوانین زیر است : تاریخچه سوم شیمیابی، انواع حشره کشها، مبارزه غیر شیمیابی با آفات، معرفی سن گندم (نوعی آفت) و روشهای مبارزه با آن.

رهبری در نهج البلاغه

وحیده پیدایش - سال اول دبیرستان فرzanگان دزفول.

در این مقاله، پژوهشگر با استفاده به مفاهیم نهج البلاغه و گفтарهای امام علی(ع)، صفات و وظایف رهبر جامعه اسلامی را بیان کرده است.

شهادت

فاطمه جلال پور - سال اول دبیرستان فرzanگان دزفول.

این مقاله شامل مطالبی در باره شهید و

رشته اعداد فیبوناتچی و عدد طلایی

رامین رازقدی - سال دوم دبیرستان شهید بهشتی سبزوار.

در این تحقیق ابتدا رشته اعداد فیبوناتچی بررسی و درباره رشته اعداد لوکا و کسرهای مسلسل نیز توضیحاتی داده شده است و بعد از توضیح عدد طلایی، مفهوم هندسی آن و رابطه آن با دنباله فیبوناتچی به نسبتهای طلایی موجود در طبیعت و ساخته های دست بشر و از جمله ساختار خط نستعلیق اشاره شده است.

روانشناسی رشد

مرجان علاقه بندها - سال اول دبیرستان فرzanگان قزوین.

در این تحقیق رشد جسمی و روانی انسان، از پیش از تولد تا ۷ سالگی و رفتارهای او در دوره های مختلف زندگی بررسی شده است.

روانشناسی کودک

زهره دری، فریبا آذر افروز - سال اول دبیرستان فرzanگان دزفول.

رشد کودک از تولد تا ۱۲ سالگی، اختلالات دوران کودکی، بهداشت روانی کودک و علل افزایش اختلالات رفتاری در کودک، از مهمترین عنوانین بررسی شده این تحقیق می باشد.

فرهنگی جامعه اسلامی، تمدن، فرق میان تمدن و فرهنگ، علت و چگونگی رواج تجدد به نام تمدن، دین و تمدن مطالبی ارائه شده است.

خلاصهای او، روحیه شهادت طلبی، فرهنگ شهادت، شهادت و عاشورا، انقلاب و شهادت و عشق به شهادت، می‌باشد. با آرزوی موفقیت برای این دانش آموز عزیز.

فیزیک کوانتوم

نسیم چینی فروشان، رکسانا شعبانی، فهیمه زارع- سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین. این تحقیق در باره پیدایش فیزیک کوانتومی و دانشمندانی که در شکل‌گیری قسمت‌های مختلف آن نقش داشته‌اند، می‌باشد.

قلب و خون

هدی محمدخانی- سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین.
 مهمترین عنوانین بررسی شده در این تحقیق عبارتند از:
 فیزیولوژی عضله قلبی، گردش خون در قلب، تنظیم پمپاژ قلبی، گلبولهای قرمز و سفید، کم خونی، پلاکت‌ها و مکانیسم انعقاد خون.

کشف اتم

سلیمه لشگری- دبیرستان فرزانگان قزوین.
 این پژوهش به بررسی تاریخچه کشف اتم و اجزای بنیادی آن (الکترون، نوترون، پروتون) و ذرات دیگر اتم می‌پردازد و سپس مدل‌های اتمی گوناگون را بیان می‌کند.

شهر قزوین

مرضیه لطفی، فاطمه شاهروdi- سال اول دبیرستان فرزانگان قزوین.
 با استفاده از تصاویر مختلف به بررسی آثار و ساختمانهای تاریخی شهر قزوین از جمله مساجد، مدرسه‌ها، زیارتگاهها و آرامگاه بزرگان پرداخته‌اند.

فراماسونری

مرضیه درخشش، لیلا دهباشی- مرکز راهنمایی فرزانگان بوشهر.
 در این پژوهش ارزنده، ابتدا تاریخ پیدایش فراماسونری و بخشها و قوانین آن بیان شده و سپس درباره فراماسونری در جهان و ورود آن به ایران و انواع لزهای فراماسونری در ایران توضیحاتی ارائه شده است.

فرهنگ و تمدن

مهری سهرابی‌نیا، زهرا گرجیان- سال اول دبیرستان فرزانگان آبادان- خر شهر.
 در این تحقیق درباره فرهنگ، کارکرد و خصوصیات عمدۀ آن، انتقال و اشاعه فرهنگی، مدل فرهنگی و مشخصات مدل

مدیریت مشارکتی

شادی رحمت پناهی- سال اول دبیرستان
فرزانگان قزوین.

در این تحقیق، ابتدا به تعریف مدیریت مشارکتی و مشارکت و دیدگاههای متفاوت نسبت به مشارکت پرداخته شده و سپس نظامهای مشارکتی و طرح نظام پیشنهادها بررسی شده است. با آرزوی موفقیت برای این پژوهشگر عزیز.

مرد نامتناهی

سارا ملکی بخش، صباحه باریک بین،
زینب حاج فتحعلیها- سال اول دبیرستان
فرزانگان قزوین.

پژوهشگران، با استفاده از منابع متنوع، در باره زندگی و شخصیت امام علی(ع) از ولادت تا شهادت و نهج البلاغه و ویژگیهای آن، تحقیقی ارزنده ارائه داده‌اند.

مشکلات صادرات غیر نفتی

فاطمه مظفری- سال اول دبیرستان
فرزانگان قزوین.

در این تحقیق، ابتدا تاریخچه‌ای از صادرات غیر نفتی بیان شده و سپس به بررسی موانع و مشکلات توسعه و صادرات غیر نفتی و علل مختلف این موضع، پرداخته شده است.

نبوت

مینو عارفی کیا- سال اول راهنمایی مرکز

گل و گیاه

شادیه محمدی، ثریا مرادی، بیان خسروی،
فرناز بزرگی- سال سوم راهنمایی مرکز
فرزانگان سنترج.

پژوهشگران در این تحقیق با استفاده از نمونه‌های جالبی از گیاهان به معرفی تعدادی از انواع بی‌شمار گلهای، برگها و دانه‌های گوناگون پرداخته‌اند.

گیاهان انگل

سوما دهلوی، سوگل قائمی- مرکز
فرزانگان سنترج.

در این تحقیق ابتدا درباره گیاهان انگل مختلف، میزبانهای آنها و مشکلات ایجاد شده توسط گیاهان انگل گلدار توضیحاتی داده شده و سپس تحت دو عنوان گیاهان انگل حمله برنده به ریشه میزبان و گیاهان انگل حمله برنده به درختان میوه در ایران، چند نوع از گیاهان انگل گلدار معرفی شده‌اند.

گیاهان بومی کردستان

بهار یونسی، بیان اسدی، آیدا لاهورپور-
مرکز فرzanگان سنترج.

این تحقیق، ابتدا به بررسی پوشش گیاهی منطقه و عوامل مؤثر بر دگرگونی آن می‌پردازد و سپس در مورد جغرافیای کردستان و علل تخریب جنگلهای آن توضیحاتی داده شده است.

علیزاده، سودابه درودی - سال سوم دبیرستان
فرزانگان مشهد.

پژوهشگران ابتدا به نقش عدد «هفت»
در اقوام و مذاهب گوناگون و تاریخ و
فرهنگ و ادبیات فارسی و عرب و
ریاضیات پرداخته و سپس عدد «چهل» را
در احادیث و آیات قرآن و امثال و اشعار
بررسی کرده‌اند.

فرزانگان تبریز.

اصول تکامل در مکتب انبیاء، منبع
شناخت انبیاء، فلسفه عقیده به پیامبران پیشین
و تاریخ انبیاء اولو‌العزم، از عنایون این مقاله
هستند.

هفت و چهل

فرزانه فاطمی‌پور، زهرا رضوانی، سارا

○ ○ ○

مقالات، نوشته‌ها و گردآوریهای این عزیزان به دست ما رسیده است:

- مرکز شهید بهشتی آمل : سید احمد هاشمی، معین نبی .
- مرکز شهید بهشتی اردبیل : عزت‌الله فیض، محمد هژیری، پویان سیگاری، محمدحسن ساسر، حامد فرnam، هادی دیارمند، فرزاد مسعودکبیر .
- مرکز شهید بهشتی ارومیه : علی بزاری، ساسان کارگرزاد، سیدعلی رضوی روحانی، سینا اخوان سلامت، یاشار پیرمی، حسن عبدالله، فرزین حسن وظیفه‌شناس، مجید غنی‌پور، فاروق رحیم‌پور، شروین قاسملو، امیر عزیزی، سهند فرج‌نژاد، فراز مرامی، حسین گل‌صنم‌لو، پویا حاتمی، محمدمامیر محتمسی، فرشاد میرزازاد، سامان بهرام‌پور، میثم نجاتی، نعیم احمدی، مهیار قائمی، روزبه حسینی، مهران خلیلی.
- مرکز شهید‌آذه‌ای اصفهان : عادل دلاور.
- مرکز فرزانگان بوشهر : سیده فاطمه مجاهد‌الموسوي، مرضیه درخشش، الهام ملاح‌زاده، شیوا نجفی‌زاده، رضوان موسایی، معصومه صلاحی، افروز ساریخانی، نیلوفر حمیدی، آذین اشگر، یلدرا فیعی، نازنین روان‌بد، شیرین حیدری، شایسته بوشهری، مینا اویسی، سارا رستمی، فاطمه رحیمی، سمیه افتخار الحسینی، سارا امیرانی، پریسا بهرامی، آریا رخت جهانبخشان، مرضیه چاهی بخش، شیرین حسن‌زاده، زهره حیدری، عاطفه حمیدی، لیلا رازه، سارا راستی، زهرا سالک نژاد، زهرا حسینی، مریم دهقانی، مهرنوش فرهادی، نسترن گلچین، ترانه یابنده، مینا فقیه، سعیده عمادی، خاطره سبحانیان، زهرا فیروزه، مانده نوذری، سروش شریف‌زاده، کامیلا شاتلی، پگاه شیرین‌کلام، مرسدۀ جهان‌سیر، اسماء کشاورز، مانا فروهی، شیرین مجیدی، مریم کمالی، هدی انصاری.
- مرکز شهید مدنی تبریز : مرتضی امینی، آرمین نهضتی، بهرام سقای اسلامی.
- مرکز فرزانگان تبریز : سلوی کی‌نژاد، طاهره حیدری، الهه مدبیر، مریم کاظمی، مسنا صادقی، فاطمه

عدبیلی، مینا اکبرزاده، نرگس فلاحتی، فرناز دبیری، لاله افلاکی.

□ **مرکز شهید بهشتی خرمآباد** : حامد بهرامیان، نوید خودحال، احسان جزايري، علی مدبری، نعمت دولتشاه، سپهر کرمی، سجاد سپهوند، مهدی رسولی‌نیا، میثم جدیدی، علی عباسی، فرید ترکاشوند، سهراب روزبهانی، علیرضا نیکروان، محسن معصومی.

□ **مرکز فرزانگان خرمآباد** : صبا اکبری، متین کردستانی.

□ **مرکز فرزانگان دزفول** : سرور شعبان‌زاده، الله نعمتی‌زاده، راضیه رحیمی، مریم داشفر، میترا نساج نژاد، مهشید مریوطی، صدیقه نظری، نسیم نوری، ملیحه بیگدلی، عصمت پهلوانی‌زاده، صدیقه احمدزاده، آتنا خسرویک، آزاده مهردوست، فاطمه علوی، فروغ خوش خو، نسیم حجری سبزقبا، بهاره هورانی، ساناز مرزبان، نسیم چلبانلو، زهرا کاظمی، ندا ناصری، افروز تمنا، محبوبه منصوری، مریم غلام حسینی، فاطمه کرم‌زاده، عفت ضیعی‌پور، فاطمه سعیدفر، فرشته روحانی‌زاده، سپیده چاوش، معصومه کیخواه، مرجان صوری، مهسا شرف‌الدین، مریم دلاوری، مانده خلیلی، مژده تدین خطیبی، مرضیه بالوش دار، ساناز ظاهر دباغ، مینا ذبیحی، زهرا شفی‌زاده، زینب شفی‌زاده، الهام جواد نوری، بهاره توکلی، هدیه مجدى، موڑان وفایی، نینا خوش خبر، صدیقه احمدزاده، مژده برزن، زینت طهماسبی بیرگانی، آذین بهمنش، لیلا اعتمادی‌نیا، بهنوش طحان‌زاده، مریم محمدزاده، سیمین عطارزاده، مینا علوی، پگاه جمالی، فاطمه قنبری، فاطمه شهریسوند، راضیه خوشنویسان، گلسا دهقان، عصمت علوی، زهرا گچکوب، سمیه دهقانی.

□ **مرکز شهید بهشتی زنجان** : سیدرسول موسوی، وحید قدیمی، محسن گیلک، فرزاد بدلهانی، مهدی نجفی، حسن خیرپناهی، هادی دینی، میثم حاتمی.

□ **مرکز فرزانگان سنترج** : ستاره امیری، سهیلا ساعدپناه، مونا احمدی.

□ **مرکز فرزانگان قزوین** : فرزانه امینی، مرضیه حاج بابائی، زینت السادات حسینیان، ندا حبیبی، مهکامه تهرانی، فاطمه غربی، مرضیه غلامی، سمیرا مافی مقدم، آرزو اشجاعی خامنه، زهرا عزیز سلطانی، نیلوفر عرب، مهین صلواتیها، فاطمه السادات مدائی، ریحانه خوئینی‌ها، فاطمه حاجی آقا محمدی، ویدا برجسته، مهرانگیز بیانی صالح، حمیرا سراجان، سمیرا لشگری، فاطمه امیری، سمر کلاتری، آسیه سامه، زینب خلیلی، زهرا فرج زاده‌ها، شکوفه لشگری، آرزو ملکی، زهرا خسروی فرد، سودابه یوسفی، سمانه قربانعلی، مهشید وحیدی، پریسا عصار، گلناز مقبلی، مونا شیرخورشیدی، رقیه غیاثوند، زهرا ملاحسنی، هاجر صفری، سمیرا آقایی، نگین کشاورز نجفی، فائزه میرمیران.

□ **مرکز فرزانگان همدان** : زهرا مرادی، ناهید مؤمنی ثابت.

□ **مرکز فرزانگان ؟** : نسیمه آفنداک، مریم برناك.

گفتگو با هادی جرئی فارغ التحصیل سمپاد دانشجوی دانشگاه پرینستون

محمد ناصرزاده

«سمپاد قاعده خاصی ندارد. در اینجا تو هر کاری را بخواهی انجام دهی یا در آن کار بهترینی یا بهترینش دوست توست.»

«هادی جرئی» فارغ التحصیل مرکز استعدادهای درخشان علامه حلی تهران که هم اینک مشغول تحصیل در دوره دکترای ریاضیات دانشگاه پرینستون می‌باشد به سوالات ما در زمینه‌های مختلف پاسخ داده است.

او سرنشین اتوبوسی بود که عزیزان ارزشمندی را به باد قهر جاده‌ها سپرد و کلام او یادآور آن لحظه‌های تیره نیز می‌باشد.

خواندن این مصاحبه و تجربه‌های ارزشمند او را به کلیه دانش‌آموzan خوب سمپاد توصیه می‌کنیم. توصیه‌های یک سمپادی موفق غیر المپیادی!

سمپاد

- دوست داریم با نام تو، سال تولد و وضعیت فعلی اط آشنا شویم
- به نام خدا و باسلام خدمت خوانندگان خوب مجله سمپاد. من هادی جرئی، متولد ۱۳۵۶ در تهران هستم. خوب مثل همه یا اغلب خواننده‌های مجله از اول راهنمائی وارد مرکز استعدادهای درخشان علامه حلی تهران شدم. پس از فارغ التحصیلی هم ریاضیات را در دانشگاه صنعتی شریف پی‌گرفتم و پس از لیسانس هم که جریان ادامه تحصیل برای دکترا پیش آمد.

○ آیا زمینه‌های علاقمندی تو به مسائل علمی از بچگی بروز داشت؟

● از بچگی در محاسبه کمی سریع بودم و با توجه به حساسیت پدرم به تحصیل و آموزش من و اینکه کمی گوشت تلخ! بودم و با بچه‌های دیگر کمتر می‌جوشیدم، همیشه یکجوری پدرم با دادن چند تا مسئله جالب مرا سرگرم می‌کرد. شوق علمی را مديون حُسن سلوک پدرم هستم. ایشان فوق لیسانس ریاضیات و تز خود را با مرحوم دکتر هشت رو دی گذرانده بودند و حال و هوای خوبی را برای من در خانه فراهم می‌کردند.

○ یک کمی جوشی نبودی؟! نظر به خاطرات دانش آموزی می‌گوییم

● دعوائی نبودم، شاید یک کمی، ولی حال به کلی اصلاح شدم، آرام شدم دیگر !!
○ ریاضیات چه اثری را بر روحیه و روان دانش آموز می‌گذارد و یک دانش آموز دنبال چه زیبائیها در روان خویش پس از برخورد با ریاضیات بگردد؟

● اینکه دقیقاً تأثیر ریاضیات را روی خودم یا بچه‌های دیگر تشریح کنم بسیار سخت است ولی خواصی دارد که بسیار جالب توجه است. مثلاً شما باید حتماً حرف دقیق بزنید، حرف شما باید واجد دلیل باشد. احساس کشفی که بعد از حل مسئله‌ای تازه بدست می‌دهد بسیار لذت بخش است. لذت «پیدا کردن» و احساس کشف در ریاضیات یک جنبه بی نظیر این علم است. روال منطقی و دقیق و این اصل مهم که هر حرفی را بزنید باید اثبات کنید از وجوده دیگر جذابیتها ریاضی است. خلاصه مطلب یکی از احساس پیدا کردن و دیگری نظم منطقی.
○ بسیاری از خوانندگان ما بچه‌های دوره راهنمائی هستند. از آن دوره برایمان بگو و شیرینی‌های آن زمان دست نیافتی را یادآور کن.

● دوره راهنمائی یکی از بهترین دوره‌های زندگی ام بود. دنبال چیزی بودم، شاید یادگرفتن بود. کتابخانه مرکز طبقه هم کف بود- کتابخانه را حتی المقدور در طبقه هم کف تشکیل دهید یک به خاطر نداشتن پله برای رفت و آمد و دیگر اینکه در زمستان که شوفاژ کار می‌کند طبقه پائین همیشه گرم است ولی بالاها درست شوفاژها کار نمی‌کنند در نتیجه کتابخانه همیشه گرم است- و این دو خاصیت مهم را هم داشت! کتابها را تنگ تنگ چیده بودند و خیلی جای هوس انگیزی بود، هر وقت که آزادی پیدا می‌کردم می‌رفتم به آن جای گرم! با تعداد زیادی کتاب و البته تعداد زیادی دوستان سال بالائی- آن موقع مدارس ما مجتمع بود حال احتمالاً زحمت سال بالائی‌ها را فارغ التحصیلان باید بکشند - هر چیزی به فکر تان برسد می‌خواندم از

نشستن در کتابخانه واقعاً لذت می‌بردم.

○ آیا قائل هستی روش کار را در مرکز سپاپ متفاوت با دیگر مدارس است؟
آیا در روش مرکز علامه حلی نکته خاصی دیده‌ای؟

● روش آموزش علامه حلی واقعاً خاص بود. از جهات مختلف می‌گوییم. هم جنبه آموزشی هم استادان بسیار خوبی که داشتیم هم فارغ التحصیلان و هم دوستان خوبیکه سالهای زیادی با هم می‌ماندیم و کارهای مشترکی را انجام می‌دادیم. محیطی بود که علاقه‌ها در آن شکل می‌گرفت. برخوردها جالب بود.

○ روشهای دیران برای آموزش واجد چه ویژگیهایی بود؟
● یکی از دیران جلسه اول که رفته بود سرکلاس عربی صحبت کرده بود و گفته بودند من معلم عربی شما هستم و خلاصه صحنه سازی کردند بعد معلوم شد معلم زیست‌شناسی هستند! و بعد یک برگ گیاهی را آورده بودند-از این گیاهانی که سیلیس دارد- و همینطور یکی یکی به صورت ما می‌کشیدند خوب سیلیس داشت و باعث سوزش و خارش می‌شد همه گفتند آقا می‌سوزد گفت خوب بروید بشورید! بعد هم رفتیم و شستیم، خلاصه افتضاح شد اشک هم اضافه شد! بعد گفتند درس امروز ما این است اینجور چیزهای را نباید به پوست بمالید اگر یک موقع مالیدید مبادا آب بزنید!! چقدر این کلاسهای را لذت بخش برگزار می‌کردند. و یا آزمایشگاهها و... مدیر خوبی داشتیم آقای میردامادی .

○ و دوره دیرستان؟

● دیرستان نکته عجیبی دارد که شاید به درد بچه‌ها بخورد. یک فرق مهم این است که از درس خواندن به اندازه دوره راهنمائی لذت نمی‌بریم. باید حرفه‌ای تر برخورد کرد ولی برای من اتفاق خیلی بدی در دیرستان افتاد ناگهان نمره‌های من خیلی بهتر شد! معدل ۱۸ زورکی راهنمائی شد ۱۹/۵ و اصلًا خودم هم نمی‌دانستم چرا!!!

○ آیا مطالعات اصلی را از دیرستان آغاز نمودی؟

● بله بطوط حرفه‌ای ریاضیات می‌خواندم و در عین حال به شیمی هم بخاطر کلاسهای بسیار لذت بخش آقای آراسته علاقمند شدم. همه می‌دانند ایشان چه کلاسهایی دارد مرا بسیار مورد تشویق قرار می‌دادند. لذت‌بخش ترین لحظات کلاس جایی بود که می‌گفتند خوب بینیم هادی عزیز چه می‌گه؟

○ می توانی در یک جمله و یا با یک قاعده سمپاد را برایمان تعریف کنی؟

- می خواهم یک قاعده مهم را بگویم. نه در مورد علامه حلی تهران فقط بلکه برای برخی از مراکز استعدادهای درخشان تا آنجا که دیده ام و شاید روزی همه مراکز سمپاد. مرکز ما و برخی از مراکز سمپاد اینجوری است که تو هر کاری را بخواهی بکنی یا در آن کار بهترینی یا بهترینش دوست توست.

بطور مثال یک مسئله شیمی برایم پیش می آمد فوری می رفتم پیش فلان دوستم که مطمئن بودم از خیلی از دانش آموزان و معلمهای شیمی بهتر می داند این حس در من هم بوجود می آمد که من هم باید چیزی بلد باشم و کاری بکنم. باید مثل بقیه هنری داشته باشم و گرنه برای چی اینجا هستم. این نکته خیلی مهم است. حالا یکی زبان می دانست، یکی الکترونیک یکی در عالیترین درجه بدناسازی بوده و چوب به گردنش و تنفس می شکاندند هر کسی در واقعه یک کاری را انجام می داد و این خیلی مهم بود.

○ من باید از تعریف بسیار ارزشمند و خوب شما در مورد سمپاد تشکر کنم، یکی از بهترین تعاریفی بود که تا کنون شنیده ام، سر برست محترم سازمان همیشه تأکید کرده اند یکی از مهمترین دستاوردهای مراکز سمپاد گردد هم آوردن همین بچه ها می باشد، وضع دانشگاه و محیط آن را چگونه دیدید؟

- دانشگاه اینطور نیست و این تجربه تنها من نیست. محیط مرکز علامه حلی واقعاً با محیط دانشگاه تفاوت داشت محیط مدرسه خیلی فعالتر و خیلی زبلتر و علمی بود. محیط علامه حلی دانشگاهی تر بود!

دانشگاهی که من دیدم یک دیبرستان بزرگ بود. در دیبرستانم واقعاً چیزهای بیشتری یاد گرفتم در دانشگاه خیلی کارها کردم ولی کارهایش ربطی به دانشگاه نداشت. فکر می کنم محیط دیبرستان علامه حلی برای یادگیری و علم آموزی بسیار مناسبتر بود.

○ آیا همه اینها را مديون سازمان خوب خودمان، سمپاد هستیم؟

- در واقع سازمان کار بزرگی را انجام داده است. نه فقط من، خیلی از دوستانم، خیلی از استعدادهایی که در سازمان است اگر جای دیگر می رفتند واقعاً حیف می شدند. یکی از دوستان نزدیک من واقعاً استاد حل مسأله است. مسائلی را حل می کند که دهان آدمی از تعجب باز می ماند! چقدر این بچه در درسهای عادی اش مشکل داشت و من مطمئن هستم اگر در یک

مدرسه عادی بود چقدر مورد اذیت قرار می‌گرفت و اصلاً دیلم هم نمی‌گرفت! ولی اوکسی بود که بعداً جواب این اعتماد و همراهی را داد. شایستگی اش را نشان داد و در المپیاد پذیرفته شدکارهای بسیاری کرد و اینکه هم فرد خیلی برجسته‌ای در رشته‌اش می‌باشد.

○ ماجراهای المپیادهای تو شیرین و پندآموز است؟! از آنها برایمان بگو.

● خوب در دوم دیبرستان در اوج بودم ولی نگذاشتند شرکت کنیم! بعد هم سال بعد در المپیاد فیزیک اول قبول شدم! و در عین حال که ریاضی می‌خواندم مسائل فیزیک هم حل می‌کردم آخرش سه نقره از فیزیک، کامپیوتر و ریاضیات آوردم و حسابی نقره داغ شدم! لطف خدا بود که مرحله آخر ریاضیات در مشهد بود و وقتی فهمیدم قبول نشدم رفتم زیارت و حالم سرجایش آمد، فکر می‌کنم کمی خیال بافی می‌کردم و درست موقعیتم را حدس نزدم در موقعیت برای المپیاد خبری نیست کار بیشتر می‌کردم و درس بهتر می‌خواندم قبول می‌شدم. شروع کردم برای کنکور خواندن با اینکه برای رشته ریاضیات نمره خیلی بالایی هم نمی‌خواهد ولی خوب ما تلاشمان را کردیم و نفر یازدهم کنکور شدیم. راههای موقعیت بسیار است!

○ نادرستی این مطلب که المپیاد یها جمع بسته‌ای هستند و کسی را درون خود راه نمی‌دهند مورد تأیید توست؟

● با اینکه نمی‌شود مرا خیلی غیر المپیادی حساب کرد! ولی جمع المپیاد جمع بسته‌ای نیست شاید به دلیل دوستیهای در اردو نتوانند دوستان جدیدی در دانشکده بیابند ولی جنبه خاصی ندارد یک ماجراهای خیلی طبیعی و راحت است. مشکل از نگاه دیگران است نه خود بچه‌ها. این نگاه در امتیازاتی که بچه‌های المپیادی دارند نمی‌باشد این امتیازات کاملاً به حق و ارزشمند است کم جنبگی برخی و عدم درک صحیح از المپیاد باعث تفاوت رفتاری آنها می‌شود. این رفتارها خیلی وقتها بچه‌های المپیادی را بیش از غیر المپیادی‌ها ناراحت می‌کند.

○ برای ادامه تحصیل به چه دانشگاهی راه پیدا کرده‌ای؟

● خوب دانشگاه پرینستون است و علی رجائی رفته آنجا! و این اسم برای ما باری خاص دارد. مطمئن هستم پذیرش هم که به من دادند بخاطر کاری بود که علی رجائی و آرش رستگار کردند.

البته بی علاقه نبودم در انسیتو ماکس پلانک آلمان ادامه تحصیل دهم ولی برای آنجا

دانشجو نمی‌گرفتند. و ما عازم پرینستون شدیم.

○ در موقیتهاست اشاره به شاگرد اولیت در دوره خودت نکردی.

● جوابی ارزشمند دارد. درست است که در ایندوره من شاگرد اول شدم ولی حتماً نمی‌خواستم بشوم یا نشوم. یعنی به آن چیزیکه مهمتر است و به من احساس رضایت قلبی می‌داد رسیدم. دیگر مهم نبود به جای اول، چهارم بشوم.

○ در هیئت از خاطره عجیبی در دوره ابتدائی برایمان گفتی؟ برای اینکه بچه‌ها بهتر آن روزها را حس کنند یاد آوریش شاید خوب باشد.

● خاطره بسیار عجیبی است. حدود سال ۶۳ بود در دبستان دوم ابتدائی بودیم منافقین وارد مدرسه ما شدند و رفتند داخل دفتر - البته اینها را بعداً فهمیدیم. و ناظم شجاع مدرسه ما آقای مهماندوست رفته بود جلو و مقابله کرده بود البته مقابله چه عرض کنم سعی کرده بود جلویشان را بگیرد و البته اسلحه هم نداشت. این مرد خوب را با چهار گلوله شهید کردند و بعضی از همکاران مدرسه هم مجروح شدن‌گهگاه به آن مدرسه سری هم می‌زنم. هیئت هم تجربه خاصی است هر ساله شب بیست و یکم و عاشورایم ترک نمی‌شود.

○ می‌خواهم سؤالی را نپرسم ولی تو به آن جواب دهی.

● نمی‌خواهم به این سؤال جواب دهم

○ باشد. ولی لاقل درباره یکی دوتایشان کمی بگو. یکی از بزرگترها، یکی از هم سن و سالها.

● آقای مجتبی مهرآبادی. من شاگردش بودم درس جبر II. از اعضای خیلی فعال جمع گرم دانشکده بودند. ایشان دانشجوی دکترا بودند هم فوتbal بازی می‌کردند هم مسئله با بچه‌ها حل می‌کردند رفتارهایی داشتند که یاد می‌گرفتیم نظرش این بود که بماند و کار کند و دست از تلاش برندارد حتی برخی از استادان هم نصیحتش می‌کردند که برو برای ادامه تحصیل ولی با شور و عشق زائد الوصفی مانده بود و تلاش می‌کرد. خوب در سانحه تصادف آقای مهرآبادی درگذشت... بهترین دوستم - آرمان بهرامیان - که در اتوبوس بغل هم نشسته بودیم درگذشت برنده جایزه روزبه بود - به چند زبان تسلط داشت هم زبانهای باستانی هم زبانهای زنده. اگر کسی نمی‌دانست فکر می‌کرد دانشجوی زبان‌شناسی است این قدر به این علم مسلط بود و کار می‌کرد. آدم فوق العاده برجسته‌ای بود. شاید عنوانهای المپیادی نداشت ولی روحیه علمی فوق العاده‌ای داشت که بین همه بچه‌ها مطرح بود. موجود فوق العاده‌ای بود بقول معروف یک چیز من

می‌گوییم یک چیزی شما می‌شنوید.

به نجوم علاقمند بود و با مجله نجوم همکاری می‌کرد یک، جایزه رصد زهره برد بود یک جایزه جغرافیائی هم برد بود! با برجسته‌ترین زبانشناسان و منجمین بحث می‌کرد... لطفاً ادامه ندهیم، بگذریم، حادثه خیلی تلخی بود؛ ...

○ در آینده بیشتر به تدریس مایلی یا تحقیق؟ و آیا در اینمورد برای خودت وظیفه‌ای قائل هستی؟

● فکر می‌کنم در تحقیق موفق‌تر از تدریس هستم به نظرم ارتباط برقرار کردن در تدریس خیلی مهم است. حال چه راهنمایی چه دبیرستان چه دانشگاه باید نسل به نسل این ارتباطات در آموزش بهتر شود. من خودم حالا نگوییم برای کوچکترم ولی خوب احساس شرمندگی دارم که بزرگترها این آموزشها و ارتباطات را برقرار کردن آیا می‌توانم اینکار را برای کوچکترها نکنم؟

○ و آخرین پیام و صحبت و سفارش

● قدر مدرسه خود را بدانید. قبل ام گفتم قاعده سمپاد این است، هر کاری را بخواهی انجام دهی یا در آن کار بهترینی یا بهترینش دوست توست. دیگر اینکه خیلی خوش نگذرد! من در دبیرستان علامه حلی تهران معدل بیست هم داشته‌ام و شاید فکر می‌کرم خبری هم هست ولی اینها ربطی به آدم بودن ندارد! هر چه تلاش کنی باز هم کم است.

از تو متشکرم و مایل بدانی همیشه باعث افتخار فارغ‌التحصیلان سمپاد بودی. بی ادعا و بدون مдал به بالاترین موقفيتها رسیدی. راهی که همه بچه‌ها می‌توانند بروند همانطور که گفتی راههای موقفيت بسیار است!

رسانه‌ها و استعدادهای درخشان

مهاجرت نخبگان تأثیرات، علل و راهکارها*

مقدمه

بلاشک نیروی انسانی نخبه از عمدۀ عوامل مهم رشد و توسعه هر کشوری می‌باشد بطوریکه با قاطعیت می‌توان گفت این عامل در صدر سایر عوامل قرار گرفته و کشورهایی به رشد و توسعه واقعی دست یافته‌اند که در کنار منابع خدادی، دانش، فن و تکنولوژی اولاً از نیروی انسانی با دانش بالا برخوردار بوده و در ثانی از این نیروی نخبه به نحو مطلوب استفاده بعمل آورده‌اند. مسئله تأثیر مستقیم نیروی انسانی نخبه بر توسعه کشورها سال‌هاست مورد توجه جدی قرار گرفته و به موازات آن حساسیت کشورها بر مهاجرت این قشر فزونی یافته است.

هر چند که این مسئله از سال‌ها قبل تقریباً در اکثر کشورها وجود داشته و هم‌اکنون نیز در حال وقوع می‌باشد و مسئله جذب شدن استعدادهای درخشان و چهره‌های شاخص علم و فن کشورمان در سایر کشورها موضوع جدیدی نمی‌باشد ولیکن جلوه امروزی آن بی‌تر دید پررنگ‌تر گشته و از طرفی با توجه به نیاز مبرم کشور در وضعیت کنونی به نیروی متخصص توجه

* دکتر علی غفوری، دکتر حمید اکبری، طب و تزکیه، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۷۸

جدی‌تر به این موضوع اجتناب ناپذیر می‌نماید.

متأسفانه آمار و ارقام دقیقی از میزان مهاجرت افراد تحصیلکرده ایرانی به سایر کشورها در دست نمی‌باشد. براساس اطلاعات منتشره از صندوق بین‌المللی پول، از کشورهای هندوستان، چین و ایران به ترتیب ۲۳۸، ۱۶۵، ۱۰۵ هزار نفر با تحصیلات عالیه به کشور آمریکا مهاجرت کرده‌اند. تعداد ذکر شده در مورد مهاجران ایرانی، جدا از ۳۰۰ هزار مهاجر با تحصیلات ابتدایی و ۴۱ هزار مهاجر با تحصیلات متوسطه است که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. نتایج این مطالعه که در مورد ۶۱ کشور در حال توسعه صورت گرفته است نشان می‌دهد که بیشترین نرخ مهاجرت مربوط به افراد دارای تحصیلات عالی بوده است. اهمیت موضوع مهاجرت نخبگان از کشورمان به سایر کشورها را می‌توان از نکات زیر دریافت:

۱- براساس اعلام اداره کل امور دانش آموختگان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در طی ۶ ماه اول سال ۱۳۷۸ تعداد ۱۶۶۴ نفر از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های علوم پزشکی در کشور جهت اخذ مدارک خود، ترجمه و تسجيل آنها به منظور خروج از کشور اقدام نموده‌اند. حدود ۳۴٪ این افراد را پزشکان عمومی، ۹ درصد را پزشکان متخصص، ۱/۱ درصد را پزشکان دارای فوق تخصص، ۸/۷ درصد را دندانپزشکان و ۷/۳ درصد را داروسازان تشکیل می‌دهند.

براساس همین گزارش تعداد افراد دارای مدارک دانشگاهی در رشته‌های علوم پزشکی از دانشگاه‌های خارج از کشور که طی ۶ ماه اول سال ۱۳۷۸ جهت ارزشیابی مدارک خود مراجعه نموده‌اند (به کشور بازگشته‌اند) ۲۶۹ نفر بوده است. به عبارت دیگر در مقابل هر ۷ نفر که متقاضی خروج از کشور بوده تنها یک نفر به کشور بازگشته است.

۲- بنابر اعلام وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، حدود ۱۰٪ از کل دانشجویان بورسیه‌ای که جهت ادامه تحصیل در مقاطع تحصصی به خارج از کشور اعزام می‌شوند پس از پایان تحصیلات خود به کشور باز نمی‌گردند.

۳- از ۱۳۵ نفر^{*} دانش آموزانی که در سه سال گذشته در المپیادهای مختلف علمی، صاحب

* هر سال حداقل ۱۹ نفر جزء تیمهای المپیادها قرار می‌گیرند که از سال ۱۳۷۸ با اضافه شدن المپیاد زیست‌شناسی اعضاء تیمها به ۲۳ نفر رسیده است که جمع سه سال ۵۷ نفر می‌شود. حتی اگر برنده‌گان طلای کشوری را هم حساب کنیم این رقم در هر سال ۲۷ نفر و جمیعاً ۸۱ نفر می‌شود. (م. ا. د.).

مقام شده‌اند، ۸۶ نفر آنها در یکی از بهترین دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند که امید بازگشت آنها به کشور حداً کثر حدود ۳٪ می‌باشد.

۴- براساس اعلام سفارت کانادا در ایران حدود ۱۸۰/۰۰۰ پرونده از مقاضیان مهاجرت به کانادا در آن سفارت تشکیل شده است.

۵- بر اساس اعلام وزارت فرهنگ و آموزش عالی کلیه دانشجویانیکه رتبه کنکور آنها دو رقمی بوده است (۱ تا ۹۹) تا سال دوم تحصیل خود در دانشگاه‌های کشور از یکی از دانشگاه‌های معترض دنیا نامه‌ای مبنی بر امکان ادامه تحصیل در آن دانشگاه با ارائه امکانات مناسب پس از دوره لیسانس را دریافت داشته‌اند.

موارد فوق تنها گوشاهی از واقعیات موجود در این خصوص می‌باشد. و باقیتی اذعان نمود که فرار مغزها یک پدیده اجتماعی نیست که در چند سال اخیر اتفاق افتاده باشد، بلکه مسئله‌ای است که دنیا و خصوصاً جهان سوم از حدود ۴۰ سال قبل با آن روبروست و لیکن در این میان کشورهای در حال توسعه (جهان سومی) بیشترین ضرر را متحمل می‌شوند چراکه اولاً حاصل سرمایه‌گذاری چندین ساله خود را که تقریباً غیر قابل جبران هم می‌باشد از دست می‌دهند و دوم بواسطه اینکه از حیث نیروی انسانی بشدت از کمبود متخصص رنج می‌برند بالاجبار باقیتی برای پیشبرد برنامه‌های خویش از متخصصان خارجی استفاده نمایند و در عین حال با گسترش آموزش و اعزام دانشجو به خارج از کشور متحمل هزینه بسیار بالایی می‌شوند.

در اینجا ضمن نگاهی اجمالی به ارتباط نیروی انسانی نخبه با توسعه و رشد کشورها، به بررسی آمار و ارقام مهاجرت نخبگان در دنیا پرداخته و با بیان دلایل عمدۀ مهاجرت این افراد سعی می‌شود راهکارهایی که منجر به کاهش خسارات ناشی از این مسئله می‌شود را طرح نماید.

نیروی انسانی نخبه و توسعه کشورها

«ادوارد دانشن» یکی از کارشناسان اقتصادی آمریکا در تحقیقی که درباره عوامل مؤثر در پیشرفت صنعتی کشورها نموده است اعلام کرده از میان ۳۱ عامل مؤثر در این امر، مهمترین

عامل، پرورش نیروی انسانی متخصص می‌باشد. وی نظریه‌ای در باره توسعه اقتصادی ارائه داده است که مطابق آن پیشرفت آموزش نیروی انسانی مهمترین عامل رشد اقتصادی و پیشرفت تحقیقات و علوم عامل دوم در رشد اقتصادی می‌باشد.

نگاهی گذرا به پرورش نیروی انسانی در طی چهار دهه گذشته در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که در سال ۱۹۶۶ در آمریکا در حدود ۵/۵۲۶٪ نفر دانشجو در دانشگاههای آن کشور به تحصیل اشتغال داشته‌اند که این تعداد حدود ۴۳٪ از کل جوانان آمریکایی در فاصله سنی ۲۰ تا ۲۴ سال را در بر می‌گرفته است در همین سال پس از آمریکا شوروی با چهار میلیون دانشجو (۲۴٪ از کل جوانان ۲۰ تا ۲۴ ساله)، فرانسه با پانصد هزار دانشجو (۱۶ درصد)، ژاپن و ۱/۳۷۰٪ دانشجو (۱۳٪ درصد)، آلمان غربی با ۲۸۰٪ دانشجو (۷٪ درصد) و انگلستان با ۱۶۵٪ دانشجو (۱۴٪ درصد) در رده‌های بعدی قرار داشتند.

یک رقم دیگر این اختلاف در تربیت نیروی انسانی در آمریکا و سایر کشورها را در سال ۱۹۶۶ که در واقع زمینه ساز پیشرفت سریع این کشور بوده است نشان می‌دهد. در این سال کشورهای بازار مشترک اروپا که حدود ۱۸۰ میلیون نفر جمعیت داشته‌اند دارای حدود یکصد هزار فارغ‌التحصیل دانشگاهی بوده در حالیکه آمریکا در همین سال با جمعیت تقریباً نزدیک به ۱۹۰ میلیون نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهی داشته است و بهمین دلیل «هارولد ویلسون» نخست وزیر وقت انگلستان اعلام می‌کند: «برگی صنعتی جدیدی ما اروپائیان را تهدید می‌کند. در آینده ما روز به روز وابستگی بیشتری به صنعت آمریکایی پیدا خواهیم کرد.»

«مک‌نامار» در آن زمان در مورد فاصله‌ای که از لحاظ فنی و صنعتی میان مریکا و اروپا وجود دارد و هم‌چنین در مورد مهاجرت متخصصان از اروپا به آمریکا اعلام می‌کند: «فاصله‌ای که بین اروپا و آمریکا بوجود آمده در اثر عقب‌ماندگی علمی و فنی اروپا نمی‌باشد، بلکه نتیجه اختلافی است که در مدیریت و نوع تشکیلات وجود دارد. اگر تعداد زیادی از دانشجویان اروپایی به آمریکا مهاجرت می‌کنند علت آن پیشرفت تکنولوژی آمریکانمی‌باشد، بلکه روش‌های جدیدی است که آمریکا در کار دسته جمعی و شیوه مدیریت خود در پرورش و استفاده صحیح از نیروی انسانی متخصص بکار می‌رود.» موارد فوق بدین لحاظ ذکر گردید که بیانگر علت پیشرفت سریعتر آمریکا در علم و تکنولوژی نسبت به کشورهای اروپائی بوده و نشانگر این مسئله است که اگر هم اکنون آمریکا

وضعیت بهتری از لحاظ علوم و تکنولوژی نسبت به سایر کشورها دارد، ریشه اصلی آن در توجه جدی آمریکا به نیروی انسانی و مدیریت صحیح در کاربرد نیروی انسانی و انجام سرمایه‌گذاری لازم در چندین دهه گذشته بوده است بلاشک تناسب پیشرفت کشورها متناسب با توجه آنان به موضوع نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری لازم در این خصوص می‌باشد.

بنابر این توسعه و رشد کشورها در ابعاد کیفی آن مستلزم توجه جدی به سرمایه‌های فکری داخلی و تبدیل آنها به جریانات انباشت سرمایه مولد می‌باشد و در بین عوامل مختلف رشد و توسعه، مدیریت بهره‌گیری از مهارت و تخصص انسانی محور اصلی و تعیین کننده و منبع نهایی توسعه فن آوری می‌باشد. کارآمدی نظام اقتصادی، اجتماعی و هدایت صحیح سرمایه‌ها منوط به واگذاری نقشهای مناسب به نیروهای متخصص و ماهر است. از این رو متخصصین هر کشور اهمیت و ارزشی برتر در کنار سایر منابع ثروت می‌یابند و بدون توجه به این مهم روند رشد و توسعه کشورها متوقف و یا با مشکل مواجه خواهد شد.

مفاهیم مرتبط با فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان:

از آنجائیکه مسئله از دست رفتن سرمایه انسانی در کشورهای تریت کننده این نیروها با مفاهیم مختلفی بیان می‌شود. لازم می‌داند با مفاهیم مطرح در این خصوص آشنایی لازم صورت پذیرد.

«مهاجرت» (Immigration) عمدتاً در چارچوب جمعیت‌شناختی و گاه جامعه‌شناسی و اقتصاد قرار گرفته و بطور عام معادل از دست دادن نیروی انسانی کارآمد و متخصص قلمداد نمی‌گردد. چراکه بسیاری از مهاجرین به سایر کشورها دارای تحصیلات دانشگاهی نبوده‌اند و اصولاً در رده نیروهای متخصص و ماهر کشور مبدأ قرار نداشته‌اند. مهاجرت این نوع افراد چندان از لحاظ علمی، تحقیقاتی و سیاسی با اهمیت تلقی نشده و بطور طبیعی در کشورها اتفاق می‌افتد و کشور مبدأ را دچار خسارات قابل توجهی نمی‌نماید.

«فرار مغزها» (Brain Drain) که عمدتاً در برگیرنده خروج نیروهای متخصص و نخبه یک کشور می‌باشد، خسارات جبران ناپذیری را به کشور مبدأ وارد نموده و معمولاً موجب محروم ساختن کشور مبدأ از پیشرفت و دستیابی به علم و تکنولوژی می‌گردد. بطور کلی فرار مغزها زمانی

اطلاق می‌شود که ارتباط فرد با کشور خود بطور کامل قطع شود و کشور مبدأ به هیچ عنوان نتواند از دانش و علم فرد استفاده نماید.

زمانی این مفهوم کار برد پیدا می‌کند که نیروهای نخبه یک کشور که به کشور Brain Circulation دیگری عزیمت نموده و در آن کشور رحل اقامت افکنده‌اند، با ایجاد ارتباط علمی منظم و مستمر با کشور خود و هم چنین تشکیل سازمانهایی با شبکه منسجم علمی در حد امکان به پیشرفت علمی کشور خود در زمینه‌های مختلف از طریق انتقال علوم و فنون کمک می‌نمایند. به عبارت دیگر همیشه فرار مغزاً به منزله خروج فرد صاحب‌نظر و صاحب فکر به خارج از کشور نمی‌باشد.

بعضی از موقع نیروی متخصصی که در خارج از کشور است با ایجاد ارتباط علمی با کشور خود مایه پیشرفت کشور شده و بالعکس نیروی متخصصی که در داخل کشور است پیش از آنکه به حال کشورش مفید باشد در جهت خدمت به غرب چه از طریق انتقال تکنولوژی و چه از طریق انجام تحقیقات و پژوهش‌هایی که هیچ فایده‌ای برای کشور نداشته و نتیجه‌اش عاید کشورهای پیشرفت‌شده و فقط و فقط باعث هدر رفتن مواد و امکانات کشور خویش شده است. این هم نوعی هدر رفتن مغزاً و سرمایه‌هاست. زمانی که در سال‌ها قبل موضوع فرار مغزاً مطرح شد و در سراسر جهان سر و صدای زیادی در این خصوص به راه افتاد کشورهای پیشرفت‌های برای حفظ ظاهر سعی کردند تا دانشمندان کشورهای در حال توسعه در کشورهای خود باقی بمانند ولیکن در عوض برنامه ریزی جهت استفاده از نیروهای متخصص و امکانات علمی و تحقیقاتی کشورهای در حال توسعه را در دستور کار خود قرار دادند. بطوریکه برای نمونه دانشجویان فیزیک دانشگاه «آسترال» در آرژانتین با «ناسا» (مرکز پژوهش‌های فضائی آمریکا) جهت انجام پژوهش قرار داد منعقد کردند ولیکن اینگونه مطالعات فیزیکی - هیچ رابطه‌ای با کشور آرژانتین نداشت و متناسبن هیچ گونه فایده‌ای علمی برای آن کشور نبوده و در واقع نه تنها مشکلی از مشکلات آن کشور را حل نمی‌کرد بلکه وابستگی کشورهایی از این نوع را شدیدتر می‌نمود و از لحاظ مالی نیز زیان‌های فراوانی از قبیل خرید تجهیزات تحقیقاتی، پرداخت حق پژوهش، بکار گرفته شدن نیروی متخصص... بر این کشورها تحمیل می‌گردید. در این رهگذر بایستی به پدیده انتقال تکنولوژی که معمولاً از کشورهای پیشرفت‌های به

کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد نیز با دقت نظر پیشتری نگریست و بر دانشمندان است تا تلاش نمایند به جای اینکه جهان سوم در خدمت علم و صنعت کشورهای پیشرفته باشد، علم و صنعت کشورهای پیشرفته در خدمت کشورهای در حال توسعه باشد.

سؤال این است که آیا هر آنچه طی ۱۵۰ سال اخیر در معرفت زمین اتفاق افتاده تکرارش برای کشورهای در حال توسعه لازم است و آیا کشورهای جهان سوم بایستی در زمینه علوم و تکنولوژی به همان‌گونه عمل نمایند که کشورهای پیشرفته در حال انجام آن بوده و آیا اصولاً هر علم و تکنیکی بی‌چون و چرا برای کشورهای در حال توسعه مفید است؟

به نظر می‌رسد تفکر عمیق و عالمانه دانشمندان کشورهای در حال توسعه در این موضوع موجب کاهش شیفتگی بسیاری از دانشمندانی که بواسطه بهت‌زدگی در مقابل پیشرفتهای علمی کشورهای توسعه یافته حاصل شده، خواهد شد و عشق و علاقه آنان بر ماندن در کشور خویش و تلاش در جهت رفع مشکلات با استفاده از تخصص خود را چند برابر خواهد نمود.

مهاجرت نخبگان در آینه آمار و ارقام

مسئله مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها منحصر به کشور خاص و یا زمان خاصی نبوده و پدیده جدیدی نیز محسوب نمی‌گردد. چراکه از چندین دهه قبل این بحث مطرح بوده و کشورهای مختلف آنرا مدنظر قرار داده‌اند. ولیکن برآیند مهاجرت نخبگان ورود خسارت عدیده و جبران ناپذیر به کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

علیرغم اینکه کشورهایی از قبیل کانادا، آلمان، انگلستان و سوئیس از کشورهای پیشرفته دنیا محسوب می‌شوند ولیکن در سال ۱۹۶۶ در صدر کشورهایی قرار داشتند که نیروی متخصص از آنها خارج و به آمریکا مهاجرت نموده است.

در سال ۱۹۶۵ از ۲۳ هزار پزشک خارجی شاغل در آمریکا ۵۸۵۸ نفر از کشور کانادا (درصد) و ۴۲۶۳ نفر از آلمان (درصد) بوده که در رده‌های اول و دوم قرار می‌گیرند و از ایران ۹۰۴ نفر پزشک (درصد ۳/۹) در کشور آمریکا شاغل بوده‌اند که در رده نهم قرار می‌گیرد. آمار نشان می‌دهد که بیش از ۱۰ درصد از دانش آموختگان دانشگاه‌های اروپا به آمریکا مهاجرت نموده‌اند. در سال ۱۹۹۶ تنها ۵۱۳ نفر از پزشکان کانادایی (که چیزی در حدود

فارغ‌التحصیلان ۵ دانشکده پزشکی کانادا می‌باشد) کانادا را ترک کرده‌اند. طی سالهای ۱۹۹۱ الی ۱۹۹۶ میزان مهاجرت پزشکان از کانادا ۱۳٪ افزایش یافته و اغلب این افراد به منظور پیدا نمودن شغل مناسب به آمریکا عزیمت نموده‌اند.

در سال ۱۹۹۵ حدود ۴۵۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کانادا به آمریکا مهاجرت نموده‌اند که این افراد در مقاطع دکترای حرفه‌ای، دکترای تخصصی (Ph. D)، کارشناسی ارشد و کارشناسی بوده و اغلب جزو نفرات اول کلاس خود در دوران تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. عدم وجود امکانات کافی خصوصاً کمبود بیمارستان، تختهای بیمارستانی، امکانات تشخیصی و درمانی در کانادا موجب تمایل پزشکان کانادایی به ترک این کشور گردیده است و از این رهگذر کشور کانادا نه تنها بهترین و با استعدادترین نیروهای خود بلکه متعهدترین پزشکان را از دست می‌دهد. بطوریکه یکی از پزشکان مهاجر کانادایی در آمریکا می‌گوید: «من در کشورم بودم مسئولین مرا بعنوان یک مشکل به حساب می‌آوردند در حالیکه در آمریکا بعنوان یک حلal مشکلات به حساب می‌آیم». البته با اندکی دقت در سرمایه‌گذاری آمریکا در بخش تحقیق و توسعه در کل کشور و خصوصاً در بخش بهداشت، جذب سریع نخبگان به این کشور امری کاملاً قابل پیش‌بینی می‌نماید چراکه بطور مثال بودجه تخصیص یافته برای تحقیقات بهداشت در مجتمع پزشکی «هوستون» آمریکا در سال ۱۹۹۸ به تنها یی بیشتر از کل بودجه شورای تحقیقات پزشکی کشور کانادا می‌باشد.

در سال ۱۹۹۳ حدود ۱۳ هزار نفر از افراد دارای تحصیلات عالیه از «روسیه» به کشورهای اروپایی و آمریکایی مهاجرت نموده‌اند.

تا سال ۱۹۹۰ حدود ۴۱۰ هزار نفر از متخصصان کشور هندوستان در خارج از این کشور اقامت داشته‌اند و میزان مهاجرت نخبگان از این کشور در سال حدود ۵۵۰۰ الی ۶۵۰۰ نفر بر آورده شده است. در سال ۱۹۹۵ از مجموع ۷۶۱ هزار نفر تحصیلکرده مصری حدود ۴۵۰ هزار نفر در آمریکا، ۱۵۵ هزار نفر در اروپا، ۱۵۰ هزار نفر در استرالیا و ۶ هزار نفر در کانادا بسر می‌برده‌اند.

آمارهای موجود نشان می‌دهد طی سالهای ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰ در بین مهاجرین کشورهای خاورمیانه به آمریکا، ایران جزو کشورهای رده اول می‌باشد ولیکن در حال حاضر هیچگونه آمار دقیقی از میزان مهاجرت نخبگان کشورمان به سایر کشورها در دست نمی‌باشد: بهرحال

همانگونه که هر کشوری برای رشد و توسعه در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص سرمایه گذاری می‌نماید، بسیاری از کشورها هم برای بدست آوردن نیروهای متخصص و تربیت یافته در سایر کشورها برنامه ریزی و به نوعی سرمایه گذاری می‌نمایند. بطور مثال آمریکا با فراهم آوردن زمینه لازم جهت جذب نخبگان رتبه اول را در این زمینه دارد. بطوریکه بیش از ۳۰٪ نیروهای درگیر امر توسعه و تحقیق در آمریکا را افراد مهاجر از سایر کشورها تشکیل می‌دهد. و بطور کلی می‌توان گفت حیات توسعه و تحقیق در آمریکا بستگی به قدرت جذب، حمایت و نگهداری سیستم آموزش عالی این کشور از دانشجویان و دانش آموختگان سایر کشورها دارد. در سال ۱۹۹۵ از ۴۲۰ هزار نفری که در تحقیقات علوم و مهندسی در آمریکا فعالیت داشته‌اند تقریباً یکصد هزار نفر آنها خارجی و عددتاً از ۱۲ کشور دنیا بوده‌اند. علت اصلی علاقه دانشجویان مقطع دکتری به تحصیل در آمریکا حمایت‌های مالی این کشور از انجام تحقیقات آکادمیک می‌باشد. منبع اصلی درآمد ۷۵٪ از ده هزار دانشجوی دکترای خارجی شاغل به تحصیل در آمریکا، دانشگاه محل تحصیلاتشان بوده‌است، این در آمد از طریق همکاری آنها در انجام طرحهای تحقیقاتی بوده و منبع تأمین هزینه طرحهای تحقیقاتی دانشگاهها هم دولت صنایع و سایر منابع غیر دولتی می‌باشد.

از طرف دیگر هزینه تحقیقاتی دانشگاههای آمریکا طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۶ از ۱۳ میلیون دلار به ۲۱ میلیون دلار^{*} افزایش پیدا کرده است. در همین دوران تعداد دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در دوره دکتری که بعنوان محقق از حمایت‌های دانشگاههای آمریکا بهره‌مند بوده‌اند از ۲۰۰۰ نفر به ۷۶۰۰ نفر (نزدیک به ۴ برابر) رسیده است.

از ۵۵ هزار دانشجوی خارجی که طی سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۶ از آمریکا مدرک دکترای خود را اخذ نموده‌اند حدود ۲۲٪ از آنها با خاطر ادامه تحصیل در مقطع بالاتر و ۱۷٪ از آنها با خاطر اشتغال و شرایط استخدامی در آمریکا مانده‌اند.

آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۵ حدود ۷۹٪ از دانشجویان هندی، ۸۸٪ از دانشجویان چینی و تنها ۱۱٪ از دانشجویان کره‌جنوبی که در طی سالهای ۹۰ و ۹۱ مدرک دکترای خود را از دانشگاههای آمریکا اخذ نمودند در این کشور مانده و بکار اشتغال داشته‌اند.

* یک اشکالی در مبلغ دیده می‌شود !! به نظر می‌آید بیلیون صحیح باشد. (م. ا. د.)

در سال ۱۹۹۵ حدود ۴۷٪ از دانشجویان خارجی که در سالهای ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۲ مدرک خود را از دانشگاه‌های آمریکا اخذ نموده‌اند. در این کشور اقامت داشته و ضریب اقامت دانشجویان خارجی در آمریکا طی ۲۵ سال گذشته حدود ۵۰٪ بوده است. در سال ۱۹۹۳ بیش از ۳۷٪ از اساتید مهندسی ویش از ۲۵٪ از اساتید ریاضی و علوم کامپیوتر در آمریکا خارجی بوده‌اند:

بهر حال این مطالب نشانگر توجه و برنامه ریزی کشورهای پیشرفته در امر پرورش و جذب نیروی انسانی می‌باشد و همانگونه که از آمار و ارقام پیداست سرمایه‌گذاری بسیار پر سود و منفعت نیز می‌باشد هر چند که کشورهای پرورش دهنده و صاحب اصلی نیروی انسانی متحمل خسارات زیادی می‌شوند.

عوامل مؤثر در مهاجرت نخبگان

مسئله مهاجرت نخبگان مسئله‌ای چند بعدی بوده و باستی از زوایای مختلف و ابعاد گوناگون علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ... مورد بررسی قرار گیرد. در این بخش سعی می‌شود تا حد امکان علل و عوامل مؤثر در وقوع این پدیده نامیمون مطرح و مورد بررسی قرار گیرد:

۱- عوامل علمی - تحصصی

تحقیقات نشان می‌دهد در بین عوامل متعدد مؤثر در از دست رفتن و یا حفظ نخبگان یک کشور عامل فراهم بودن زمینه و امکانات علمی و تحقیقاتی نقش وابحیت بیشتری نسبت به سایر عوامل دارد. چراکه فرد متخصص و محقق تشهی ارائه تخصص خود می‌باشد و در جستجوی زمینه بروز آنچه که در توان وارد می‌باشد. در این بین چنانچه کشور مبدأ پرورش دهنده این نیروها نتواند زمینه لازم را برای این افراد فراهم آورد مسلماً به نحوی زمینه خروج آنها را هر چند ناخواسته فراهم آورده و بالعکس کشوری که امکانات و شرایط مناسب برای استفاده از تخصص این افراد را دارا باشد به راحتی باعث جذب متخصصان و نخبگان می‌شود. بنابراین توجه این نکته حائز اهمیت است که سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات و فراهم آوردن بستر لازم جهت استفاده هر چه بیشتر از نیروهای علمی و متخصص نه تنها باعث حفظ نیروی انسانی هر کشور و رشد علمی اقتصادی آن می‌شود بلکه باعث افزایش تمایل متخصصان و نخبگان سایر کشورها به

مهاجرت به آن کشور نیز می‌شود که این امر موجب افزایش نیروی انسانی متخصص آن کشور شده و با توجه به آنچه در بخش‌های پیشین گفته شد حضور نیروی متخصص رشد و توسعه فرآینده کشور را در پی خواهد داشت.

حال بایستی دید علت یا علل عدم استفاده کشوری از نخبگان خود چه می‌باشد و چه دلایلی باعث می‌شود تا کشوری نتواند از این نیرو و سرمایه مهم خود به نحو مطلوب استفاده کنند آنچه که در وهله اول به ذهن هر فردی در مقابل این سؤال خطوطر می‌نماید عدم سرمایه گذاری در بخش پژوهش و تحقیقات آن کشور است. هر چند که این نکهای صحیح و شاید عاملی بسیار مهم باشد اما مسلماً همه موضوع نمی‌باشد. چه بسا کشورهایی که جهت امر آموزش و تحقیقات خود سرمایه گذاری زیادی هم نموده باشند ولیکن باز هم با مشکل از دست دادن نخبگان و تحصیل کردن خود مواجه‌اند. سایر عواملی که در این امر دخیلند عبارتند از:

(الف) عدم تعادل و تناسب در تربیت نیروی متخصص و محقق مورد نیاز کشور، که این امر نه تنها سبب هدر رفتن سرمایه صرف شده جهت تربیت نیروهای تحصیل کرده می‌شود بلکه تربیت نیروی انسانی به میزان بیش از مورد نیاز کشور موجب کاهش فرصت‌های شغلی، کاهش درآمد و رضایت شغلی، تحریر نخبگان و در نتیجه نارضایتی و تمایل به خروج از کشور را در این قشر بوجود می‌آورد. از طرفی فراوانی تعداد دانشجو و نیز طرز پرورش آنان محیطی را بوجود می‌آورد که موجب افت روحیه آموزشی و تحقیقاتی در سیستم می‌شود.

(ب) فراهم نبودن امکانات علمی و تحقیقاتی جهت اساتید و محققان دانشگاهها و مراکز علمی، دسترسی مشکل به امکانات وسایل آزمایشگاه، مواد، منابع، کتاب، ژورنال و... موجب کندی روند آموزشی و تحقیقاتی شده و به طبع موجب احساس بطالت و یا عدم استفاده کامل از توان موجود در محقق می‌شود که این امر خود فراهم آورنده زمینه خروج نیروی انسانی از کشور خواهد بود.

از سوی دیگر عدم استقلال و آزادی عمل محقق که شرط لازم حیات علمی است موجب کندی روند تحقیقات و نارضایتی این قشر می‌شود. زیرا غالب حکومت‌های کشورهای در حال توسعه هنوز نتوانسته‌اند الگوی مناسبی برای رفشار با محققان پیدا کنند. محققان یا کاملاً زیر سلطه روح اداری قرار دارند، و این در مواردی که حکومت نخواهد از تحقیقات استفاده کند به ثمر بخشی و باروری تحقیق زیان می‌رساند، یا آنکه مورد بی‌اعتنایی هستند، یعنی اگر هم کاملاً

فراموش نشوند در محیط در بسته به حال خود رها می‌شوند.

ج) عدم توان به اجرا در آوردن یا علمی کردن کشفیات و تجارب آزمایشگاهی توسط محققین کشورهای در حال توسعه که عمدتاً یا بواسطه عدم وجود ارتباط مؤثر بین مراکز تحقیقاتی علمی با مراکز صنعتی بوده و یا بواسطه عدم توان محققین و مدیران در سازماندهی تحقیقات و فعالیتهای علمی کشور می‌باشد.

د) عدم رعایت شأن علم و عالمان عامل دیگری که زمینه ساز خروج نیروهای تحصیلکرده از یک کشور می‌باشد عدم برخورد مناسب و متناسب با جایگاه متخصصین، دانشمندان و دانشگاهیان است. هر مسئله‌ای که موجب شود محققین و پژوهشگران شاغل در محیط‌های علمی احساس کنند مورد بی‌توجهی و کم لطفی مسئولان می‌باشند، خواه مادی و خواه معنوی، موجب افزایش خطر از دست رفتن نیروی انسانی مفید کشور می‌شود. معمولاً متخصصان تمایل دارند بطور تمام وقت و فارغ البال از سایر مسائل به امر پژوهش و تحقیق پردازنند در حالیکه غالباً در کشورهای در حال توسعه مشکلات مادی و اجتماعی مانع در این راه می‌باشد. معمولاً در کشورهای در حال توسعه ارزش اجتماعی مشاغل دانشگاهی و کارهای تحقیقاتی از لحاظ مادی و معنوی پائین‌تر از سایر حرفه‌ها و مشاغل قرار گرفته و در چنین شرایطی افرادی که ذوق و شوق کار علمی دارند خود را در زوایای آزمایشگاهها و مراکز تحقیقاتی افرادی فراموش شده می‌بینند و از آنجاکه اعتقاد به کار علمی کم است قدر و منزلت آنها شناخته نمی‌شود و آنان ناچار به کارهای جنبی جهت کسب درآمد لازم جهت زندگی بهتر یا پرداختن به امور سیاسی و مشاغل اداری جهت کسب اعتبار اجتماعی بیشتر در جامعه می‌شوند و یا اینکه راه خارج را در پیش می‌گیرند.

ه) عدم توجه به سطح علمی دانشگاهها و عدم توازن در رشد کمی و رشد کیفی دانشگاهها: عدم توجه به کیفیت مسائل آموزشی و پژوهشی در دانشگاه بواسطه پرداختن به کمیت موجبات نارضایتی اساتید و دانشجویان را فراهم آورده و تداوم آن موجب تیره شدن چشم انداز آینده کشورهای در حال توسعه برای بسیاری از نخبگان شده و در نتیجه تمایل آنان را برای خروج از کشور افزایش می‌دهد.

۲- عوامل فرهنگی - اجتماعی

برخلاف عامل علمی - تخصصی که بیشترین اهمیت را در فرار نخبگان دارد عامل

«فرهنگی - اجتماعی» بیشترین نقش را در مهاجرت افراد عهده‌دار می‌باشد، به عبارت دیگر عامه مردم بواسطه مسائل فرهنگی - اجتماعی اقتصادی تمایل به مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر دارند ولیکن این عامل خواه نا خواه بر فرار مغزاً نیز اثر مستقیم خواهد داشت. این عامل از دو بعد قابل توجه و تعیین‌کننده می‌باشد: بعد اول از لحاظ مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور مبدأ و دوم از بعد کشور مقصد.

شرایط فرهنگی اجتماعی کشور مبدأ از حیث وجود امنیت اجتماعی، محفوظ بودن جایگاه دانشمندان و عالمان، عدم وجود برخوردهای اجتماعی نابهنجار، عدم وجود فساد، تبعیض، تمایزات قومی و نژادی، پذیرش اجتماعی نظرات و دیدگاهها، احترام به باورها و اعتقادات، خدمات اجتماعی، وجود امکانات آموزش برای فرزندان و تأمین بودن آرایه فرزندان... از جمله عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری افراد به ماندن در یک کشور و یا ترک آن کشور می‌باشد. از طرف دیگر وجود جاذبه‌های متعدد در سایر کشورها، تأمین اجتماعی، پیشرفت شغلی، استقلال در کار، تطابق فرهنگی و... از جمله عوامل جذب افراد به سایر کشورها می‌باشد. عوامل عاطفی، وابستگی‌های اجتماعی و خانوادگی و پیوند های دوستی، احساسات میهن‌پرستی و کشور دوستی، نگرشاهی فرهنگی، دیدگاه‌های مذهبی، نیز از عوامل مؤثر در مهاجرت و فرار مغزاً می‌باشند.

۳- عوامل اقتصادی

مسائل اقتصادی از چندین طریق موضوع فرار مغزاً را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

الف) نقش اقتصاد در تحقیقات: همانگونه که در قسمتهای قبلی ذکر گردید کشورهایی که از توان اقتصادی بالاتری برخوردارند اعتبارات بالاتری را نیز به تحقیقات اختصاص می‌دهند و همین امر موجب روتق گرفتن پیشرفت علوم گردیده و نتیجتاً محققین و دانشمندان که شیفته علم و تحقیق می‌باشند به سکونت در چنین کشوری تمایل بیشتری نشان خواهند داد.

ب) نقش اقتصاد در سلامت جامعه و بهبود شرایط زندگی: مسلمانکه کشورهایی که از وضعیت کلان اقتصادی بهتری برخوردارند از لحاظ شرایط زندگی، وضعیت بهتری را دارا بوده و بنابراین از جاذبه بالاتری نیز برای زندگی برخوردار می‌باشند. به عبارت دیگر ارتباط خیره کننده‌ای بین کامیابی اقتصادی کشورها و برخورداری از بهداشت مناسب وجود دارد، بدین صورت که میزان ابتلای مردم کشورهای مرتفه‌تر به بیماریهای گوناگون بطور بارزی کمتر و طول عمر آنها بیشتر

از دیگران می‌باشد و بطور کلی رفاه اقتصادی باعث بالارفتن کیفیت زندگی به مدت طولانی تری می‌گردد. در تحلیل آماری مهمی که توسط «سودیر آناند» (Sudhir Anand) و «مارtin راوالیون» (Martin Ravallion) پیرامون یک مقایسه بین کشوری میان کشورهای کم توسعه یافته به عمل آمده مشخص گردیده است که امید به زندگی با تولید سرانه ناخالص ملی ارتباط مستقیم دارد، هر چند که نحوه مصرف و بکارگیری این درآمد در سطح بهداشت جامعه نیز جای بحث دارد، چرا که بعضی از تحقیقات اخیر نشان می‌دهد بالاترین امید به زندگی در کشورهایی وجود دارد که الزاماً ثروتمندترین کشورها نمی‌باشد، اما اینها کشورهایی هستند که کمترین میزان نابرابری را در درآمدها دارند. به عبارت دیگر عدالت اجتماعی عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در سلامت و بهداشت جامعه می‌باشد.*

د) ** نقش اقتصاد در زندگی فردی: هر چند که انسانها غالباً در تلاش جهت بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خویش می‌باشند اما تحقیقات نشان می‌دهد سطح درآمد فرد علت تعیین‌کننده و نهائی در تصمیم‌گیری جهت مهاجرت نمی‌باشد، ولیکن بهر حال از عواملی است که در این امر نقش بازی می‌کند. میزان درآمد، فواصل درآمدی، هزینه‌های زندگی، مالیاتها، سوبسیدها و... مسائلی است که به سطح زندگی افراد تأثیر گذاشته و بر تصمیم آنان به ماندن در یک کشور و یا ترک آن کشور مؤثر می‌باشد.

۴- عوامل سیاسی

عوامل سیاسی نیز از جمله عواملی است که در مسئله فرار نخبگان دخالت دارد ولیکن میزان تأثیر آن بایستی دقیقاً مشخص و درباره‌اش واقع بینانه قضاوت نمود. بعضی مواقع تصور می‌شود صرف کمبود آزادیهای سیاسی عامل اصلی مهاجرت متخصصان است در حالیکه آمار نشان می‌دهد در بعضی از کشورها از قبیل هندوستان (که میزان دموکراسی در آن از بعضی از کشورهای توسعه یافته هم بیشتر است) فرار مغزها در سالهای اخیر رو به افزایش بوده است و بالعکس در کشوری مانند تونس که آزادی سیاسی در آن به اندازه هند هم نمی‌باشد، اکثریت قریب به اتفاق تحصیلکرده‌گان در خارج از کشور به کشور خود باز می‌گردند و معمولاً در صدد

* «العَدْلُ قَوْمُ الْمَلَكِ»، «النَّاسُ سَوَاءٌ كَآثَانِ الْمُشْتَطِ»: عدل است و دین دو گاهه زیک مادر آمده.

** در متن اصلی بند «ج» رؤیت نشد!!

مهاجرت برنمی‌آیند.

البته عامل سیاسی در بعضی از موارد تأثیر زیادی در خروج نخبگان از کشورها دارد. مثلاً در کشورهای آمریکای جنوبی تزلزل و تغییرات سیاسی سبب خیلی از مهاجرت‌هاست، بطوریکه پس از کودتای ژوئن ۱۹۶۶ در آرژانتین فقط از دانشگاه «بوینس آیرس» صدها نفر از استادان دانشگاه به خارج از کشور عزیمت می‌نمایند و یا در ایران پس از وقوع انقلاب و شروع جنگ تحمیلی روند عزیمت استادان و محققین به خارج از کشور سیر صعودی به خودی می‌گیرد. اگر از چنین مواردی که تاحدی بایستی آنرا استثنایی دانست بگذریم، می‌توان گفت که عامل سیاسی به معنای خاص کلمه یک عامل قطعی در فرار مغزا نامی‌باشد. آنچه بدون شک در این امر مؤثر است شیوه اداری و یا به عبارتی مدیریت است و این نکته است که در امر استفاده صحیح از استعدادها سهم اساسی داشته و در تعیین سرنوشت کشورهای در حال رشد در آینده نقش عمده‌ای خواهد داشت.

راهکارهای کاهش مهاجرت نخبگان و خسارات ناشی از آن:

مسئله فرار مغزا مسئولیت تازه و سنگینی را برای مسئولین و زمامداران کشورهای در حال رشد به میان آورده است، زیرا آنها در مبارزه سهمگینی که با عقب ماندگی، یعنی فقر، جهل، بیماری و نظامهای اجتماعی کهنه، در پیش دارند باید با جاذبه نیرومند کشورهای توسعه یافته، که دانسته و یا ندانسته جذب کننده مغزا هستند، در شرایط نامساوی مقابله کنند و نگذارند که سرمایه‌های مادی و معنوی شان از دست بروند.

نکته قابل توجه این است که در کشورهای در حال توسعه، ضعف ثبات سیاسی و تغییر سریع قوانین و دستورالعملها و تأثیر این تغییرات بر جامعه بخصوص برای اندیشمندانی که با برنامه‌های دقیق، آینده را می‌نگرند، غیرقابل انکار است. در این میان عدم امنیت شغلی و فکری شاید از همه مهمتر باشد. متأسفانه در برخی از موارد برخوردهایی که با اهل فکر و اندیشه صورت می‌گیرد بسیار ناشایست می‌باشد.

هر چند که موضوع مهاجرت نخبگان و متخصصان و یا به عبارتی فرار مغزا مسئله‌ای جدید و تازه نمی‌باشد ولیکن موضوعی جدی، ریشه‌ای و قابل اهمیت و توجه و از طرف دیگر یک ضایعه ملی بخصوص برای کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

مسلماً با این معضل نمی‌توان با یکسری اقدامات سطحی و روبنایی برخورد نمود و در صدد مبارزه با آن و رفع مشکل برآمد بلکه لازمه آن اتخاذ یک استراتژیک استراتژی ملی و همه جانبه بوده و اقدام در این خصوص بایستی به عنوان یک سیاست تدریجی موردن توجه قرار گرفته و بازبینی اصولی در نگرش به نیروی انسانی، سیستم آموزشی، تخصیص اعتبارات تحقیقاتی و... بوجود آید. از مهمترین مسائلی که می‌توان بطور اجمالی به عنوان راهکارهای مبارزه با مهاجرت نخبگان از:

بر شمرد عبارتند از:

- ۱- اتخاذ استراتژی ملی و همه جانبه در سطح کشور
- ۲- تبیین موضوع فرار مغزا و عواقب ناشی از آن برای مسئولین و همچنین آحاد جامعه
- ۳- تلاش همگان به ایجاد ثبات و آرامش لازم جهت اجرای دقیق قوانین و پرداختن جدی به مسائل علمی و تحقیقاتی
- ۴- ارتقاء سطح کیفی دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی و تحقیقاتی
- ۵- تجهیز مراکز علمی به امکانات، وسایل، مواد، منابع اطلاعاتی، کتب مراجع و...
- ۶- تقویت ارتباط با نخبگان و متخصصان ایرانی مقیم در سایر کشورها و استفاده از این سرمایه بزرگ
- ۷- ایجاد تعادل بین تربیت متخصصان و نیازهای کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب
- ۸- تقویت جدی تحقیقات در بخش خصوصی
- ۹- تقویت روحیه وطن‌دوستی، فرهنگ ملی و وابستگی فرهنگی در بین افراد مقیم خارج از کشور
- ۱۰- ترویج روحیه احترام‌گذاری به علم و عالمان در جامعه
- ۱۱- تدوین راهکارهای اجرایی ارتباط بین مراکز علمی و مراکز صنعتی جهت استفاده کاربردی از نتایج تحقیقات علمی در مراکز صنعتی و تولیدی
- ۱۲- بهبود وضعیت معيشی متخصصان و محققین با رعایت استلال و شیونات این قشر
- ۱۳- ایجاد همکاری علمی و وحدت تحقیقاتی در کشور

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهاجرت نخبگان و فرار مغزا مسئله‌ای است که به لحاظ تأثیر مستقیمی که بر رشد و توسعه

کشور از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد، مورد توجه جدی کشورها قرار گرفته است. در واقع می‌توان گفت جنگی غیرمستقیم بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته بر سرنگه‌داری و یا جذب نیروهای متفکر و نخبه دنیا در جریان می‌باشد. کشورهای در حال توسعه در تلاش جهت تربیت و پرورش نیروهای نخبه خود بوده و با صرف سرمایه‌ای هنگفت به این امر می‌پردازنند. در این رهگذر خسارات وارد به کشورهای در حال توسعه امری است غیرقابل انکار و جبران ناپذیر.

مهاجرت نخبگان مسئله‌ای است که با مشکلات علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشوری ارتباط داشته و نمی‌تواند از آن جدا باشد. در نتیجه، مسئله مهاجرت مغزاً پیچیدگی گوناگونی داشته و با رفتار تمامی سازمانها و مراکز یک کشور و همچنین عادات و مسائل فرهنگی - اجتماعی آن کشور مرتبط می‌باشد. این وضع نوعی علامت بیماری است که منشاء آن گذشته فرهنگی دستگاه تربیتی، مشکلات مدیریتی حاکم، عدم رشد علمی مراکز تحقیقاتی، عدم تعادل میان تربیت نیروی متخصص و فرصت‌های شغلی، عقب ماندگی در توسعه فکری و... می‌باشد.

هر کوششی برای نگهداری و یا جذب متخصصان تربیت شده اگر متکی به ضرورت تغییر شرایط مربوطه نباشد تنها به نتایجی موقتی منجر خواهد شد و خطر کاهش ظرفیت آفرینندگی متخصصان مذکور را به بار خواهد آورد و تنها کشوری بر این مشکل فائق خواهد آمد که با بسیج علمی و برنامه‌ریزی همه جانبه در این امر تلاش نماید.

ابعاد و علل مهاجرت از نوع فرار مغزاً در ایران*

مهاجرت از نوع «فرار مغزاً» پدیده‌ای است که نوعاً از قرن بیستم و به دنبال شکوفایی علم و تکنولوژی در غرب ایجاد شد و حالتی است که در آن افراد متخصص در علوم و فنون، نواع، نخبگان و فرهیختگان و افراد باهوش یک کشور به کشور دیگری - عمدهاً از کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه یافته به سمت کشورهای توسعه یافته - مهاجرت و به یک معنی فرار می‌کنند.

* سید محمد عباس زادگان همشهری ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۹

در این نوع مهاجرت عوامل کشش بیشتر از عوامل فشار در امر مهاجرت دخالت دارند. این نوع مهاجرت از زیان‌بارترین نوع مهاجرت است. زیرا علاوه بر به هدر رفتن سرمایه گذاری‌های مادی و انسانی در تعلیم و تربیت مراحل استعمار در کشور مقصد را هم محکمتر می‌کند. مسئله «فرار مغزها» از نظر علوم اجتماعی «ضعف روابط اجتماعی و اصول حاکم بر آن» از نظر علوم اقتصادی «کمبود نیروی انسانی» و از نظر سیاسی «ضعف نظام و تشکیلات سیاسی» و از نظر علوم طبیعی «نقسان بار فرهنگی آموزش» می‌دانند. بنابر این راه مقابله با آن نیز باید همه جانبه و هماهنگ باشد.

الف- اهمیت نیروی انسانی متخصص و ماهر

جامعه ایران اکنون نشانه‌هایی از نگرانی در باره مغزهای اندیشمند و متخصص که جذب جوامع غرب شده‌اند از خود بروز می‌دهد. حتی قشر شکاک و بدین به «متخصص» نیز پذیرفته است که توسعه جامعه بدون وجود متخصصان مردمی و ملی امری معحال است. واقعیت این است که نیروی انسانی بویژه نیروی متخصص و ماهر در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند. وجود نیروی انسانی متخصص و ماهر است که سرمایه مادی را بکار می‌گیرد. اهمیت نیروی انسانی تا بدان حد است، که نظریه پردازان آن را به منزله ثروت اصلی یک جامعه دانسته‌اند که توانمندی آن آهنگ و قابلیت توسعه جامعه را تعیین می‌کند. چراکه کمبود یا فقدان آن موجب «عقب ماندگی» جامعه می‌شود.

حال که جامعه ایران در جهت مرمت، بازسازی و برتر از همه، توسعه گام برمی‌دارد، شدیداً نیاز به نیروی متخصص دارد. به عبارت دیگر تا زمانیکه سرمایه‌های انسانی متخصص و ماهر با مایه‌های «توسعه یافتنگی» بوجود نیایند و تا «انسانهای توسعه یافته» امور روند توسعه را در دست نگیرند، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند به سادگی و با موفقیت مسیر عادی خود را در پیش گیرد.

ب) شیوه‌های جبران کمبود نیروهای انسانی

۱) آموزش و تربیت متخصصین مورد نیاز در داخل کشور و در دانشگاه‌های داخل

۲) اعزام دانشجو به خارج از کشور و تحصیل در زمینه‌های مورد نیاز جامعه

۳) استخدام متخصصین خارجی

۴) جذب و حفظ متخصصین ایرانی (چه در داخل و چه در خارج کشور)

آنچه به نظر معقول می‌رسد، ترکیب طریق اول با طریق چهارم است. یعنی آموزش تخصصهای مورد نیاز در داخل کشور و باکمک متخصصان ایرانی بنابر این آنچه در این مرحله ضرورت می‌یابد، طرح «برنامه جذب» منطقی برای دعوت از متخصصان ایرانی داخل و خارج کشور است.

ج) پدیده مهاجرت متخصصان

جامعه‌شناسان و نیز اقتصاددانان معمولاً در تبیین پدیده مهاجرت از عوامل «دافعه داخلی»، «جادبه خارجی» استفاده می‌کنند و معتقدند که افراد غالباً تحت تأثیر عوامل جذب کننده نقاط مهاجرپذیر (مقصد) و عوامل دفع کننده نقاط مهاجر فرست (مبدأ) اقدام به مهاجرت می‌کند طبق این نظریه میان مقصد و مبدأ تفاوت‌های فاحشی در سطوح و بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی وجود دارد که عامل عمدۀ در مهاجرت افراد به آن نقاط است باید توجه داشت که کنترل نیروی انسانی متخصص سطح بالاکه در داخل کشور تحصیل کرده‌اند، موضوعی بسیار حساس است کنترل مهاجرت، بالقوه، نقص حقوق بشر و آزادی انتخاب محل کار فرد است و لذا به سادگی قابل اجرا نیست.

د) مهاجرت متخصصان ایرانی پس از انقلاب اسلامی

تغییر و تحولاتی که پس از انقلاب اسلامی در جامعه رخ داد سبب شتاب گرفتن مهاجرت متخصصان به خارج از ایران شد. علاوه بر «عوامل دافعه و جاذبه» عوامل دیگری که خاص جامعه ایران انقلابی بود و در دوره‌های معینی بروز کرد، فرار مغزاها را تسريع کرد. شتاب مهاجرت متخصصان از اواخر دهه ۱۳۵۰ تاریخ سوم دهه ۱۳۶۰ در چهار مرحله انجام گرفته است.

مرحله اول: در آستانه انقلاب، یعنی ماههای پیش از بهمن ۱۳۵۷ قشر وسیعی از متخصصین مسن شاغل در نهادهای دولتی که تجربه مطالعاتی انقلاب‌های دنیا به ویژه انقلاب شوروی را داشتند با برنامه ریزی قبلی راهی دیار فرنگ شدند و به جهت دارا بودن تجربه، مهارت و اشتهرار به آسانی جذب جامعه میزبان شدند.

مرحله دوم: در ماههای اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر نا آرامیهای خیابانی گروهی از ترس و وحشت با عجله و بدون برنامه ریزی قبلی ایران را ترک کردند. اینان نیز به سادگی گروه اول، اما در مدت کوتاهی جذب جامعه میزبان شدند.

مرحله سوم: در این مرحله دو عامل پشت سرهم موجب شدت گرفتن مهاجرت متخصصان به خارج از کشور شد. عامل اول بسته شدن دانشگاهها و عامل دوم آغاز جنگ تحمیلی است. عامل اول سبب شد تا متخصصان جوانی که در اوایل انقلاب با اشتیاق فراوان به ایران برگشته بودند به کشور محل تحصیل خود بازگردند و عامل دوم موجب مهاجرت اقشار مختلف از جمله متخصصان به ویژه پزشکان و نیز متخصصان بالقوه یعنی جوانانی که به سن خدمت نظام رسیده بودند، این عده برای گریز از خدمت نظام به طرق مختلف از کشور خارج و در کشورهای اروپایی به تحصیل پرداختند.

نکته مهم آن است که اگر برنامه ریزی صحیح و براساس اصول علمی و دور از تعصب صورت گیرد به احتمال زیاد موفق به جذب بخش وسیعی از افراد و نیز دوگروه مذکور خواهیم شد. چراکه آنان نه به میل خود بلکه تحت فشار سیاسی، جو حاکم بر کشور (جنگ)، بمباران شهرها، سربازگیری و عواملی نظیر آن) مجبور به مهاجرت گردیدند. اکنون این عوامل ازین رفته و با برنامه ریزی صحیح می‌توان آنان را به مملکت بازگرداند. برخی از آمارها، کل مهاجران ایرانی در سالهای ۱۳۵۷-۶۰ ۱۴۰ میلیون نفر تخمین می‌زنند مقصد مهاجرت این افراد (که ۹۰ درصد آنها راهی اروپا و آمریکا شدند) سطح در آمد، طبقه و تحصیلات آنان را کم و بیش روشن می‌سازد. این در حالی است که در همین زمان ایران میزان ۲/۵ میلیون پناهنده از افغانستان (و بعدها عراق و آسیای میانه) شد که ۹۵ درصد آنان تخصص نداشته و به کار غیر مولد استغال داشتند. نشریه مهاجرین که در اسکاندیناوی منتشر می‌شود در تحقیقی پیرامون ایرانیان مهاجر آنها را به پنج گروه تقسیم می‌کند که عبارتند از: مغزهای علمی (پزشکان، استادان دانشگاهها، روشنفکران و...)، بازرگانان، صاحبان مشاغل مهم در رژیم سابق، سیاسیون و افراد عادی (شامل خانواده‌های هر کدام از چهار گروه مذکور).

طبق تحقیقی که بواسیله یکی از کارشناسان مؤسسه کارآموزی و تحقیق سازمان ملل متعدد به عمل آمده، شمار مهندسین ایرانی، چینی و کره‌ای که در رشته‌های جدید فارغ التحصیل شده و در آمریکا به سر می‌برند از عدده همکارانشان در کشورهای اصلی بیشتر است.

ه) عوامل اقتصادی در مهاجرت متخصصان

- ۱- عوامل اقتصادی: نابرابری دستمزدها، درآمدها و امکانات نسبی تحصیل در آمد بیشتر، سبب گریز نیروی انسانی ماهر از کشورهای توسعه نیافته و جذب آنان به کشورهای پیشرفته

صنعتی می‌گردد.

- ۲- عوامل اجتماعی: همانطور که بین دستمزدها و درآمدهای مبدأ و مقصد تفاوت‌های فاحشی وجود دارد، به همان نسبت نیز نابرابری‌های زیادی در امکانات اجتماعی، از جمله امکانات رفاهی، بهداشتی و تفریحی وجود دارد که سبب جذب نیروهای متخصص می‌گردد.
- ۳- عوامل فرهنگی و علمی: تفاوت‌های نظام آموزشی، امکانات پژوهشی و تحقیقی و مطالعات علمی و نیز تسهیلات فراوان در دسترسی به ابزار، تکنیک علمی و نیز تسهیلات فراوان در دسترسی به ابزار، تکنیک و کتب علمی، خود می‌توانند موجب جذب متخصصانی که اشتیاق بسیار به پژوهش‌های علمی دارند، گردند.

نتیجه گیری

در این برهه از زمان آنچه بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند، وجود متخصصان در زمینه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

چرا که اکنون ایران در مراحل اجرای برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود متوجه کمبودهای «نیروهای متخصص» شده و مسئله «فرار مغزا» را به طور جدی دنبال می‌کند. اگر چه «دفتر جذب» تسهیلات و امکاناتی را برای بازگرداندن افراد متخصص به میهن طرح ریزی کرده، اما اولاً اعطای امتیازهای ویژه به متخصصان خارج از کشور موجب نارضایتی متخصصین داخلی می‌شود که ضرر شکمتر از فرار مغزا نیست. ثانیاً چنین برنامه‌ای در بطن خود دارای نشانه‌های تعیض کارایی داشت، تا به حال باید بخش وسیعی از آنان به ایران باز می‌گشتند، در حالی که واقعیت غیر از این است. واقعیت آن است که عوامل و انگیزه‌های مادی یا شغلی نبوده، بلکه عوامل دیگری نظیر عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز بوده، که در «برنامه جذب» نسبت به این عوامل توجه لازم مبذول نشده است.

لذا ابتدا بایستی اطلاعات و آمار قابل اطمینانی درباره متخصص‌های مورد نیاز در بخشها و زمینه‌های مختلف و نیز متخصصان موجود و مشغول به کار، با تفکیک تخصص‌ها و مهارت‌ها جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌شود. آنگاه با دیدی روشن و با توجه به رابطه متعادل عرضه و تقاضای نیروی انسانی جزئیات «برنامه جذب» را طراحی کرد. تا زمانی که دولت موفق به جذب و حفظ متخصصان داخلی نشود و تا زمانی که هر یک از متخصصان در زمینه تخصصی خود مشغول بکار نشوند جذب متخصصان خارج از کشور کار چندان آسانی نخواهد بود.

روزنامه امریکایی کریستین ساینس مانیتور:
رونده مهاجرت معکوس ایرانیان مقیم خارج آغاز شد*
ایرانیان مقیم امریکا در جستجوی هویت خویش به سرزمین اجدادی باز می‌گردند

انسان در زندگی نیاز به آرامش روحی دارد، این آرامش در ایران دست یافتنی است، اما در امریکا خیلی‌ها بدان نمی‌رسند، چون همه چیز حول و حوش مادیات دور می‌زند.

«محمد بهره‌ور»، یکی از ایرانیهایی که اخیراً از امریکا به ایران بازگشته است، درگفت و گو با روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» علت بازگشت خود به ایران را این‌گونه عنوان کرد: چندی است روند بازگشت ایرانیان مقیم خارج به ویژه از امریکا به کشور آغاز شده است و چشم پوشی بسیاری از ایرانیهای مقیم امریکا از امکانات مادی و موقعیتها مطلوب شغلی موضوع گزارشی است که اخیراً در روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» به چاپ رسیده است. تحلیلگر این روزنامه «اسکات پیترسن» در این گزارش نوشته است: ایرانیان مقیم خارج گروه گروه برای جستجوی هویت خویش به سرزمین اجدادیشان باز می‌گردند.

«پیترسن» در گزارش خود که با عنوان «ریشه‌یابی به طریق پارسی» به چاپ رسیده با تنبیه چند از ایرانیان دارای موقعیتها مناسب و مطلوب در امریکا گفت و گو کرده است. یکی از آنها «کامبیز میرآبادی»، متخصص نرم‌افزار در امریکاست که پس از ۲۰ سال زندگی در «لس آنجلس» از شغل و موقعیت دلخواه خود صرف نظر کرده و به ایران بازگشته است. وی به همراه دو ایرانی دیگر که آنان نیز اخیراً به کشور بازگشته‌اند، پنجمین شرکت بزرگ «ایترنوت» را در ایران دایر کرده‌اند. میرآبادی به خبرنگار «کریستین ساینس مانیتور» گفت: بسیاری از ایرانیان مقیم امریکا، تصورات غلطی از ایران کنونی دارند، آنها فکر می‌کنند اگر به ایران بازگردند در همان فرودگاه مورد آزار قرار می‌گیرند. در حالی که این درست نیست و ما داریم سعی می‌کنیم ذهن آنها را از این‌گونه افکار، پاک سازیم.

میرآبادی می‌افزاید، در امریکا، ما برای زندگی در حال دوندگی بودیم، اما این جا مسائل دیگری مطرحند. ما باید به بزرگترها، به مسائل دینی و خانوادگی و... توجه کنیم. در ایران وقت بیشتری در اختیار داریم. ما دارای ریشه عمیق و فرهنگی غنی هستیم. در منزل ما به روی همه باز

است. در ایران مسایل ظریف فرهنگی دیگری نیز وجود دارد که اگر کسی مفهوم آن را باز یابد، مسلماً به ایران بازخواهد گشت.

این متخصص ایرانی با اشاره به ابعاد فرهنگ ایرانی می‌گوید، در امریکا خیلی زود می‌توان به یک شهروند متوسط تبدیل شد، اما در ایران می‌شود با فرهنگ ملی خود ارتباط برقرار کرد؛ فرهنگی که ارزش آن از هر مدرک دکترایی بیشتر است.

«پیترسن» درادامه گزارش خود به مورد دیگری به نام «شهرام جودیری» فرزند یک تاجر ایرانی اشاره می‌کند که پنج سال قبل زندگی لوکس و دلخواه خود را در «سن دیه گو» رها کرد و به ایران بازگشت. وی به خاطر تسلط به زبانهای خارجی شغلی مناسب در یکی از شرکتهای پدرس انتخاب کرده است. شهرام از زندگی در ایران ابراز رضایت و خوشحالی می‌کند. او تأکید می‌کند که برای همیشه در ایران خواهد ماند؛ زیرا از زندگی ماشینی در امریکا بیزار است.

تحلیلگر آمریکایی «کریستین ساینس مانیتور» سپس به گفت و گو با «مجید امامی» فارغ‌التحصیل از دانشگاه «یو. سی. ال. ای» امریکا می‌نشیند.

«امامی» تا چندی قبل در شمار ثرومیندان «بورلی هلیز» به شمار می‌رفت و به گفته وی زندگی‌ش در خواب و خیال می‌گذشت، تاروزی پدرس به او گفت: تو در ایران فرصت‌های طلای در اختیار داری، چرا از آنها استفاده نمی‌کنی؟

مجید، در بد و ورود به ایران با شوک فرهنگی روبرو شد. او که فارغ‌التحصیل رشته تاریخ است و مطالعات زیادی در زمینه اسلام و امپراتوری عثمانی دارد، اما به سختی قادر به صحبت به زبان فارسی است، می‌افزاید: تبلیغات ضد ایرانی در امریکا به حدی گسترده و عمیق بود که وقتی امریکا را ترک کردم و به ایران آمدم، از دیدن نام ایران روی بدنه هواییما حالت خوشایندی احساس کردم و این احساسات به ماندن من در ایران کمک کرد. وی اینک یکی از شرکای شرکت بزرگ خدمات اینترنتی است.

«داریوش انوری» نیز که بعداز ۱۷ سال زندگی در امریکا، ۹ سال است به کشور بازگشته است، از مصاحبه‌شوندگان این روزنامه امریکایی است. داریوش درخصوص علت بازگشتش به ایران گفت: سه سال به عنوان یک کارشناس اینمنی در سیستمهای «سفینه‌های فضایی» کار می‌کردم. داریوش افزود: طرحهای پوشالی تجدد طلبی و ناسیونالیسم شاه، فرهنگ تاریخی ما را نفی می‌کرد. اکنون من در سایه فرهنگی زندگی می‌کنم که اصالت دارد. تمدن را از چه راه دیگری می‌توان به این خوبی احساس کرد؟!

تفسیرالایات

هرگز دل من زعلم محروم نشد
واکنون که به چشم عقل در می‌نگرم
کم ماند زاسرار که مفهوم نشد
معلوم شد که هیچ معلوم نشد
«خیام»

بیت اول:

دل من: کسی که در مدارس غیرانتفاعی درس خوانده است.
زعلم محروم نشد: از تمام امکانات علمی مثل «نمره بیست» و «مهر صد آفرین» و «لوح زرین»!
استفاده کردم.
اسرار: رموز، اینجا در مقام استعاره و به معنی پاسخ به سؤال‌های چهارگزینه‌ای و کنکوری
است.

مفهوم کلی بیت اول: چون بابا و مامان بنده خیلی دلشان می‌خواست دکتر شوم، مرادر دبستان
و راهنمایی و دبیرستان غیر انتفاعی ثبت نام کردند که آنجا خیلی چیزها یاد گرفتم.

بیت دوم:

اکنون: زمانی که کارنامه را دادند
به چشم عقل در می‌نگرم؛ دقت می‌کنم و به گذشته می‌نگرم. (این که بعضی از مفسران گفتند:
از زور ییکاری به در (و دیوار) می‌نگرم، صحیح نیست. اگر چه با چشم عقل جور در می‌آید!
صرع چهارم: فهمیدم که هیچ چیز نفهمیده‌ام (و این داشت بزرگی است).
مفهوم کلی بیت دوم: پس از دپلم گرفتن و شرکت در کنکور (که قبل از تولد چهل هزار واندی را
دیدم... فهمیدم که «نمره‌های بیست» و «مهر صد آفرین» و دیگر امکانات و جزوای را که خرج کردند به
هیچ ثمری نداشت و من، ول معطل بوده‌ام. اگر بابا و مامان آن پول‌هایی را که خرج کردند به
خودم می‌دادند تا سرمایه بکنم، حالا چند تا ساختمان خودم را به همین مدارس غیرانتفاعی
اجاره داده و از مال الاجاره آن خرج کلاس‌های کنکور و تقویتی بچه‌هایم را می‌دادم!

پنتاكون

بررسی نتایج مراحل اول و دوم و کشوری پنج المپیاد فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر و زیست برگزار شده در سال ۷۷-۷۸ برای المپیادهای جهانی در سال ۱۳۷۹
جواد اژه‌ای

اشاره:

وضعیت داوطلبان چهار المپیاد «ریاضی»، «فیزیک»، «کامپیوتر» و «شیمی» در مراحل اول و دوم و کشوری و ادامه این بررسی به صورت یک مطالعه تطبیقی در چند سال، می‌تواند عوامل مختلفی را شناسایی و مورد توجه قرار دهد.
هر چند در سال ۱۳۷۸ پنج تیم از ایران در سطح جهانی با هم به رقابت پرداختند ولی «المپیاد زیست» بخاطر حضور شتابزده‌اش مرحله دوم نداشت و برای سال ۱۳۷۹ نیز مستقیماً جهت مرحله کشوری، افراد گزینش شدند. باتوجه به بررسی آماری تحلیلی، نتایج سال قبل، این بار نیز از زاویه‌ای دیگر، نتایج بررسی می‌شود.

○ ○ ○

- در چهار المپیاد ریاضی، کامپیوتر، فیزیک و شیمی از کل ۱۴۳۲ داوطلبان در مرحله اول ۳۵۷۱ نفر قبول شدند. در حالیکه کل داوطلبان سمپاد ۷۶۴۶ نفر (حدود ۷/۵۴ درصد) را تشکیل می‌دادند، از سمپاد ۱۶۰۵ نفر که ۵۰۶ نفر آنها دختر بودند یعنی معادل ۴۴/۹ درصد پذیرفته شدند، در این مرحله وضعیت داوطلبان دختر سمپاد به کل داوطلبان (۵۹۵۸۲ نفر) از نظر تعداد ۳۵۶۴ نفر یعنی معادل ۵/۹۸ درصد داوطلبان دختر بود. در مرحله اول پذیرفته شدگان دختران سمپاد ۴۶/۶ درصد را دربرگرفت و بطور کلی ۷۴ مرکز سمپاد قبولی داشتند که بیشترین قبولی‌ها را

علامه حلی تهران (۱۹۲ نفر)، شهید اژه‌ای اصفهان (۱۰۷ نفر)، فرزانگان تهران (۸۰ نفر)، و شهید سلطانی کرج (۷۴ نفر) داشتند. (جدول ۱)

○ در مرحله دوم از بین ۳۵۷۱ نفر گزینش شدند که با اعلام نتایج نهایی پنج المپیاد از بین ۲۰۴ دانش آموز راه یافته به مرحله کشوری و در مجموع از ۳۶ طلایی این آوردگاه ملی، ۲۷ نفر (۷۵ درصد) از ۱۳ مرکز: «شهید بهشتی بابل»، «شهید اژه‌ای اصفهان»، «میرزا کوچک خان رشت»، «علامه حلی و فرزانگان کرمان»، «شهید دستغیب شیراز»، «علامه حلی و فرزانگان تهران»، «شهید بهشتی زاهدان»، «شهید مدنی تبریز»، «شهید بهشتی اهواز»، «شهید بهشتی ساری» و «فرزانگان مشهد» بودند. (جدول ۲)

جدول ۱ - راه یافتنگان مرحله اول کشوری از مراکز سمپاد به چهار المپیاد فیزیک، شیمی، ریاضی، کامپیوتر برای سال ۱۳۷۹
(تفاوت اعداد مقابله مراکز براساس اشتباه در شمارش می‌تواند باشد ولی جمع کلی مبنای محاسبه است)

مراکز دخترانه				مراکز پسرانه			
تعداد	شهر	تعداد	شهر	تعداد	شهر	تعداد	شهر
۱۹	فرزانگان همدان	۸۰	فرزانگان تهران	۱۸	علامه حلی همدان	۱۹۲	علامه حلی تهران
۳۴	فرزانگان مشهد	۱۵	فرزانگان کرمان	۵۷	شهید هاشمی نژاد مشهد	۲۶	علامه حلی کرمان
۲۷	فرزانگان بیزد	۴۷	فرزانگان امن اصفهان	۲۷	شهید صدقی بیزد	۱۰۷	شهید اژه‌ای اصفهان
۱۰	فرزانگان اراک	۱۷	فرزانگان تبریز	۴۷	شهید مدنی تبریز	۱۷	علامه حلی اراک
۱۲	فرزانگان رشت	۸	زینب(س) شهری	۲۵	میرزا کوچک خان رشت	۳۳	شهید بهشتی شهری
۷	فرزانگان زنجان	۷	فرزانگان اهواز	۲۱	شهید بهشتی زنجان	۲۳	شهید بهشتی اهواز
۲۲	فرزانگان قزوین	۱۴	فرزانگان شیراز	۳۴	شهید دستغیب شیراز	۱۹	شهید بابایی قزوین
۳۴	فرزانگان ارومیه	۲۲	فرزانگان کرج	۷۴	شهید سلطانی کرج	۳۶	شهید بهشتی ارومیه
۲	فرزانگان بذر عباس	۱۵	فرزانگان قم	۱۴	شهید قدوسی قم	۳۶	شهید قدوسی قم
۶	فرزانگان دزفول	۱۱	فرزانگان کرمانشاه	۱۱	شهید بهشتی کرمانشاه	۱۸	شهید بهشتی کرمانشاه
۱۷	فرزانگان ساری	۳	فرزانگان شهرکرد	۴۶	شهید بهشتی ساری	۱۹	شهید بهشتی شهرکرد
۱۷	فرزانگان بابل	۱۰	فرزانگان قائم شهر	۲۵	شهید بهشتی بابل	۱۹	شهید بهشتی قائم شهر
۱	فرزانگان خرم آباد	۰	فرزانگان بیرجند	۴	شهید بهشتی خرم آباد	۱۰	شهید بهشتی بیرجند
۹	فرزانگان شاهروod	۵	فرزانگان سمنان	۱۶	شهید بهشتی شاهروod	۱۲	شهید بهشتی سمنان
۱۲	فرزانگان آبادان	۲	فرزانگان اسلام شهر	۳	شهید رجایی اسلام شهر	۳	شهید بهشتی آبادان
۱	فرزانگان لار	۱	فرزانگان زاهدان	۷	شهید بهشتی لار	۱۶	شهید بهشتی زاهدان
۲	فرزانگان سنتوج	۴	فرزانگان بجنورد	۱۴	شهید بهشتی سنتوج	۱۱	شهید بهشتی بجنورد
۶	فرزانگان سبزوار	۱۰	فرزانگان بروجرد	۱۳	شهید بهشتی سبزوار	۱۴	شهید بهشتی بروجرد
	فرزانگان نیشابور	۲				۸	شهید بهشتی نیشابور
۵۰۶	قبول شدگان سمپاد (دختر)		قبول شدگان سمپاد (پسر)	۱۱۰۰			
۱۰۸۶	کل قبول شدگان ایران (دختر)		کل قبول شدگان ایران (پسر)	۲۴۸۵			

○ در دو المپیاد ریاضی و کامپیوتر که دانش آموزان پایه دوم دبیرستان با سال سومی ها به رقابت می پردازند ۷ نفر در ریاضی و ۸ نفر در کامپیوتر به مرحله کشوری راه یافتند. از این عده ۱۳ نفر از مراکز سمپاد بودند که «محمد هادی فروغمند اعرابی» و «محمد محمودی» از علامه حلی تهران موفق به کسب طلای کشوری کامپیوتر گردیدند. علامه حلی تهران در سال قبل هم دو نفر از سال دوم دبیرستانی هایش (سید امید اعتصامی) در کامپیوتر و (علی شوریده) در ریاضی بهمراه «سید بهداد اسفهند» از شهید بهشتی ساری جزء تیمهای ملی بودند.

جدول ۲- کلیه شرکت کنندگان در پنج المپیاد به تفکیک جنس همراه با پذیرفته شدگان سمپاد در هر مرحله

المپیاد	جنس	کل	داوطلبان	سمیاد	درصد	پذیرفته شده	سمیاد	درصد	پذیرفته شده	سمیاد	مرحله دوم	پذیرفته شده	سمیاد	درصد	پذیرفته شده	سمیاد	مرحله اول	پذیرفته شده	سمیاد	درصد	پذیرفته شده	سمیاد	مرحله دوم	پذیرفته شده	سمیاد	درصد	
شیمی	پسر	۳۷۸۰																									
	دختر	۷۴۲۴																									
	کل	۱۱۲۰۴																									
فیزیک	پسر	۶۳۲۱																									
	دختر	۷۳۱۵																									
	کل	۱۳۶۳۶																									
ریاضی	پسر	۲۱۷۷۴																									
	دختر	۲۸۱۱۵																									
	کل	۴۹۸۸۹																									
کامپیوتر	پسر	۶۸۹۹																									
	دختر	۷۷۶۸																									
	کل	۱۴۶۶۷																									
زیست‌شناسی	پسر	۱۴۹۵																									
	دختر	۸۹۵۰																									
	کل	۱۰۴۴۵																									
جمع پنج المپیاد	پسر	۴۰۲۶۹																									
	دختر	۵۹۵۷۲																									
	کل	۹۹۸۴۱																									

○ در حالیکه در سال قبل تنها یک دختر از فرزانگان امین موفق به کسب مدال طلای کشوری شده بود. امسال در ریاضی «هدی بیدخوری» و «مریم سعیدی» از فرزانگان مشهد و «زکیه واحدیان» در شیمی از فرزانگان کرمان، «مهندیه باقر شیرازی» و «سرمه شادیخت» در فیزیک هر دو از فرزانگان تهران و «نگار فرامرزی» در المپیاد زیست از ابو ریحان تهران ۶ نفر طلایی در بین ۳۶ نفر طلایی پنج المپیاد هستند.

جدول ۳- نتایج کشوری مراکز سپیداد در پنج المپیاد برای سال ۱۳۷۹

جمع کشوری	زیست شناسی		شیمی		کامپیوتر		فیزیک		ریاضی		مرکز آموزشی	شهر
	نقره	برنز	نقره	برنز	نقره	برنز	نقره	برنز	نقره	برنز		
۲۶	۱	۲	۱	۳	۱	۲	۴	۳	۳	۲	۳	علماء حلبی
۱۴	۱	۳	۱	۳	۲	۱			۲	۱		تهران فرزانگان
۳					۱					۲		همدان فرزانگان
۲							۱			۱		کرمان فرزانگان
۱			۱									اصفهان فرزانگان امین
۱۱			۱	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۱	شهید ازهادی
۵		۲	۱		۱		۱					مشهد فرزانگان
۳		۱	۱					۱				تبریز شهید مدنی
۱		۱										فرزانگان
۵		۲			۱		۱			۱		مشهد شهید هاشمی نژاد
۶							۱			۱	۲	فرزانگان
۴					۱	۱	۱					یزد شهید صدقی
۵					۱		۱		۱	۲		شهر روری شهید بهشتی
۱		۱										قم زینب (س)
۱								۱				شهید قدوسی
۱							۱					فرزانگان
۲			۱						۱			رشت میرزا کوچک خان
۱	۱											فرزانگان
۳	۱				۱		۱					ارومیه شهید بهشتی
۸				۱	۱	۳	۱			۱	۱	کرج شهید سلطانی
۳	۱		۱					۱				فرزانگان
۴	۱	۱	۱			۱				۱		قزوین شهید بابایی
۱											۱	اهواز شهید بهشتی
۱			۱									فرزانگان
۱					۱							زنjan شهید بهشتی
۶	۱	۲	۱					۲				شیراز شهید دستغیب
۲							۱			۱		شهرکرد شهید بهشتی
۲						۱						دزفول فرزانگان
۶				۱	۱	۱	۱	۱			۱	ساری شهید بهشتی
۲	۱	۱										فرزانگان
۱									۱			قائمشهر شهید بهشتی
۲					۱				۱			بابل فرزانگان
۱		۱										
۱					۱							شاهزاد شهید بهشتی
۱							۱					فرزانگان
۱								۱				شاهزاد شهید بهشتی
۱									۱			سبزوار شهید بهشتی
۱												تیزابور شهید بهشتی
۱۳۹	۷	۱۰	۲	۱۳	۱۱	۴	۹	۱۴	۶	۱۴	۱۰	جمع مدارالهای سپاهاد
۶۵	۱۱	۱	۴	۹	۳	۲	۲	—	۲	۸	۷	جمع مدارالهای مدارس دیگر
۲۰۴	۱۸	۱۱	۶	۲۲	۱۴	۶	۱۱	۱۴	۸	۲۲	۱۷	جمع کل مدارالها

○ جدول ۳ این گزارش راه یافته‌گان مرحله اول کشوری از مرکز سپاد را در پنج المپیاد برای سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد، همانطور که این جدول بیانگر است از ۲۰۴ نفر که در پنج المپیاد موفق به کسب مدال شده‌اند ۱۳۹ مدال به ۳۶ مرکز سپاد تعلق گرفته است که از این تعداد ۱۵ مرکز دخترانه هستند، در ضمن ۶۵ مدال کشوری دیگر کل مدارس ایران اعم از غیر انتفاعی، نمونه دولتی، شاهد و دولتی کسب کردند.

○ جدول ۴ وضعیت کلیه داوطلبان به تفکیک جنس، سپادی بودن و غیر سپادی را در مرحله اول، دوم، مرحله کشوری و برگزیدگان تیم ملی نشان می‌دهد.

○ همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود از ۱۰۱۴۳۲ نفر داوطلب فقط ۷۶۴۶ نفر (حدود ۵/۷ درصد) را داوطلبان سپاد تشکیل می‌دهند. همینطور بیش از ۵۸ درصد داوطلبان در کل پنج المپیاد دختران هستند (۵۹۵۸۲) که داوطلبان دختر سپاد (۳۵۶۳) نسبت به کل دختران درصد بسیار کمتری را نشان می‌دهند. داوطلبان دختر سپاد نسبت به کل داوطلبان سپاد ۴۶/۶ درصد هستند.

جدول ۴ - وضعیت کلیه داوطلبان به تفکیک المپیاد در مراحل اول، دوم، کشوری و تیم ملی

در مقایسه با «سپاد» برای سال ۱۳۷۹

جمع		زیست‌شناسی		فیزیک		شیمی		کامپیوتر		ریاضی		المپیاد	مرحله
دختر	کل	دختر	کل	دختر	کل	دختر	کل	دختر	کل	دختر	کل		
۵۹۵۸۲	۱۰۱۴۳۲	۸۹۵۰	۱۰۴۴۵	۷۳۱۵	۱۳۶۳۶	۷۲۳۴	۱۱۲۴	۷۷۶۸	۱۴۹۱۷	۲۸۱۱۵	۵۱۲۳۰	کل	داوطلب
۳۵۶۳	۷۶۴۶	۴۱۶	۵۴۲	۴۱۳	۱۰۶۰	۴۹۸	۹۵۴	۹۱۸	۲۱۴۹	۱۲۱۹	۲۹۴۵	سپاد	
۱۰۸۶	۳۵۷۳	-	-	۱۹۰	۸۹۵	۲۶۵	۶۰۲	۲۷۵	۹۹۲	۳۵۶	۱۰۳۴	کل	مرحله اول
۵۰۶	۱۶۰۵	-	-	۸۴	۳۶۳	۱۴۲	۲۹۶	۱۶۸	۵۶۲	۱۱۲	۳۸۴	سپاد	
۴۵	۲۰۰	۱۶	۳۵	۹	۴۶	۱۳	۴۲	۷	۳۱	۰	۴۶	کل	مرحله دوم
۴۱	۱۳۹	۹	۲۰	۷	۳۴	۱۳	۲۸	۷	۲۷	۵	۳۰	سپاد	
۶	۲۵	۱	۶	۲	۷	۱	۶	-	۷	۲	۹	کل	مرحله کشوری
۵	۲۶	-	۲	۲	۷	۱	۴	-	۵	۲	۸	سپاد	
۳	۲۲	۱	۴		۵	۱	۴		۴	-	۶	کل	تیم ملی
۲	۱۹	-	۲	۱	۵	۱	۳	-	۴	-	۵	سپاد	

○ در المپیاد شیمی ۸/۶۵ درصد داوطلبان در بین ۱۱۲۰۴ نفر، سمتاپادی هستند (۹۵۴) که از این تعداد ۴۵۶ نفر پسر و ۴۹۸ نفر دختر می‌باشند در مرحله دوم از ۴۲ نفر برگزیده ۱۳ دختر (همگی از سمتاپاد) و بقیه پسر بوده‌اند. سهم سمتاپاد در جمع در این مرحله ۲۸ نفر می‌باشد. در مرحله کشوری از ۶ نفر یک دانش‌آموز دختر «زکیه واحدیان اردکانی» از «فرزانگان کرمان» حضور دارد که جزء چهار نفر تیم ملی نیز انتخاب شده است. کل اعضاء تیم شیمی ایران سمتاپادی هستند. (جدول ۵ و نمودار ۱)

نمودار ۱ - درصد داوطلبان المپیاد شیمی تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمتاپاد و غیر سمتاپاد

○ در «المپیاد فیزیک» ۷/۷۷ درصد کل داوطلبان را سمتاپادیها تشکیل می‌دادند (۱۰۶۰ نفر از ۱۳۶۳۶ داوطلب) که در مرحله اول ۳۶۳ نفر (۴۰/۵۶ درصد پذیرفته شدگان) از سمتاپاد بود و در مرحله دوم ۶۷/۳۹ درصد (۳۱ نفر از ۴۶ نفر) (جدول ۲ و نمودار ۲) در مرحله کشوری صدرصد طلای کشوری نصیب علامه حلی و فرزانگان تهران، شهید بهشتی زاهدان، شهید اژه‌ای اصفهان و شهید مدنی تبریز گردید. در این المپیاد از دو فرزانگان تهرانی مهدیه باقر شمیرانی جز تیم ملی گردید. (جدول ۵)

جدول - ۵ - اسامی برندهای مدار طلای کشوری در پنج المپیاد و همینطور اعضاء تیمهای ملی برای سال ۱۳۷۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	مرکز	پایه	المپیاد
۱	سلمان ابوالفتح بیگی	اهواز	شهید بهشتی	سوم	○
۲	امین امینزاده گوهری	کرمان	علامه حلی	سوم	○
۳	آرش امینی	تهران	علامه حلی	سوم	○
۴	علی بابایی	سااری	شهید بهشتی	سوم	○
۵	هدی بیدخوری	مشهد	فرزانگان	سوم	○
۶	مریم سعیدی	مشهد	فرزانگان	سوم	○
۷	علی شوریده	تهران	علامه حلی	سوم	○
۸	سیدعلی مدنی زاده	تهران	نیکان	سوم	○
۹	داود وکیلی علوی‌حجه	تهران	علامه حلی	سوم	○
۱۰	سیدبهداد اسفهند	سااری	شهید بهشتی	سوم	○
۱۱	سیدامید اعتمادی	تهران	علامه حلی	سوم	○
۱۲	سیامک تزری	تهران	علامه امینی	سوم	○
۱۳	علی شریفی زارچی	بزد	شهید صدوقي	سوم	○
۱۴	امید علمدار میلانی	تهران	امام صادق(ع)	سوم	○
۱۵	محمد‌هادی فروغمند اعرابی	تهران	علامه حلی	دوم	○
۱۶	محمد محمودی	تهران	علامه حلی	دوم	○
۱۷	حمید مهینی	کرج	شهید سلطانی	سوم	○
۱۸	سروش البرزی	شیراز	شهید دستغیب	-	○
۱۹	رضا بهروزی	شیراز	شهید دستغیب	-	○
۲۰	امین جهانبخشی	کوثر	تهران	-	○
۲۱	نگار فرامرزی	تهران	ابوریحان	-	○
۲۲	طاما قلی‌پور	تهران	رشد جوان	-	○
۲۳	علی مجتهد	تهران	شهید داش	-	○
۲۴	احسان اردستانی زاده	تهران	علامه حلی	-	○
۲۵	مهندیه باقر شمیرانی	تهران	فرزانگان	-	○
۲۶	مهندی جعفری سیاوشانی	تهران	علامه حلی	-	○
۲۷	کامیار رهنمازاد	راذدان	شهید بهشتی	-	○
۲۸	پیام سیفی	تبزیز	شهید مدنی	-	○
۲۹	سرمه شادبخت	تهران	فرزانگان	-	○
۳۰	پویان قائمی محمدی	اصفهان	شهید ازهای	-	○
۳۱	محمد اسداللهی بابلی	بابل	شهید بهشتی	-	○
۳۲	محمد بهرامی	رشد	تهران	-	○
۳۳	حمدیرضا سلیمی	رشد	تهران	-	○
۳۴	محمد شاه ولی	اصفهان	شهید ازهای	-	○
۳۵	امیر ضابط خصوصی	رشت	میرزا کوچک خان	-	○
۳۶	زکیه واحدیان اردکانی	کرمان	فرزانگان	-	○

نمودار ۲- نسبت داوطلبان المپیاد فیزیک تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

- در «المپیاد ریاضی» در حالیکه فقط ۱۷/۵ درصد داوطلبان را (۴۹۸۸۹ نفر از ۲۹۳۰) سمپادیها تشکیل می‌دادند در مرحله اول ۲۱/۳۷ درصد راه یافتنگان سمپادی بودند که این عده در مرحله دوم به ۳۹/۶۷ درصد رسید، ۳۱ نفر از ۴۶ نفر. (جدول ۲ و نمودار ۳) در مرحله کشوری از ۹ نفر یک نفر از نیکان تهران حضور داشت که جزء تیم ملی شد و بقیه اعضاء تیم ملی را «شهید بهشتی اهواز»، «علامه حلی کرمان»، «علامه حلی تهران» (۲ نفر) و «شهید بهشتی ساری» تشکیل می‌دهند. (جدول ۵)
- در «المپیاد کامپیوتر» بیشترین داوطلب را با ۶۲/۱۴ درصد نسبت به کل المپیادها سمپاد دارد. - ۲۱۴۴ نفر از ۱۴۶۶۷ نفر کل داوطلبان - در این المپیاد در مرحله اول ۶۵/۵۶ درصد پذیرفته شدگان از سمپاد بود که در مرحله دوم به ۱/۸۷ درصد رسید. از ۳۱ نفر راه یافته به این

نمودار ۳- نسبت داوطلبان المپیاد ریاضی تا مرحله کشوری به تقسیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

مرحله ۲۷ نفر از سمپاد بودند (جدول ۲، نمودار ۴) که در مرحله کشوری از هشت نفر ۲ نفر غیر سمپادی بودند و در نهایت کل تیم سمپادی هستند. دو سال دوم دبیرستانی علامه حلی تهران که به کسب طلای کشوری موفق شدند نیز انشاء الله در تیم ملی سال آینده حضور خواهند داشت. (جدول ۵)

○ در «المپیاد زیست‌شناسی» داوطلبان سمپاد ۵/۲ درصد را تشکیل می‌دادند از این عده چون مرحله اول نداشت در مرحله دوم ۳۵ نفر پذیرفته شدند که ۵۲/۷۸ درصد آنها سمپادی بودند (جدول ۲، نمودار ۵). در مرحله کشوری از شش نفر که طلای کشوری را کسب نمودند ۴ نفر غیرسمپادی بودند (۶۶٪) که در نهایت از بین ۶ برگزیده دو سمپادی از شهید دستغیب شیراز و دو نفر دیگر از ابوریحان تهران - نگار فرامرزی - و علی مجتهد از شهید دانش جزء تیم ملی زیست شدند. نگار فرامرزی اولین دختر دانش آموز است که خارج از سمپاد عضو تیم ملی یکی از المپیادها می‌گردد. در سایر المپیادها ایران از ابتدا تا کنون کلیه دختران عضو تیم از سمپاد بوده‌اند. (جدول ۵)

نمودار ۴- نسبت داوطلبان المپیاد کامپیوتر تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

- وضعیت داوطلبان دختر سمپاد در مقایسه با دیگر داوطلبان دختر در پنج المپیاد برای سال ۷۹ به شکل زیر است:
- «شیمی»: با ۶/۷۱ درصد داوطلبان در مرحله اول ۴۶/۴۲ درصد و در مرحله دوم صد درصد راه یافتنگان سمپادی هستند و یک عضو تیم ملی از فرزانگان کرمان است.
 - در «کامپیوتر» ۱۱/۸۲ درصد دختران داوطلب سمپادی هستند که در مرحله اول ۶۱ درصد راه یافتنگان را تشکیل می دهند و در مرحله دوم صد درصد سمپادی هستند ولی موفق به کسب مدال طلای کشوری نشده اند.
 - در «ریاضی» ۴/۶۹ درصد دختران از سمپاد هستند که با ۳۱/۲۶ درصد در مرحله اول، صد درصد راه یافتنگان مرحله دوم را بخود اختصاص داده اند. ولی با وجود دو طلای ریاضی از فرزانگان مشهد متأسفانه نتوانستند در تیم ملی عضویت داشته باشند.

نمودار ۵- نسبت داوطلبان المپیاد زیست‌شناسی تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

- در «فیزیک» ۵/۲۴ درصد کل داوطلبان دختر از سمپاد هستند که در مرحله اول ۳۱/۲۶ درصد راه یافته‌گان را بخود اختصاص دادند و در مرحله کشوری ۸۷/۵ درصد از آنها طلای کشوری را دو فرزانگانی از تهران کسب کردند که «مهدیه باقر شمیرانی» عضو تیم ملی شده است.
- در «زیست‌شناسی» کمترین درصد داوطلبان دختر را داریم (۴/۶۵) که چون مرحله اول نداشته‌ایم در مرحله دوم با ۴۳/۷۵ درصد دختران سمپاد در مرحله کشوری حضور یافته‌اند. در مرحله کشوری تنها «نگار فرامرزی» از ابوریحان مداد طلا و عضویت در تیم ملی، سویمن عضو دختر تیم ملی در سال ۱۳۷۹ گردیده است.
- نمودار ۶ وضعیت دختران داوطلب در پنج المپیاد را تا مرحله کشوری نشان می‌دهد.

نمودار ۶- نسبت دختران داوطلب از سمپاد با دیگر مدارس در پنج المپیاد کشوری

در جمع یاران نور

گزارش نهمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم، سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
گرامیداشت یکصدمین سالگرد میلاد امام خمینی (ره)
تهران (۱۳-۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۹)

محمدناصرزاده

این گزارش را یارای آن نیست که شور و اشتیاق بی مانندی را که در طی روزهای مسابقات دیده وصف کند، ولی لاقل سعی می‌کند شمه‌ای از آنچه گذشته است را برای اطلاع همگان منعکس سازد.

سمپاد

○ ○ ○

پس از اعلام سال ۱۳۷۸ به عنوان سال «امام خمینی (ره)»، به جهت تقارن مسعود آن با یکصدمین سالگرد میلاد آن عزیز همیشه حاضر از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، تمام تلاش «حوزهٔ تربیتی سمپاد» متوجه برگزاری هر چه بهتر و مناسب‌تر این دوره از مسابقات گردید.

با عنایت و لطف خاص سرپرست محترم سازمان این حوزه به همراه مسئولین محترم حوزه ستادی و با همکاری بی دریغ مراکز آموزشی تهران عهده دار برگزاری این دوره گردیدند. مراحل مقدماتی مسابقات طبق جدول‌های ارائه شده برگزار شد و در نهایت حدود سیصد و ده تن از بهترین گلهای سمپاد، عطرافشان بوستان مرحلهٔ نهایی نهمین دوره مسابقات قرآن کریم گردیدند.

با بسیج کلیه امکانات و در جهت برگزاری هر چه بهتر مسابقات، سرپرست محترم سازمان علیرغم کمبود شدید وقت شخصاً هدایت کلیه فعالیتها را بر عهده گرفته و مرحله مرحله در آماده سازی و فراهم ساختن امکانات لازم، تلاش و سعی خود را مبذول نمودند.
این تلاش فوق العاده مخصوصاً در جهت تأمین برنامه‌های جنبی بی نظیر و فوق العاده‌ای که در طی گزارش به آن اشاره خواهد شد متجلی گردید.

در هر حال از روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه با ورود اولین کاروانهای اعزامی مراکز، حرکت مسابقات آغاز گردید. سه شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ساعت ۸/۳۰ با مدد سالن «شهید آوینی» پژوهشگاه شهید بهشتی سمپاد شاهد حضور تمامی کاروانهای اعزامی، مدیران مراکز آموزشی و مدیران کل محترم حوزه ستادی سمپاد بود که همگی بی صبرانه آغاز مراسم افتتاحیه را انتظار می‌کشیدند.

مراسم با خواندن دسته جمعی سرود جمهوری اسلامی ایران و بدنبال آن مراسم ورود قرآن کریم توسط دانش آموزان «راهنمایی فرزانگان تهران» آغاز گردید. بدنبال آن تواشیح جالبی توسط «پسران دیروستان علامه حلی تهران» که متن آن با تذکر به موقع سرپرست محترم سازمان در میان بچه‌ها توزیع شده بود اجرا شد که مورد توجه قرار گرفت. گل سر سبد اجراهای افتتاحیه، قرائت دسته جمعی قرآن کریم توسط «خواهان دیروستانی فرزانگان تهران» بود. که مورد توجه شدید حضار قرار گرفت.

پس از این اجراهای متنوع، معاون مالی-اداری سازمان که روزگاری پیش در سمت مدیر مرکز راهنمایی تهران، میزبان دوره‌ای دیگر در تهران بود، به حاضرین خیر مقدم گفته و سپس سرپرست محترم سازمان، پیام کهنه سرباز انقلاب اسلامی سردار سازندگی، یار امام و رهبر «حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام را به نهمنین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم سمپاد قرائت فرمودند. و سپس طی سخنانی، نظرات و مطالب بسیار مهم و جالبی را بیان فرمودند.

پس از افتتاحیه مسابقات، توفیق بی مانندی نصیب شرکت‌کنندگان در مسابقات شد و همگی در یک محیط فوق العاده صمیمی و بی ریا، که فقط شامل شرکت‌کنندگان در مسابقات می‌شد موفق به تشرف به محضر مبارک مقام معظم رهبری و اقامه نماز ظهر و عصر با امامت معظم له و سپس استفاده از بیانات ملکوتی این اسوه تقوی و فضیلت شدند.

پیام ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
به نهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم،
یادواره امام خمینی (ره) - اردیبهشت ۱۳۷۹ - تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

در آغاز ده سوم انقلاب پرشکوه اسلامی ملت ایران و در سالی که به نام پربرکت مولای متقیان، امیر مومنان مزین گشته است، شاهد برگزاری نهمین دوره مسابقات حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم سازمان ملی پژوهش استعدادهای درخشان، «بزرگداشت یکصدمین سالگرد میلاد حضرت امام(ره)» در تهران، ام القراءی جهان اسلام هستیم.

این دوره از مسابقات که مصادف با چهاردهم اردیبهشت ماه، روز «استعدادهای درخشان» نیز هست، فرصت مناسبی است تا بیشتر به جایگاه این قشر از جوانان اندیشه‌یده شود.

قرآن، این چراغ هدایت ابناء بشر در گستره زمانی تاریخ اسلام بوده و هست و در این دریای ژرف، دانشمندانی بزرگ، اندیشه‌مندانی خوش فکر، عارفانی وارسته، فقیهانی پاک‌سیرت و ادبیانی خوش‌بیان غور کرده‌اند و هر کس به فراخور توان خود، گوهری از آن را نمایانده است.

در این میان، نام ایران و ایرانی چنان با قرآن عجین شده که فرهنگ آن در تار و پود تاریخ این کشور گسترش یافته است. تا آن جا که به تأسی از اسوه‌های عدالت و شجاعت، مولا علی(ع) و حضرت ابا عبدالله، و با بهره‌گیری از تعالیم آسمانی این کتاب زندگی و به رهبری پیری فرزانه، حضرت امام خمینی(ره) به مجاهده با مظاهر طاغوت برمی‌خیزد و تاریخ سیاه ظلم و ستم را برمی‌چیند.

امروز این ملت در حال پی‌ریزی یک تمدن اسلامی است؛ در پی احیای اسلام ناب محمدی و در تلاش، جهت گسترش فرهنگ قرآنی؛ که راهی نیز جز این برای نجات و پیش‌رفت، متصور نیست. در سال انسانی که به حقیقت، قرآن ناطق بود و به یاد مردی که قرآن را سرلوحه قیام و انقلاب خود قرار داد، نوجوانان و جوانان مستعد کشور، مسؤولیتی سنگین‌تر بر دوش دارند.

امروز چشم ملت به استعدادهای درخشانی است که با توکل به الطاف الهی و پیروی از سیره معصومان و زنده نگاه داشتن یاد و راه حضرت امام و شهدای گران‌قدر انقلاب، در راه اعتلای اسلام و قرآن عزیزگام برمی‌دارند و همه‌ی چشم‌ها را به انوار مشعشع آن روشنی می‌بخشند.

اکبر هاشمی رفسنجانی

احساس خرسندی و شعفی که به زائرین این رهبر آزاده جهان‌کنونی دست داده بود همچنین احساس دین و سپاسگزاری که نسبت به آقای دکتر ازهای به جهت پی‌گیریهای مستمر و ترتیب دادن این برنامه ملکوتی داشتند قابل بیان نیست. پس از این زیارت و برگزاری نماز و کسب فیض، مسابقات قرآن کریم در سه رشته «حفظ» و «حفظ ویژه»، «قرائت» و «مفاهیم» در مراکز آموزشی تهران با حضور شرکت کنندگان هر رشته برگزار شد. تمامی دختران در فرزانگان راهنمائی، پسران حفظ در راهنمائی ۱، پسران مفاهیم در راهنمائی ۲ و قرائت در دبیرستان پسرانه به انجام مسابقات خویش پرداختند. با توجه به فشردگی برنامه‌های مسابقات و ضرورت اتمام آن در روز اول، مسابقات تا پاسی از شب بطول انجامید.

سرپرست محترم سازمان پس از سخنرانی و پاسخ به سوالات در جمع مدیران مراکز آموزشی، با لطف خاصی که به دانش‌آموزان مراکز دارند، در مرکز فرزانگان حضور بهم رساندند و ضمن بازدید از حوزه‌های مسابقات و برپائی نماز جماعت مغرب و عشا جلسه پرسش و پاسخ با دختران شرکت کننده را که از برنامه‌های بسیار خوب هر ساله مسابقات است در محیطی صمیمی و بی‌ریا برگزار نمودند و با حوصله‌ای شگرف تا آخرین سؤال و آخرین کسی که مایل بود مسئله‌ای با ایشان در میان گذارد را پذیرا شدند.

صبح روز دوم مسابقات به زیارت مرقد نورانی حضرت امام راحل و مزار شهدای هفتم تیرماه ۱۴۰۰ از سوی برادران و حضور در فضای معنوی و ملکوتی مجموعه جماران شامل حسینیه و محل زندگی حضرت امام راحل گذشت. ظهر همان روز خواهان شرکت کننده هدایای ارزشمند خود را از سرپرست سازمان دریافت نمودند که با وجود طولانی بودن این گونه برنامه‌ها ایشان با خوشروئی تمام جوائز همه شرکت کنندگان را شخصاً اهدا نمودند. بعد از ظهر، خواهان عازم مرقد مطهر امام و مزار شهداء هفتم تیر شدند و آقای دکتر در جمع پسران شرکت کننده در مسابقات قرآن کریم سپاپ در دبیرستان علامه حلى تهران حضور یافته و پس از جلسه پرسش و پاسخ و اقامه نماز مغرب و عشاء، جوائز این عزیزان را اعطاء فرمودند. در این شب، برنامه جذاب و دیدنی شب شعر خواهان نیز در پژوهشگاه شهید بهشتی برگزار گردید.

روز آخر مسابقات قرآن کریم سپاپ به حضور در نمایشگاه کتاب تهران گذشت و پسران بازدید از مجموعه جماران را نیز انجام دادند. با توجه به آنکه بخشی از هدایای همگان را بُن کتاب تشکیل می‌داد همگی بازدیدهای مشمر ثمری !!! از نمایشگاه داشتند!

باغروب روز پنج شنبه موقع اختتام مسابقات قرآن کریم فرارسید و پس از اقامه نماز مغرب و عشاء توسط سرپرست محترم سازمان، دعای آسمانی کمیل با صوت دلنشین معاون محترم تربیتی سمپاد، طینان انداز حیاط با صفا و زیبایی مرکز راهنمائی فرزانگان تهران شد که به شایستگی میزبانی اختتامیه را به عهده گرفته بود. پس از قرائت دعا و صرف شام مراسم اختتامیه با نشاط فوق العاده‌ای آغاز شد که رگبار چند لحظه‌ای باران هم صفا بخش این مراسم گردید. پس از خیر مقدم از سوی آقای «قبیری» سرپرست محترم دفتر ارومیه- که خود توفیق میزبانی مسابقات قرآن کریم را نیز داشته است- و یادی از شهید بزرگوار آیت الله مطهری و روز معلم و روز استعدادهای درخشان، نوبت به اعلام اسمای حائزین رتبه‌های ممتاز مسابقات رسید و پس از اعطای جوائز رتبه‌های ممتاز- مجموعه اهدای ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و تندیس مسابقات، که بطرز زیبائی یادآور این دوره مسابقات فراموش نشدنی بود و همینطور لوح تقدير- جناب آقای دکتر ازهاءی با بیانات گرم و شنیدنی خویش خاتمه مبارک و شایسته‌ای را برای مسابقات رقم زند.

اختتامیه همچنین شاهد توزیع آخرین شماره نشریه روزانه مسابقات «عطف» بود که با استقبال و علاقمندی قابل توجه بچه‌ها روپرورد شده بود. در آخرین لحظات مسابقات اعلام شد که «تبریز» شهر شیران بیشه نبرد، شهر سرداران بزرگ و شهر علم و عمل، شهری که فخر آذربایجان و ایران است برای دوره دهم مسابقات در سال امام علی (ع) و به نام ایشان میزبان این دوره مسابقات قرآن کریم خواهد بود. اگر عمری باشد و قضا را مدارائی.

در حاشیه

- شیرینترین حاشیه مسابقات قرآن کریم تجهیز یک شبه خوابگاه پژوهشگاه شهید بهشتی با همت سرپرست محترم سازمان بود. ایشان با کمک جمعی از ارادتمندان قدیمی یک شبه، سطح کیفی خوابگاه را تا درجه ممتاز بالا برند؛ به طوری که کلیه اتفاقهای خوابگاه دارای تجهیزات جانبی به حد لازم شد.

- دکور سالن افتتاحیه مسابقات، با وجود تلاش دست‌اندرکاران، رضایت بزرگترها را جلب نکرد. نکته خارق العاده! اینکه بخش چوبی دکور توسط آقای دکتر ازهاءی طراحی و بریده شد و با همکاری فارغ‌التحصیلان و کارکنان ستادی نصب گردید.

- جعبه ابزار و لوازمات فنی ایشان که از منزل برای نصب دکور آورده بودند با حیرت و تعجب پرسنل فنی پژوهشگاه روبرو شده بود.
- طرح خوش آمدگوئی نصب شده در مکانهای مسابقات جالب توجه بود. همچنین ندادن بروشور در طی مسابقات اما و اگرهاي را برانگیخت.
- یکی از جذاب‌ترین بخش‌های مسابقات قرآن کریم امسال «نشریه روزانه عطف» بود که به همت بچه‌های قرآنی قدیمی سمپاد منتشر می‌شد. نظم انتشار آن باعث امیدواری بسیار است. مجموعه‌ای از مطالب عطف در پایان همین گزارش آمده است.
- ماجراهی «مفقودین»! امسال شیرین است. ابتدا در نمایشگاه کتاب یکی از دختران شرکت‌کننده ناپدید شد. جدا از آنکه مدیر مرکز مربوط و سرپرست دفتر فارغ‌التحصیلان همراه مُردند و زنده شدند، مسئولین نمایشگاه هم از شدت پیگیری در شُرف دیوانگی بودند که گم شده پس از خاتمه ساعت نمایشگاه به محل قرار مراجعت کرد و ابراز داشت از نمایشگاه خوشش آمده و دلش خواسته بماند! خوردن بعضی غذاها را برای این عزیزان تجویز خاص می‌کنیم!
- هدایای امسال که به همه راه‌یافگان به مرحله نهایی اهداء شد شامل توب جاویدان؛ بن کتاب و از سوی دیگر یک جانماز تاشو مرغوب و یک جلد صحیفه کامله سجادیه با ترجمه فارسی و کمی خرت و پرت دیگر گردید.

○ ○ ○

برگزیدگان مرحله نهایی نهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مظاہم قرآن کریم

یادواره امام (ره)، تهران، بهار ۱۳۷۹

راهنمایی دختران - قرائت	راهنمایی دختران - حفظ
۱- ندا مقنتری ۲- زهرا توجهی ۳- آزاده کیوانی	فرزانگان بزد فرزانگان کاشان فرزانگان تهران
۱- محمد رضا اشرف ۲- فرزاد منتظری ۳- هاشم انوری	فرزانگان بزد فرزانگان کاشان فرزانگان تهران
راهنمایی پسران - قرائت	راهنمایی پسران - حفظ
۱- شهید هاشمی نژاد مشهد ۲- شهید بابایی قزوین ۳- شهید بهشتی شهری	۱- صادق معتمدی ۲- محمود مؤیدی ۳- سید مهاجری
۱- سعیده سرخونی ۲- معصومه باقری ۳- الهه محمدی	فرزانگان تهران فرزانگان شیراز فرزانگان کرمان
۱- شهید بهشتی شهرکرد ۲- شهید بهشتی لارستان ۳- علامه حلی ۱ تهران	

راهنمایی دختران - حفظ ویژه راهنمایی پسران - حفظ ویژه

شهید هاشمی نژاد مشهد	۱- سعید خراشادیزاده	فرازگان شهرکرد	۱- الهام فتحی
شهید بهشتی بیرجند	۲- محمد نظری	فرازگان بوشهر	۲- مهدیه فلامرزی
شهید دستغیب شیراز	۳- احمد رضا اسکندری		

راهنمایی دختران - مفاهیم

شهید بابایی قزوین	۱- رامین بابایی	فرازگان کرمان	۱- سجاده گله‌داری
شهید بهشتی نیشابور	۲- حسین توحیدی مقدم	فرازگان قم	۲- زهرا قلی پور
علامه حلی ۲ تهران	۳- سید علیرضا شرافت	فرازگان قزوین	۳- مهدیه جلالیها

دیبرستان دختران - قرائت

شهید بهشتی شاهرود	۱- محمد رمضانی	فرازگان سنندج	۱- بهاره بهمنی
شهید بهشتی بیرجند	۲- منطقی طامنی	فرازگان بزد	۲- ریحانه حیان
شهید بابایی قزوین	۳- حامد مرادی	فرازگان کرمان	۳- محدثه خیری
علامه حلی تهران	- صادق علی اکبری		

دیبرستان دختران - حفظ

شهید هاشمی نژاد مشهد	۱- کاظم شاهرود نژاد	فرازگان زنجان	۱- معصومه سپهری
علامه حلی کرمان	۲- هانی فکری	فرازگان قم	۲- راضیه سلیمی
شهید بهشتی بیرجند	۳- عبدالفتاح صالحی	فرازگان تبریز	۳- فاطمه نیکنامی

دیبرستان دختران - حفظ ویژه

میرزا کوچک خان رشت	۱- محمد مصطفی بور	فرازگان تهران	۱- سماء گلایی
شهید بهشتی بیرجند	۲- احمد خواجه حمدی	فرازگان تبریز	۲- مریم ذهار
شهید هاشمی نژاد مشهد	- هشمت امیری	فرازگان شهری	۳- اسماء اسدی
شهید صدوqi بزد	۳- محمد علی جعفری	فرازگان بجنورد	- زینب رستمی

دیبرستان دختران - مفاهیم

شهید اڑاہی اصفهان	۱- سید محمد امین خلیفه سلطانی	فرازگان کرمان	۱- سمانه کوهستانی
شهید قدوسی قم	۲- علی انواری	فرازگان تهران	- زهرا اڑاہی
علامه حلی تهران	۳- صدرالساده	فرازگان شیراز	۲- معصومه رحیمی
شهید بهشتی آمل	- غلامحسین احمدیان	فرازگان خرم‌آباد	۳- سارا قربانی
		فرازگان قزوین	- مدی محمد خانی

آخرین مصوبات شورای هدایت استعدادهای درخشان در آموزش عالی

- گزارش قبلی ما در مورد آخرین مصوبات «شورای هدایت استعدادهای درخشان در آموزش عالی» به شماره ۳۲، زمستان سال ۱۳۷۸ بر می‌گردد. این شورا در سال ۱۳۷۸ جمعاً پنج جلسه داشت در حالیکه قاعده‌تاً باید ۱۲ جلسه (هر ماه یک جلسه) تشکیل می‌شد و در کلیات ۱۱ مورداً اساسی را به بحث گذاشت که از مهمترین آنها تصویب دوره دکترای «بیوتکنولوژی» بود.
- در هجدهمین جلسه شورا مورخ ۷۹/۱/۲۹، درخواست خانمها اکرم فداکار و بنفشه همدانی دانشجویان رشته مهندسی الکترونیک دانشگاه یزد برای تحصیل همزمان رشته مهندسی کامپیوتر و خانم سوده عقلی مقدم دانشجوی رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه شهید بهشتی در رشته نرم افزار مهندسی کامپیوتر به تصویب و سایر درخواستها به علت مغایرت با اهداف تحصیل همزمان در دو رشته رد گردید.
- بطور کلی در سال ۷۸ از بین کلیه واجدین تحصیل همزمان در دو رشته ۴۴ تقاضاً صورت گرفته بود.
- در نوزدهمین جلسه شوراکه در تاریخ ۷۹/۲/۱۹ تشکیل گردید ابتدا برنامه دکترای پیوسته «ریاضی» و «فیزیک» مورد بحث قرار گرفت.

- برنامه پیشنهادی رشته فیزیک پس از توضیحات آقای دکتر ثبوتی با تغییرات مختصری در تعداد واحدهای پایان نامه کارشناسی ارشد به تصویب رسید. دانشجو در این دوره در دو سال اول «گرایشی» ندارد ولی در پایان سال سوم و چهارم به سمت گرایش سوق داده می‌شود، گرایشهای مصوب مرکز تحصیلات تكمیلی زنجان عبارتند از: اختر فیزیک، ماده چگال، اپتیک و لیزر. تعداد کل واحدها ۱۸۰ می‌شود.
- برنامه پیشنهادی دکترای پیوسته ریاضی هم پس از توضیحات آقای دکتر جعفر زعفرانی با حدود ۱۸۰ واحد به تصویب رسید.
- در این جلسه همینطور آقای دکتر علی مقاری رئیس دانشکده علوم دانشگاه تهران گزارشی اجمالی از دوره دکترای پیوسته بیوتکنولوژی که از مهرماه ۱۳۷۸ در دانشکده علوم تهران آغاز بکار نموده است به شورا ارائه نمودند. در مجموع گزارش، از ۱۵ نفر گزینش شده با توجه به تفاوت پذیرفته شدگان در رشته‌های تجربی و ریاضی فیزیک، اعلام رضایت‌گردید. لازم بذکر است که کلاسهای این دوره بسیار فعال و اساتید مجبور هستند سطح کلاس را بالاتر از متعارف قرار دهند.

○ ○ ○

گزارش و خبر

بارک است

در آستانه میلاد حضرت ختمی مرتبت، رسول گرامی اسلام و میلاد حضرت امام جعفر صادق (ع) (دوشنبه ۳۰ خرداد) عقد دو عزیز سمپاد توسط رهبر معظم انقلاب خوانده شد، دکتر «علی رجایی» دانش آموخته علامه حلی تهران، عضو تیم المپیاد ریاضی در سال ۶۹، فارغ‌التحصیل «پرینستون» است. «الهام یاوری» از اولین دوره فارغ‌التحصیل فرزانگان امین اصفهان، برنده طلای کشوری کامپیوتر سال ۷۳، می‌باشد که در انتهای مقطع فوق لیسانس قرار دارد.

ضمن تبریک این ازدواج امیدواریم این زوج علمی که از متعهدترین عزیزان سمپادی هستند، بتوانند نقشی سازنده در آینده علمی رشته خود برای ایران اسلامی داشته باشند.

نمایشگاه مرکز زینب (س)

پنجمین نمایشگاه دستاوردهای علمی دانش‌آموzan مرکز آموزشی زینب (س) شهری از تاریخ ۲۸ فروردین لغایت ۱ اردیبهشت ۷۹ در این مرکز برگزار و مورد استقبال دانش‌آموzan، اولیاء و اقشار دیگر قرار گرفت. استمرار برگزاری سالیانه این نمایشگاه، موجب تحرک و آفرینندگی بیشتر دانش‌آموzan مرکز زینب (س) شده است.

برگزاری کنکورهای سمپاد

پس از برگزاری مرحله اول کنکور سراسری ورود به مراکز راهنمایی در هفته آخر اسفند ۱۳۷۸، با

شرکت ۱۷۱۲۶۵ نفر در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۹ مرحله دوم کنکور ورود به راهنمایی و همچنین کنکور ورود به دیبرستان توسط مراکز سپاد برگزار شد. کنکور دیبرستان بجز در تهران و یکی دو شهر دیگر - به علت کمبود جا و تعداد داوطلبان - برای اولین بار کلاً توسط مراکز اجراه شد. در مرحله دوم کنکور ورود به مراکز راهنمایی حدود ده هزار نفر گزینش شده بودند که از این تعداد ۵۰۰۰ نفر جهت ۸۹ مرکز راهنمایی تحصیلی گزینش خواهند شد.

تعداد داوطلبان ورود به دیبرستان با توجه به افزایش شرط معدل از ۱۸/۵۰ به ۱۹ از ۶۸۳۶۸ نفر به ۴۸۲۶۸ نفر کاهش یافت که ۲۵ درصد آن را داوطلبان تهرانی تشکیل می‌دهند. حدود دوهزار نفر از این عده جهت تکمیل کلاسهای مراکز و جایگزین انتقالیها وارد دیبرستانهای سپاد خواهند شد.

دیدار از مراکز قم

سرپرست سازمان پنجشنبه ۱۲ خرداد از مراکز شهید قدوسی و فرزانگان قم بازدید به عمل آورد. او در این دیدار ضمن گفتگو با مدیران و همکاران دو مرکز در جریان مشکلات دفتر سپاد در قم قرار گرفت.

برگزیدگان مرحله اول پنجمین المپیاد علمی دانشجویی کشور
از میان قریب به ۶۰ هزار دانشجوی شرکت کننده در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، الهیات و معارف اسلامی، شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی، ریاضی، مهندسی برق، مهندسی عمران و مهندسی مکانیک که در آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۹ شرکت کرده‌اند، ۱۳۰ نفر به عنوان قبول‌شدگان مرحله اول المپیاد علمی دانشجویی کشور انتخاب شدند. اسامی نفرات اول این مرحله عبارتند از: زبان و ادبیات فارسی: «مریم باقی» از دانشگاه اصفهان، شیمی: «علیرضا شایسته» از دانشگاه اصفهان، فیزیک: «محمد صدیقی» از صنعتی شریف، زیست‌شناسی: «اعظم حدادی» از تهران، ریاضی: «محسن بهرامگیری» از صنعتی شریف، مهندسی برق: «احمد میرزائی» از صنعتی شریف، مهندسی عمران: «یاشار خلیقی» از صنعتی شریف، مهندسی مکانیک: «حمیدرضا حدادی» از صنعتی شریف.
برگزیدگان مرحله اول پنجمین المپیاد علمی دانشجویی کشور از ۲۹ تیرماه تا اول مرداد در یک اردوی علمی شرکت تا نفرات برتر هر رشته انتخاب شوند امسال برای اولین از کشورهای عضو «اکو» کشورهای اسلامی و برخی کشورها همانند چین و ژاپن جهت شرکت در مسابقات رشته‌های ریاضی دعوت

به عمل آمده است.

نشریات داخلی

- نشریه داخلی باشگاه روابطهای هوشمند: پیش شماره ۲، خرداد ۱۳۷۹ صفحه. این نشریه اخبار مربوط به باشگاههای روابطهای هوشمند - که مقدمات تشکیل آن در ۱۳ شهر که سپاد مرکز آموزشی در آن دارد، صورت گرفته است را منعکس میکند و قرار است جهت کلیه مراکز دبیرستانی یک نسخه آن ارسال شود.
- عبور: شماره اول (فرواردن ۷۹) دوم (اردیبهشت ۷۹) - مرکز فزانگان دزفول در ۲۶ صفحه.
- استعداد: شماره ۸ آذر ۷۸، مرکز شیخ انصاری دزفول، شماره ۲، اردیبهشت ۷۹ ۲۴ صفحه.
- پویندگان: (علمی - تحقیقی) مرکز شیخ انصاری دزفول، شماره ۲، اردیبهشت ۷۹ ۲۰ صفحه.
- کاروان سپاد: شماره ۳، اردیبهشت ۷۹، مرکز آموزشی شهید بهشتی سندج، ۲۸ صفحه.
- جنگ مکتوب: هدیه دانش آموزان و دانش آموختگان سپاد به انجمن حمایت از بیماران سرطانی آذربایجان غربی.
- برگ سبز: مرکز راهنمایی تحصیلی علامه حلی همدان - شماره ۵، فرواردن ۷۹ ۱۴ صفحه.
- رخ اندیشه: گاهنامه دانش آموزی مرکز شهید بهشتی کاشان، شماره ۲، اسفند ۷۸.
- پویش: نشریه مرکز آموزشی شهید بهشتی کاشان، شماره ۵، اسفند ۷۸.
- آرمان: نشریه دفتر سپاد در کرمان (ویژه نامه خبری) شماره ۱۱ و ۱۲، پائیز ۱۳۷۸.
- آسمان: سال اول، شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۷۹، نشریه دانش آموزان دبیرستان شهید ازهای اصفهان.
- حرکت از نو: دبیرستان فزانگان بوشهر، شماره ۱، فرواردن ۷۹.

استقبال مجله «بچه‌ها گل آقا» از تقویم دانش آموزی

با یک زحمت قابل تقدیر، کلیه کاریکاتورهای ترافیکی تقویم دانش آموزی سپاد توسط مجله «بچه‌ها گل آقا» در یک صفحه تنظیم و برای خوانندگان مجله مزبور به چاپ رسید. پس از چاپ این کاریکاتورها، نشر سپاد مراجعین زیادی برای دریافت تقویم مزبور داشت. با تشکر از مجله «بچه‌ها گل آقا». نمونه چاپ شده را برای شما می‌آوریم.

دانشجویان المپیادی هم معاف شدند

براساس استعلام ریاست محترم ستاد کل نیروهای مسلح در مورد امکان تعمیم معافیت اعضای تیمهای ملی المپیادهای دانش آموزی که حائز رتبه های اول تا سوم می شوند به دانشجویان شرکت کننده در المپیادهای جهانی دانشجویی و مسابقات روبوکاپ از مشاور فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پژوهش استعدادهای درخشان، و اعلام نظر مثبت ایشان، ستاد کل نیروهای مسلح به وزیر محترم علوم اسلام نمود که این عزیزان نیز از معافیت مزبور می توانند استفاده نمایند. این گام مثبت دیگری در جهت ارائه امتیازهای لازم به نخبگان علمی کشور است که انشاء الله استمرار یابد.

فرماندهی کل قوا

ستاد کل نیروهای مسلح

شماره: ۲۰۱/۱۴/۹۰ ن/م/۴/۲۰۱

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

از: ستاد کل نیروهای مسلح - معاونت نیروی انسانی

پیوست:

به: وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی

موضوع: مقررات اعطاء امتیازات ویژه به ایثارگران و مشمولان دارای شرایط خاص

سلام علیکم

بازگشت بشماره ۱۴۸۰۵ لو مورخ ۷۸/۱۱/۱۶

احتراماً با عنایت به اینکه برابر مصوبه مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، کلیه مشمولانیکه در مسابقات علمی جهانی شرکت نموده و به مقامهای اول، دوم و سوم نایل میگردند از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می باشند و برابر اعلام مشاور فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پژوهش استعدادهای درخشان، المپیاد ریاضی دانشجویی و مسابقات جهانی روباتهای فوتbalیست از مصادیق قطعی مسابقات علمی جهانی هستند، فلذآ خواهشمند است دستور فرمائید افراد واجد شرایط را برابر فرمی که از سوی ناجا (وظیفه عمومی) به آن وزارت ارسال می شود جهت برخورداری از این معافیت معرفی نمایند.

سرلشکر بسیجی دکتر سید حسن فیروزآبادی

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

گیرنده:

- امیر فرمانده محترم ناجا جهت استحضار و دستور اقدام

رونوشت:

- مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پژوهش استعدادهای درخشان جهت استحضار

رتبه‌های اول تا سوم کنکور سراسری هم

کلیه حائزین رتبه‌های اول تا سوم دانشگاهها و شرکت‌کنندگان در المپیادهای علمی بین‌المللی جهت برخورداری از معافیت نظام وظیفه با اخذ وجه از حداقل پنجاه درصد تخفیف برخوردار خواهند بود. این امر طی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۵ به وزارت علوم اعلام شده است. البته با توجه به نامه مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۸ ستاد محترم فرماندهی نیروهای مسلح شرکت‌کنندگان در المپیادهای علمی بین‌المللی در صورت کسب رتبه از معافیت کامل برخوردار خواهند بود.

فرماندهی کل قوا

ستاد کل نیروهای مسلح

شماره: ۷۰۸/۱۲/۹ ن/۴

تاریخ: ۱۳۷۹/۱/۲۵

پیوست:

از: ستاد کل نیروهای مسلح - معاونت نیروی انسانی - اداره پ و خ

به: وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی

موضوع: بند ط تبصره ۹ قانون بودجه سال ۷۹ (معافیت با اخذ وجه)

سلام علیکم

احتراماً بمحض بند ط تبصره ۹ قانون بودجه سال ۷۹، حائزین رتبه‌های اول تا سوم دانشگاهها و شرکت‌کنندگان در المپیادهای علمی بین‌المللی جهت برخورداری از معافیت با اخذ وجه از حداقل پنجاه درصد تخفیف برخوردار هستند.

جهت هماهنگی درخصوص نحوه اجرای مقررات فوق جلسه‌ای در مورخه ۷۹/۲/۵ ساعت ۹ صبح در این ستاد (معاونت نیروی انسانی - مدیریت مشمولین) منعقد می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمائید نماینده آن سازمان در جلسه فوق شرکت نمایند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

سرلشکر پسیجی دکتر سید حسن فیروزآبادی

گیرنده‌گان:

۱- وزیر محترم بهداشت درمان و آموزش پزشکی جهت استحضار و دستور اقدام

۲- وزیر محترم آموزش و پرورش جهت استحضار و دستور اقدام

۳- معاونت محترم وظیفه عمومی ناجا جهت آگاهی و دستور اقدام

رونوشت:

- مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان جهت استحضار و دستور

اقدام لازم

موافق با برگزاری دوره‌های آموزشی سمپاد

- جهت دبیران شاغل در سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان در تابستان ۱۳۷۹ موافقت با برگزاری دوره‌های آموزشی در رشته‌های ریاضی فیزیک و شیمی، زیست‌شناسی، علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافیا، دینی و بیش اسلامی، عربی، کامپیوتر، زبان انگلیسی، ادبیات فارسی به صورت متمرکز در نیمه دوم مردادماه صورت گرفته است. در صورت تأمین اعتبار این دوره‌ها در پژوهشگاه شهید بهشتی تهران برگزار خواهد شد.
- همینطور دوره آموزشی «مبانی آموزش تیزهوش» ویژه مدیران مراکز سمپاد براساس سرفصلهایی که به مراکز ارسال شده است برگزار خواهد شد.
- در حوزه پرورشی و معارف اسلامی دوره‌های «آسیب‌شناسی تربیتی»، «مبانی انسان‌شناسی در قرآن» و «آموزش رشته آمادگی جسمانی» در نظر گرفته شده است.

مسابقات سراسری علمی سمپاد

به لطف پروردگار و با همت معاونت آموزشی پژوهشی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان اولین دوره مسابقات سراسری علمی سمپاد در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ماه سال جاری با استقبال دانش آموزان اول و دوم راهنمایی سمپاد در رشته‌های ریاضی، فیزیک و ادبیات در سراسر کشور برگزار گردید.

نتایج این مسابقات بار دیگر ما را متقاعد کرد که کمبود امکانات نمی‌تواند مانع جدی در راه پیشرفت و کسب علم و دانش برای عزیزانمان در نقاط محروم کشور عزیزمان باشد و بار دیگر تحرک و پویایی عزیزان در این مسابقات امید فردايی روشن برای میهن اسلامی مان را در دلها زنده کرد. جدول زیر تعداد شرکت‌کنندگان در هر پایه را نشان می‌دهد و رتبه‌بندی هر مرکز جهت کلیه مراکز ارسال شده است.

پایه تحصیلی	تعداد شرکت‌کنندگان	ریاضی اول راهنمایی	ریاضی دوم راهنمایی	فیزیک اول راهنمایی	فیزیک دوم راهنمایی	ادبیات اول و دوم راهنمایی
تعداد شرکت‌کنندگان	۷۶۸۶	۴۰۹۱	۴۰۵۲	۴۰۹۲	۴۰۴۵	۷۶۸۶

نامه‌های رسیده

به نام خدا

با عرض سلام و تبریک سال نو

به نظر بnde به اضافه‌ی یک اکثریت دیگر، جا دارد از طراحی بسیار جالب و قابل تشویق و «تشویش» تقویم سال ۷۹ (امسال) که مزین‌تر از سال قبل (پارسال) گشته بود تشکر و قدردانی شود. در ضمن «کاهی» بودن یا نبودن (مسئله این است!) و رایگان نبودن یا بودن (مسئله این نیست!) سبب پریشان خاطری ما نگشته است.
البته به قول یکی صد سال به پارسال ...

گلناز - ک (دیبرستان) فرزانگان امین اصفهان

بسمه تعالی

با عرض سلام خدمت دست اندکاران مجله استعدادهای درخشان

من یکی از دانش‌آموزان راهنمایی مرکز شهید قدوسی قم هستم. هنگام مطالعه مجله شماره ۳۱ وقتی به قسمت پاسخ‌های شما نگاه می‌کردم متوجه شدم دانش‌آموزی از یک مرکز سمپاد به نحوه کاری مسئول کتابخانه و اخلاق ایشان در مرکز خود ایراد داشت.

به این فکر افتادم همانطوری که مسئولین ناشایسته کتابخانه‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرند متصدیان و کتابداران لایق و با تجربه نیز باید قدردانی شود.

در شماره ۳۰ مجله استعدادهای درخشان طرز کار و موقعیت کتابخانه‌ها در مراکز گوناگون ذکر شده

بود بنابراین هنگامی که به مرکز خودم (شهید قدوسی قم) نظری افکندم متوجه این مطلب شدم که کتابخانه ما از نظر حجم کتاب و سرانه کتاب برای هر دانشآموز در رتبه سوم قرار دارد.

بهتر است این نکته را هم یاد آور شوم که سیستم کتابخانه ما باز است و براحتی می‌توانیم کتاب مورد نظر را انتخاب و به امانت بگیریم. به نظر من کتابخانه مرکز شهید قدوسی قم بخاطر دارا بودن ۱۱۳۵۶ کتاب و سرانه 3° کتاب برای هر دانشآموز و سیستم باز، یکی از بهترین کتابخانه‌های مرکز سپاد است.

این شایستگی هنگامی تکمیل می‌شود که این کتابخانه دارای متصلی شایسته و لایقی نیز می‌باشد که من از زحمات چندین ساله ایشان در پیشرفت کتاب و کتابخوانی بسیار متشرکم. این نامه را نیز برای قدردانی از ایشان نوشتهم.

دانشآموز راهنمایی - مرکز شهید قدوسی قم

با سمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید!

ابتدا باید بخاطر اینکه باز هم از وسائل نوشتاری جهت بیان عرائض استفاده کردم پوزش بطلیم. اولین علتش این بود که فکر کردم ممکن است موقع گفتن، همه آنچه در ذهنم هست را نتوانم بگویم و دیگر اینکه مجالی مناسب برای گفتن آنها پیدا نکردم و از آنجایی که بچه سپادیها مصدق عینی «و خلق انسان عجولا» هستند تصمیم گرفتم که گرچه خط خوبی ندارم اما به این وسیله موضوعی را مطرح نمایم!

از وقتی که وارد دانشگاه شدم و حتی قبل از اینکه وارد آنجا شوم (چون من ورودی بهمن هستم) در فکر جو فرهنگی علمی اخلاقی و خیلی چیزهای دیگر بودم و اینکه من در میانه این میدان کجا هستم و چه کاره‌ام... وقتی هم که وارد آنجا شدم تا امروز که یکسال می‌گذرد هر روز یک تجربه نو مرا به فکری نو و اداسته است و البته در دانشکده جمع و جور و تقریباً کوچک ما خیلی از مسائل اساسی تر را راحت تر می‌شود لمس کرد. یکی از مسائل جالبی که من در دانشگاه فهمیدم در مورد بچه سپادیها و بخصوص تهرانیهاست. در دانشگاه ما در هر قسمت خاص و فعال علمی فرهنگی که سری بزنید غیرممکن است یک یا چند سپادی نباشد که بعنوان خط دهنده دیگران باشد. و حتی در مسائل جاری کلاسها و مسائل اخلاقی و... نیز بچه‌های سپاد اگر کمی زرنگ باشند می‌توانند ۱۰۰ نفر دیگر را با خود

همراه کنند یا مثلاً سر کار بگذارند!

اما غرض از این همه مقدمه چینی این بود که وقتی به دوران تحصیل ۱۲ ساله خودم نگاه می‌کنم با خود فکر می‌کنم و افسوس می‌خورم که چرا از آن سالها به اندازه لازم استفاده نبردم و چرا امروز اینقدر عقب مانده‌ام و... چون در اطرافم می‌بینم که از دوران راهنمایی و به خصوص دبیرستان خود توشه‌ای در خور برداشته است امروز هم در میدان دانشگاه هم گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد و هم گلیم دیگران را!

... و بعد فکر کردم که چقدر خوب است اگر امروز بچه‌های دبیرستانی را با توشه‌ای مناسب آماده فردا کنیم. خصوصاً بچه‌هایی که از استعدادها، نگرشها و تجربه‌های منحصر بفردی برخوردارند و اگر خمیر مایه اخلاقی و شخصیتی مناسبی هم با آن همراه شود فرداها هر چند شرایط سخت و سنتگین و هر چقدر مخالفتها و موانع زیاد باشد باز هم ارائه سازندگی علمی و فرهنگی را به جلو خواهند برد (بخشید اگر لفظ ازابه را بکار برد، چون هنوز برای بکار بردن لفظی مثل لکوموتیو و... زود است!).

... و بعد باز هم فکر کردم! کاش در سازمان ما! گروهی یا بخشی برای یک برنامه‌ریزی سازماندهی شده فرهنگی، اختصاص پیدا کند. چون فکر می‌کنم آنچه امروز در کلاس‌های علوم انسانی تدریس می‌شود گرچه خوب است و هر کار دیگری هم بخواهد صورت بگیرد از همین راه باید باشد، اما کم است و عطش بچه‌های سمپادی را فرو نمی‌نشاند. البته برگزاری سالانه مسابقه قرآن سازمان، خودش یکی از همان کارهایی است که مناسب با عطش شدید فرهنگی بچه‌هاست. اما! این مسابقه که خصوصاً مرحله نهایی آن بسیار حالم توجه است! فقط محدود به گروه خاصی از این عده کثیر سمپادیهای ایران می‌شود. نکته دیگر اینکه شرکت‌کنندگان در این مسابقه‌ها افراد خاصی هستند که می‌شود گفت راهشان را پیدا کرده‌اند و بقیه گمشده‌ها همینطور حیران می‌مانند و حیران و سرگردان و گاهی هم چپ کرده! وارد دانشگاه می‌شوند و...

اما نکته‌ای که جای تأسف دارد در مورد سمپادیهای شهرستانهای دیگر است و آنهم اینکه اکثر آنها بجز عده قلیلی که از تهرانیها هم بهترند! مسئولیت خود را نفهمیده‌اند و اصلاً شباهتی به سمپادیها ندارند بجز شباهتی مختصر که باعث می‌شود در همان لحظه اول آشنایی هم خانواده بودن هم‌دیگر را کشف کنیم. این دسته که معرفی کردم مثل باقی آدمها خود را به دست جریان روزگار سپرده‌اند و آخر ترم ماشین حساب به دست مشغول معدل‌گیری هستند! و فکر می‌کنم با این اوضاع باید به طریقی اورژانسی برای آنها به فکر چاره بود. خصوصاً با این ازدحام حملات فرهنگی که فکر کردن به آنها آدم

را دچار سرگیجه می‌کند و حتی عاقلها هم گاهی حیران می‌مانند!
بیشتر از این سخن را طولانی نکنم. نمی‌دانم آنچه نوشتہ‌ام تا چه حد با واقعیت منطبق است و تا چه
حد آرمان‌گرا یا دور از آنچه که واقعاً وجود دارد. و به عبارتی نمی‌دانم چقدر درک درستی از آنچه که
در اطرافم می‌گذرد داشتم.

بهر حال «امیدوارم خداوند متعال ما را در عمل به مضامین نورانی قرآن کریم موفق و در احیای
تمدن عظیم قرآنی سهیم گرداند». ان شاء الله
س.ف. دانش آموخته سمپاد

بسمه تعالیٰ

جناب آقای دکتر اژه‌ای ریاست محترم سازمان ملی پژوهش استعدادهای درخشان
با عرض سلام

احتراماً به عرض می‌رساند مانایندگان شورای دانش‌آموزی شهرستان بابل که در مرکز فرزانگان
در پایه‌های مختلف مشغول به تحصیل هستیم نهایت تشکر و سپاس را درخصوص پیش برد اهداف
سازمان از جمله بالا بردن سطح کیفی و کمی آموزش و پیشبرد جنبه‌های معنوی همچنین مسئله مکان
آموزش داشته و داریم. از آنجاییکه جنابعالی در ساخت و تهیه مکان مجتمع زحمات زیادی کشیده‌اید
و ما از نزدیک شاهد آن بوده‌ایم. لذا باید به عرض برسانیم که متأسفانه با مخالفت بعضی از خانواده‌ها
در انتقال به مرکز جدید روبرو هستیم. در صورتیکه فضای کنونی به هیچ وجه مناسب نبوده و فاقد
امکانات رفاهی و بهداشتی می‌باشد. فضایی که کتابخانه مناسب، آزمایشگاه مناسب و اتاق مشاوره
مناسب جهت تعادل افکار، آبخوری و دستشویی مناسب، اتاق کامپیوتر مناسب و حتی کلاس مناسب
ندارد و علیرغم تلاش‌های مدیر محترم مرکز که نهایت سعی را برای ایجاد رفاه دانش‌آموزان می‌نمایند
متأسفانه نمی‌توان کمبودهای این فضا را از بین برد.

اهم مشکلات فضای جدید التأسیس، جاده باریک و کم عرض و نبودن آب و برق و خصوصاً
نداشتن سرویس دهی جهت ایاب و ذهاب می‌باشد که برای خانواده‌ها مشکل زاست و همین علت
مهمی برای مخالفت خانواده‌ها می‌باشد.

لذا از شما مقام و مسئول محترم استدعا داریم بنا به مصلحت و صلاحیت سازمان دستورات لازم
جهت از بین بردن مشکلات مجتمع استعدادهای درخشان بابل داده تا انرژی و نیروی دانش‌آموزان در
این فضای بسته از بین نرود و از طرفی از مکان جدید به نحو بهتری استفاده گردد.

با تشکر - شورای دانش‌آموزی مرکز فرزانگان بابل

چشمها را باشد شست، جور دیگر باید دید

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت تمامی دست اندر کاران تهیه مونس و همدم خوبیمان، «مجله سمپاد»

از طرفداران پر و پا قرص مجله شما هستم و اگر چه که بیشتر اوقات دیرتر از موعد به دستمان می‌رسد، اما در همان روز اول، تمامی مطالب آنرا می‌خوانم. بارها خواسته‌ام که برایتان نامه بنویسم و این فرصت نصیب نشده بود تا اینکه مطالب خواندنی مجله ۳۱ از جمله انشای آن دانش‌آموز سمپادی خبرهایی از مغزهای متفسک و اختراعات ایرانی و گفتگو با یک جوان موفق - المپیادی فیزیک - و همچنین تکرار خبر مسرت‌بخش و غرور آفرین قهرمانی تیم ربوکابهای ایران در جهان مرا مصمم کرد تا حرف دلم را برایتان بنویسم..... اما آنچه که بیشتر از همه روی من تأثیر گذاشت، خبر مهاجرت دانشمندان ایرانی به کشورهای اروپایی و امریکایی بود. بارها و بارها خبر اختراقات جدید بوسیله ایرانیان را خواندم و اشک شادی همراه با غرور و افتخار به «ایرانی بودن» در چشمانم حلقه زد اما وقتی به پایان مطلب میرسیدم شادیها جای خودش را به تأسف می‌داد. مخصوصاً با آن نمایشنامه که تا حدودی نشانگر واقعیتها بود واقعیتی نگران‌کننده و مصداق کامل این جمله که: «یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم.»

... چرا باید به استعدادهای شکفته کشور آنگونه که شایسته آنهاست بها ندهیم و تنها نامشان را پس از کسب موقیت و در هنگام ورود به کشور بشنویم و از همه تجربه‌ها و سعی و کوشش آنها به چند سوال کوتاه و کلیشه‌ای اکتفا کنیم ...

چند وقتی است که خبرهای مربوط به کنکور و دانشگاهیان را دنبال می‌کنم و از صحبت‌های همه آنان که درس و دانشگاهیان را دنبال می‌کنم و از صحبت‌های همه آنان که درس و دانشگاه را فقط برای آموختن و خدمت به دیگران و نه برای کسب مدرک می‌خواهند، اینطور برداشت کرده‌ام که بغیر از چند مجموعه و مرکز علمی در بقیه نقاط کشور آنچنان که باید به کارهای عملی و نقطه قوتی که می‌تواند شخصی را تا بلندترین قله‌های علم راهنمای باشد بها داده نمی‌شود. نمونه‌اش همین حرfovای برگزیدگان جشنواره‌ها و همین تیم ربوکابهای اگر از نظر مالی و دیگر مسائل بیشتر مورد حمایت قرار بگیرند، بسیار برتر از آنچه که هستند، می‌ایستند.... همین المپیادهای اگر چه که ممکن است در همه دروس در سطح عالی نباشند، اما در همان رشته‌ای که برای المپیاد انتخاب کرده‌اند و با توجه و حمایت از استعدادشان به مطالب بسیار زیاد و حتی جدیدی رسیده‌اند که حتی در زندگی روزمره آنها هم تأثیر داشته.

مسلمًاً اگر قرار بود به همه رشته‌ها تا همین سطح المپیاد می‌پرداختند و در همه رشته‌ها از آنها حمایت می‌شد هرگز به این موقوفیت نمی‌رسیدند.

با تشکر از توجه شما

مرکز پیش‌دانشگاهی فرزانگان سبزوار

۱. عبرستانی

به نام ایزد منان

با عرض سلام و خسته نباشد خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای و همه دست اندکاران محترم و آرزوی پیروزی در کار و زندگی من ندا نجفی کلیجی دانش آموز سال سوم ریاضی-فیزیک فرزانگان قائم‌شهر هستم که امسال به خواست خدا به پیش‌دانشگاهی می‌روم من یکبار دیگر هم در سال گذشته مزاحم اوقات شریفتان گشتم و نامه‌ای مبنی بر انتقالی خویش از فرزانگان قائم‌شهر به فرزانگان کرج خدمت شما ارسال نمودم راستش را بخواهید قضیه از این قرار بود که اواخر تابستان گذشته من درخواست انتقالی را از سوی مدرسه سمپاد فرستادم اما از آنجایی که نیازمند جواب قطعی و فوری بودم تصمیم گرفتم خود به همراه پدر و مادرم اقدام نمایم به همین دلیل ابتدا به کرج و به مدرسه فرزانگان رفیم بعد از صحبت و گفتگو با مدیر محترم آنجا ایشان با دلگرمی استقبال کرده و جویای وضعیت تحصیلی من شدند و پدرم در این مورد و نمرات درسی من صحبتی نموده آن خانم که گویا از اوضاع درسی و تحصیلی من راضی و خشنود به نظر می‌رسیدند فرمودند که ایشان از این جهات مشکلی ندارند فقط شما باید از سمپاد یک برگه موافقت را دریافت داشته و بعد اقدامات لازم را به عمل آورید. در نتیجه ما برای دریافت برگه به تهران آمد و روانه سمپاد شدیم اما متأسفانه با عدم موافقت مسؤولان مواجه شدیم که خب البته دلیلش هم عدم تطابق نمره ورودی من و کرجی‌های فرزانه بود. در نتیجه تصمیم گرفتم به عنوان آخرین راه چاره نامه‌ای خدمت شما ارسال داشته و درخواست مساعدت از سوی شما را بنمایم هر چند امید چندانی به کارساز بودن این راه حل نداشتم حدود یکی دو هفته از بازگشایی مدارس گذشته بود که مدیر مدرسه خبر که چه عرض کنم مژده دادند که گویا آقای دکتر اژه‌ای بی‌گیر این قضیه هستند و خواستار نمرات درسی من هستند آن لحظه به قدری خوشحال شدم که نمی‌دانستم چه باید بکنم. هر چند که دیگر دیر شده بود و من از پدر و مادرم خواسته بودم که فقط همان یکسال را بخاطر من بمانند تا امسال که بینم چه پیش خواهد آمد.

من هرگز تصور هم نمی‌کردم که شما قسمتی از وقتتان را به خاطر عضو کوچکی که شاید بودن و نبودنش کوچکترین تأثیری بر خانواده بزرگ سمپاد نداشته باشد اختصاص دهید آن هم با وجود شرایط پیش آمده و جا دارد که همین جا به خاطر این پی‌گیری صادقانه و بزرگوارانه از شما کمال تشکر

ر ا ن م ا ي م .

به هر حال تقدیر چنان بود که ما ماندگار شویم اما امسال دیگر ماندنی در کار نیست در نتیجه بار دیگر همان مشکلات گذشته برایم تکرار شده آن هم به صورتی بغرنج تر و سنگین تر. چراکه امسال من به پیش دانشگاهی می‌روم از یک طرف کلاس‌های ما از تابستان و اول تیر آغاز می‌شود و در نتیجه من مدت زیادی وقت ندارم تا تصمیم بگیرم و از طرف دیگر مسئله کنکور و دانشگاه در پیش است و من نمی‌دانم آیا با خدا حافظی از خانواده بزرگ سمپادی مشکلاتم حل می‌گردد یا نه مشکلی بر مشکلات غربت من در کرج افزوده می‌گردد و اینکه آینده‌ام تا چه حد تحت تأثیر این اقدام ناخواسته قرار خواهد گرفت.

آقای دکتر اژه‌ای من می‌دانم که شرط اول پذیرش من در آنجا تطابق نمره ورودی من و کرجی‌هاست اما آخر، امسال سال آخر تحصیلی ما در دبیرستان است و به هر حال هدف نهایی همه بچه‌های سال آخر تلاش برای گذر از سرکنکور و به خواست خدا قبولی در کنکور هست و با پایان این سال تحصیلی هر کس رهسپار سرنوشت خویش می‌گردد و من تصور می‌کنم که بیرون آمدن از فرزانگان و روانه مدارس غیر سمپادی شدن مشکلاتی را برایم بوجود آورده و ضربه بزرگی بر من وارد خواهد کرد. به هر حال هر چه باشد سمپاد سرماهی گذاری بیشتری را برروی بچه‌ها برای ورود آنها به دانشگاه می‌نماید. آیا با همه آنچه گفته شده پذیرش مهمان ناخوانده‌ای چون من آنهم برای یکسال کار مشکل و سنگینی است.

آقای دکتر اژه‌ای من نه یک انسان با استعداد و با هوش و نه یک المپیادی نه یک فرد دارای رتبه در جشنواره خوارزمی و نه امید شماره ۱ کنکورم اما معتقدم که انسان می‌تواند با تلاش خود را از قعر چاه به اوج افلاتک برساند. شاید هم از همه بچه‌های همسن خودم در فرزانگان کرج از نظر تحصیلی برتر و موفق‌تر نباشم. اما با توجه به اینکه ما سال آخری هستیم و تلاش ۱۱ ساله ما به امسال وابسته است آیا درست است که من اینگونه از خانواده سبز سمپادی خدا حافظی کنم و به دنبال سرنوشت تاریکم سرگردان شوم؟

با توجه به اینکه کلاس‌های ما در ۱ تیرماه آغاز می‌شود از شما ملتمنسانه درخواست می‌کنم قبول زحمت نموده و نامه‌ام را زودتر بررسی و پاسخی قطعی و فوری برایم ارسال دارید تا من از این بلاتکلیفی و سرگردانی نجات یابم و بدانم که آیا باید خود را برای حضور در کلاس‌های پیش دانشگاهی در ۱ تیرماه آماده کنم - البته در فرزانگان کرج - یا باید با خانواده عزیز سمپاد و همه دوستان خدا حافظی نموده و تحصیلم را از ۱ مهرماه در مدارس غیر سمپادی در کرج ادامه دهم که البته امیدوارم

باصلاح و تدبیر شما دیگر چنین نشود.

از همه توجهات شما پدر بزرگوار نسبت به فرزندانتان در سراسر ایران صادقانه و خالصانه تشکر می‌کنم و در آخر، بار دیگر از شما درخواست می‌نمایم به خاطر خدا نگذارید که امسال که سال آخر من هست سرگردان بمانم.

امیدوارم خداوند یاریگر و حامی شما و شما حامی و یاریگر ما باشد

با آرزوی پیروزی و شادکامی برای شما و همه مسؤولان محترم و تلاشگر

ندا نجفی کلیجی

استعدادهای درخشان: ضوابط انتقال به مراکزیکه درخواست انتقال به آنها کمتر است بسیار سهل و با اغماض صورت می‌گیرد. در مورد ایشان هم با توجه به نزدیک بودن نسبی امتیازشان با شهر مقصد. جهت امسال نیز چون سال قبل موافقت گردیده است در ضمن همه اعضاء سپاد برای ما ارزشمند هستند، پاسخ مثبت و یا منفي در مورد انتقال عمدتاً بخاطر نداشتن «جا» می‌باشد. ما موارد زیادی داریم که حتی امتیاز شهر مقصد را داشت آموزان دارند ولی ظرفیت آن مرکز تکمیل است. متأسفانه در این شهرها امکان توسعه نیز از ما گرفته شده است.

○ ○ ○

نامه‌ها و نوشهای شما دریافت شد، برخی از سوالات طرح شده در نامه‌ها که جنبه عام داشته است را در بخش «پرسش‌های شما» پاسخ گفته‌ایم:

□ اراك، مرکز فرزانگان راضیه پوینده □ اردبیل، جمعی از دانشآموزان مرکز فرزانگان □ ارومیه، مرکز فرزانگان، جمعی از دانشآموزان پایه دوم دبیرستان □ اصفهان، دانشآموزان دبیرستان فرزانگان امین □ ایران!! چند تن از دانشآموزان سوم راهنمایی فرزانگان □ بروجرد، یک غیربروجردی از فرزانگان بروجرد □ بندرعباس، عده‌ای از اولیاء مرکز شهید حقانی / خانم بشیگ مدیر فرزانگان □ بیرونی، دبیر مرکز فرزانگان □ تهران، مهین مولودی / ولی دانشآموز مرکز فرزانگان / محمد پاکدل، علامه حلی □ خرم‌آباد، مرکز فرزانگان: رویانظری □ زنجان، جمعی از دانشآموزان مرکز فرزانگان / م. س. از شهیدبهشتی □ سنتدج، دانشآموزان مرکز راهنمایی فرزانگان □ قزوین، مرکز فرزانگان، نرگس شهیدی □ قم، مرکز فرزانگان بیگدلی □ کرمانشاه، مرکز فرزانگان مژده لهراسی / دانشآموز مرکز فرزانگان □ گرگان، جمعی از دانشآموزان مرکز فرزانگان □ مشهد، دانشآموزان دبیرستان شهیده‌هاشمی نژاد / دانشآموز ف. ف/ دانشآموزان سال سوم دبیرستان / دلوزی برای آینده از مرکز فرزانگان □ نیشابور، مرکز فرزانگان نجمه جعفری / دانشآموزی از مرکز فرزانگان

تازه‌های کتاب

■ مسائل جامع فیزیک

گردآوری «احسان واحدی» دانش آموخته سمپاد از مرکز شهید هاشمی نژاد مشهد.

این کتاب برگزیده مسائل تکمیلی و امتحانی مراکز سمپاد به انضمام پرسشهای مرحله اول المپیادهای کشوری است. ویژگیهای این مجموعه در برداشتن مسائل تکمیلی و امتحانی، استفاده از سوالهای المپیادهای کشوری، استفاده از مطالب کتابهای مختلف، سوالات آزمونهای سراسری و داخلی سمپاد، ترتیب تمرينها از ساده به سخت، تفکیک مباحث مختلف و داشتن پاسخنامه است که در ده بخش: مکانیک ۱ و ۲، مکانیک سیالات، گرماسنجی و حرارت، الکتریسیته مغناطیس، جریان متناوب، نورشناسی هندسی، امواج و ارتعاشات، نورشناسی فیزیکی در ۳۱۲ صفحه تدوین و توسط نشر سمپاد چاپ شده است.